

۴۶۳

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۴ تا ۱۰ خرداد ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۲۹

خامنه‌ای و روزهای پس از سقوط

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۲۹ (۴۶۳)

جمعه ۴ تا ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

۲۴ تا ۳۰ مه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سر دبیری:

editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda,
MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris,
FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

کیشان

* فهرست مطالب *

۴	سرمقاله - «تغییب» از قدرت شرّ به قدرت مردم / الا هه بقراط
۴-۵	تیتز هفته - خامنه‌ای و روزهای پس از سقوط ... /
۶	شاهزاده رضا پهلوی: جایگزین رئیسی کارگزار سرکوب و فساد تو روور همچون او... /
۶	«صدای آمریکا»: قالب گیری از دستان شهبانو فرح پهلوی در پروژه ... /
۷	تد کروزر: رئیسی یک «هیولای قاتل» بود: اگر خامنه‌ای هم بمیرد دنیا امن تر ... /
۸-۹	مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیر عبد اللهیان در سانحه سقوط هلی کوپتر ... /
۹-۱۰	اعلام پنج روز عزای عمومی: مردم شادمان از مرگ رئیسی با هشتک «#خبر_مرگش» ... /
۱۰-۱۱	مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی با آمریکا تا بید شد ... /
۱۱	نجات بخش ... / اخیر اندیش (احمد احرار).....
۱۲-۱۳	سیاست و سیاستگذاری در ایران - خاطرات علینقی علیخانی (بخش ۱۶) ... /
۱۴-۱۵	چرا سقوط هلی کوپتر ابراهیم رئیسی مشکوک است؟ ... /
۱۶	آغاز لابیگری و زد و بند برای ریاست مجلس شورای اسلامی دوازدهم ... /
۱۷	۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه پنهان در بودجه امسال ... /
۱۸	سفر علی باقری کنی به روسیه: «مشورت با روس‌ها برای مذاکره با غرب»؟ ... /
۱۸	آخر زمانی هابه دنبال کیک زرد آفر بقایی ... /
۱۹	روزنامه جمهوری اسلامی: احتمال «توطئه خارجی» در سقوط هلی کوپتر رئیسی ... /
۲۰-۲۱	تحولات سیاسی در ایران پس از مرگ رئیسی و تأثیر آن بر ... / بهرام فرخی
۲۲-۲۳	ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» و رئیس دولت دست نشانده خامنه‌ای ... / پویا بهرامی
۲۴-۲۵	سرمنشا الکل مصرفی آلوده به «متانول» است! ... / فیروزه نور دستروم
۲۵	آرش روشن: خیزش «زن، زندگی، آزادی» زندگی‌ساز تغییر داد ... /
۲۶-۲۷	روزهای دشوار جمهوری اسلامی با دولت بی رئیس و جایگزینی ... /
۲۷	حمایت بشمار اسداز حق حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی در نشست ... /
۲۸-۲۹	چه کسانی «مرگ هیولا» و «قصاب نهران» را تسلیت گفتند؟ ... /
۲۹	مذاکرات غیر مستقیم جمهوری اسلامی و آمریکا در عمان برای جلوگیری از ... /
۳۰	معاون انیتیر وزیر کشور بریتانیا گزارش بی بی سی در مورد ابراهیم رئیسی را «چرند» ... /
۳۰-۳۱	سطح پایین مهمانان خارجی حاضر در مراسم «ادای احترام» به رئیسی ... /
۳۲	«ضربه به خامنه‌ای»، «جنگ قدرت» یا «شانس برای مجتبی خامنه‌ای» ... /
۳۳	مراسم تشییع جنازه کشته شده گان سقوط هلی کوپتر ... /
۳۴-۳۵	«کنفرانس کادبز»: جمع اضداد با هدف مقابله با «خودزنی اپوزیسیون» ... /
۳۶-۳۷	ادامه جنجال «تعطیلی شنبه»: از خط و نشان امان جمعه تا احتمال رفتن لایحه به ... /
۳۷	افزایش اعتراضات و اعتصابات در هفته سوم اردیبهشت ... /
۳۸	مرگ رئیسی از ورزش تا مدارس را تعطیل کرد و فعالیت‌های کشور را ... /
۳۹	«پسر عمه منوچهر بختیاری» مهندس پرواز هلی کوپتر رئیسی بود ... /
۴۰-۴۱	محکومیت ۱۵ شهروند زن بهائی ساکن اصفهان به حبس، جزای نقدی و ... /
۴۱	تحریم ۱۰ اشخص و نهاد جمهوری اسلامی توسط اتحادیه اروپا همزمان با ... /
۴۲	الهه محمدی روزنامه نگار جایزه آزادی مطبوعاتی «خوزه کوزو» را به ... /
۴۲-۴۳	فاجعه‌ی سیل و نا کار آمدی مسئولان در مشهد ... /
۴۴	برکناری مدیر بحران شهری مشهد پس از تکذیب وقوع سیل! ... /
۴۵	«محیط زیست» سومین عامل مهاجرت‌های داخلی پس از فقر و بیکاری ... /
۴۶-۴۷	فاجعه قیمت‌های نجومی در بازار مسکن؛ دولت می گوید تا تمام کارگران را ... /
۴۷	فاجعه‌ای که «نبا بد نوشته می شد» ... /
۴۷	اوضاع رئیسی و امیر عبد اللهیان! ... / بهنام محمدی
۴۸	رقص نور از پنجره‌های در فراتکفورت تا پاریس ... / کتابیون حلاجان
۴۹	«رستاخیز شهر یاران ایران» میرزاده عشقی در لندن ... /
۴۹	هشتمین «نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» در لندن ... /
۵۰	مهدی تاج: به خاطر اسرائیل سالن را ترک کردیم، اما نماینده فلسطین ماند ... /
۵۰-۵۱	افشای فساد گسترده در فوتبال ایران؛ برکناری رئیس کمیته داوران و مسئول ... /
۵۱	ندارستمی قهرمان پرورش اندام و عضو «انجمن ورزشکاران آزاد یخواه ایران» ... /
۵۲-۵۳	خبرهای کوتاه ... /
۵۴	پشت جلد - عکس هفته / هزاران دلیل برای شادی مردم

بازنشر
بازنشر



خامنه‌ای و روزهای پس از سقوط

«تغییر» از قدرت شرّ به قدرت مردم

بدون کسب قدرت نمی‌توان از تقسیم قدرت سیاسی و توزیع آن سخن گفت. و برای کسب قدرت می‌بایست اراده قدرت داشت. این فقط مربوط به مبارزه در رژیم‌های استبدادی نیست بلکه در دموکراسی‌ها نیز همین است! تفاوتش در شرایط و شکل مبارزه است. در دموکراسی‌ها احزاب بر اساس دولت حقوقی در یک نظام جمهوری یا پادشاهی برای راه یافتن به پارلمان جهت قانونگذاری و تشکیل دولت جهت اجرای قوانین، رقابت و مبارزه برای جلب آرای مردم در انتخابات می‌کنند که چیزی جز کسب قدرت نیست. همه احزاب در دموکراسی‌ها به شدت اراده قدرت دارند.



ولی برای رسیدن به دموکراسی نیز دموکرات‌ها باید اراده کسب قدرت داشته باشند. پس از ۵۷ در کنار تحریفات بسیاری که در مفاهیم و رویدادها صورت گرفت، یکی هم در ارتباط با همین اراده و کسب قدرت بود به این شکل که:

انقلاب ۵۷ خوب است ولی انقلاب علیه آن و جمهوری اسلامی بد و خشن و خشونت‌طلبی است (همانطور که مبارزه مسلحانه و ترور توسط آنها خوب است و می‌توان آن را جشن هم گرفت!) به همین شکل، تلاش برای کسب قدرت و به دست آوردن آن توسط برادران و رفقا، هر وقت و هر جا که روی دهد خوب است اما تلاش برای کسب قدرت در برابر جمهوری‌های خلقی و اسلامی، بد و خشن و خشونت‌طلبی است!

چنین فضایی پس از پیروزی جمهوری اسلامی بر ایران حاکم شد و در دوران اصلاحات حتی کار به جایی رسید که گویا اساساً قدرت و تلاش برای کسب آن زشت و مذموم است آنهم در حالی که خودشان در قدرت شرّ و مطلقه‌ی مذهبی سهیم بودند!

برخی افراد و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی هم از تلاش برای کسب قدرت اعلام برائت و در واقع دلیل وجودی خود را انکار کرده و یادآوری می‌کردند: البته ما در پی قدرت نیستیم! کسی هم نمی‌رسید پس به دنبال چه هستید؟ و بدون قدرت چه تغییری ممکن است؟!

حالا که جمهوری اسلامی بار دیگر کارش زار شده، همان جریانات انقلابی ۵۷ برعکس آن زمان، از اپوزیسیون قدیمی و میهن‌دوست رژیم ایراد می‌گیرند که یکی از اشکالاتش این بوده که مدعی کسب قدرت نمی‌شده!

چرا اکنون این را می‌گویند؟ زیرا کسب قدرت جناحی‌شان در جمهوری اسلامی دیگر ممکن نیست و آنها به قدرت بالقوه یعنی اپوزیسیون دموکرات روی آورده‌اند که البته بسیار هم عالیست. اما می‌خواهند اول در خود این اپوزیسیون «کسب قدرت» کنند! توصیه به آنها اگر واقعا الان به فکر منافع ملت و مملکت افتاده‌اند، این است که به این ملت و مملکت بپیوندند و تجدید بنای قدرت در ایران نوین و روند آینده را نه در پیشینه سست و لاغری که گویا با «تغییر» آنها شروع شده بلکه در اندیشه و نیرویی تشخیص دهند که از روز اول علیه جمهوری اسلامی وجود داشته و با گذشت زمان و به تجربه قدرتمند شده است.

اپوزیسیون مدافع دموکراسی هم سرانجام می‌بایست اراده‌ی خود را برای کسب قدرت با صراحت بیان کند تا نیرویی که سال‌ها در قدرت شرّ سهیم و یا مدافع آن بوده و حالا «تغییر» کرده، بدانند که جایش کجاست؛ پیوستن به صف میهن‌دوستان مدافع دموکراسی و نه هدایت آن! «تغییر» آنها با درک این موضوع است که تکمیل و قابل باور می‌شود.



● اگر روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۵۷ و بنیانگذار جمهوری اسلامی است، علی خامنه‌ای اما معمار نظام به شمار می‌رود. او پس از تجربه نه چندان مثبتی که طی ربع قرن در سه دولتِ دو دوره‌ای با رؤسای آنها داشته، توانسته بود با سیدابراهیم رئیسی به ایده‌آل‌هایش نزدیک شود.

دو روز پس از حادثه در گفتگوی تلویزیونی با شبکه خبر صداوسیما دولتی اعلام کرد که هوا در هنگام پرواز بسیار خوب و بدون هیچ اختلال جوی بوده است. او همچنین گفته هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در وسط دو هلی‌کوپتر دیگر قرار داشته و با وجود سقوط، پس از ۳۰ ثانیه متوجه می‌شوند که این هلی‌کوپتر مفقود شده است! توضیحات رئیس دفتر ابراهیم رئیسی اما بر ابهامات افزوده و «فرضیه عمدی بودن» سقوط هلی‌کوپتر را تقویت کرده است.

ستاد مرکزی نیروهای مسلح ارتش، یک هیئت ویژه را مأمور بررسی علت این سقوط کرده است؛ هرچند حتی اگر گزارش رسمی درباره این حادثه از سوی جمهوری اسلامی ارائه شود، باور و اعتماد به آن دشوار است مگر آنکه در جهت تأیید حدس و گمان‌های افکار عمومی باشد: جنگ قدرت!

رابطه مرگ رئیسی و جنگ قدرت

در نهایت شاید علت سقوط هلی‌کوپتر و کشته شدن سیدابراهیم رئیسی مانند مرگ بسیاری از مقامات نظام رازآلود باقی بماند اما در حال حاضر گمانه‌زنی‌ها درباره این حادثه ادامه دارد.

در نخستین دقیق اعلام بروز حادثه برای هلی‌کوپتر، یکی از مهمترین سناریوها، حذف رئیس دولت و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی توسط اسرائیل بود؛ موضوعی که از سوی این کشور قاطعانه رد شده است.

احتمال دیگر مطرح شده، نبرد قدرت در درون جمهوری اسلامی است؛ سناریویی که به دلیل درگیری‌های درون حکومت طی سال‌ها، و به ویژه در ماه‌های اخیر، سناریویی قابل تأمل به نظر می‌رسد.

مرگ ابراهیم رئیسی برای علی خامنه‌ای به معنای بر هم خوردن نظم است که به سختی توانسته بود در حکومت متزلزل و آسیب‌پذیر ایجاد کند. رهبر جمهوری اسلامی در ماه‌های آینده برای حفظ پایه‌های امپراتوری قدرت‌اش، چه در ارتباط با بحران‌های داخلی و چه در سیاست خارجی که مذاکره با ایالات متحده محور آن را تشکیل می‌دهد، دچار چالش خواهد بود.

سیدابراهیم رئیسی روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ و یک سال پیش از پایان نخستین دوره ریاست جمهوری‌اش در حادثه سقوط هلی‌کوپتر کشته شد. اطلاعات ضد و نقیض و تلاش جمهوری اسلامی برای برخی پنهانکاری‌ها درباره این حادثه، ابهامات را درباره آنچه سقوط هلی‌کوپتر بر اثر «شرایط نامساعد جوی» اعلام شده، افزایش داده است.

در نخستین خبرهای منتشرشده از سانحه‌ی هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و همراهانش از دو هلی‌کوپتر دیگر صحبت شد که دیگر اعضای این هیئت را در سفر به مرز جمهوری آذربایجان برای تأسیس پروژه یک سد آبی همراهی می‌کردند. اما در ادامه و طی ۱۸ ساعت جستجو برای یافتن هلی‌کوپتر حامل رئیس دولت سیزدهم، کمتر توجهی به دو هلی‌کوپتری شد که همان زمان و از همان مسیر پرواز کرده و گفته شد که «سالم» نیز به مقصد رسیدند.

با اینهمه، پرسش اساسی این بود که چطور شرایط نامساعد جوی برای دو هلی‌کوپتر دیگر مشکلی پیش نیاورده و فقط هلی‌کوپتر حامل رئیسی که حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه‌اش نیز در آن بوده دچار حادثه شده است؟

محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران گفت «ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد».

غلامحسین اسماعیلی رئیس دفتر ابراهیم رئیسی نیز



با خامنه‌ای همسو و هم‌موج بود و از او حرف‌شنوی داشت. همین موضوع خیال رهبر ۸۵ ساله‌ی نظام را راحت می‌کرد که وقتی عمرش بسر رسید، در شرایط «تضاد دولت با رهبر»

هر یک هشت سال زمام امور دولت را در دست داشتند در فاصله کوتاهی پس از تشکیل هیئت دولت، فاصله‌ای معنادار را با علی خامنه‌ای نشان دادند. از سوی دیگر آنها

ابراهیم رئیسی از جمله گزینه‌های اصلی ریاست دوره جدید مجلس خبرگان رهبری به شمار می‌رفت؛ مجلسی که پس از برگزاری انتخابات در اسفندماه گذشته، ششمین



نخواهد مُرد.

در این میان، توجه به نقش محمد مخبر دزفولی که طی دوران رهبری خامنه‌ای همواره در مسئولیت‌های مهم در رکن نظام و شخص خامنه‌ای بوده است، به عنوان فردی معتمد در مقام معاون اول رئیسی اهمیت دارد.

اکنون در شرایطی که خامنه‌ای با وضعیت «دولت بی‌رئیس» روبروست، شاید حضور مخبر برای وی کمی امیدبخش باشد. با اینهمه بی‌صاحب بودن دولت، همزمان با تغییر مجلس یازدهم به دوازدهم آنهم با حضور نمایندگان چند شقه، قطعاً روزهای دشواری را برای خامنه‌ای رقم می‌زند. به ویژه آنکه برنامه دولت رئیسی دستیابی به توافق با آمریکا تا پیش از پایان فعالیت دور اول دولت‌اش بوده است. شواهد نشان می‌دهد که خامنه‌ای مایل نبود بازگشت احتمالی ترامپ به کاخ سفید، کوچکترین اختلالی در مسیر مذاکرات ایجاد کند. از همین رو، رئیس دولتی که قرار است در تیرماه و طی «انتخابات» جانشین رئیسی شود، می‌بایست در حلقه‌ی تنگ قدرتی که حول «بیت رهبر» باقی مانده این مسیر را ادامه دهد.

اینهمه در حالیست که در ایران نسخه همراه کردن مردم با نظام با شکست روبرو شده است. سالها اعتراضات دوره‌ای و خیابانی مردم، و سرکوب شدید آنها از سوی حکومت، در کنار ناکارآمدی و تباهکاری پیوسته‌ی دولت‌های مختلف چنان فاصله عمیقی میان جمهوری اسلامی و مردم ایجاد کرده که خامنه‌ای با هیچ ترفندی قادر به پُر کردن آن نیست. فاصله‌ای که یکبار دیگر با شادی شهروندان در مرگ مقامات رژیم نیز نشان داده شد.

علی خامنه‌ای بدون شک یک هراس بزرگ دارد و آن آغاز دوباره اعتراضات سراسری در شرایط آشفته‌ی دولت و مجلس است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد حکومت که از مدت‌ها پیش تشدید فضای امنیتی در سطح جامعه را به اشکال مختلف پیش برده، آمادگی استفاده از اهرم سرکوب برای جلوگیری از بروز هرگونه اعتراضی است.

توانستند آنطور که علی خامنه‌ای می‌خواست بازی دوگانه با غرب را پیش ببرند؛ محمد خاتمی اگرچه بازی دوگانه را تثبیت کرد و اعتباری کاذب برای جمهوری اسلامی به ویژه در سطح بین‌المللی آفرید، اما پس از وی، محمود احمدی‌نژاد هرچه را او رشته بود پنبه کرد و با اینکه ابایی از ارتباط با آمریکایی‌ها نداشت ولی نتوانست در مذاکرات هسته‌ای بازی دوگانه‌ی خامنه‌ای را پیش برد. حسن روحانی هم از آن طرف بام افتاد و امپراتوری قدرت خامنه‌ای را در مقابل غرب و به ویژه آمریکا «خوار» نشان داد.

روح‌الله خمینی اگر رهبر انقلاب ۵۷ و بنیانگذار جمهوری اسلامی است اما علی خامنه‌ای معمار جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. او پس از سالها کشمکش و تلاش ناموفق، به نظر می‌رسد با ابراهیم رئیسی توانسته بود به آنچه از ساختار یک حکومت اسلامی در نظر دارد نزدیک شود.

جمهوری اسلامی در ماه‌های گذشته به شاخ و شانه کشیدن علیه غرب و اسرائیل ادامه داد و در منطقه نیز توانست تبلیغات و نمایش‌های جنجالی خود را به اجرا بگذارد در حالی که پشت پرده و با چراغ‌خاموش مذاکرات با آمریکا را پیش می‌برده است. چشم‌انداز مسیر توافق دست‌کم برای ایالات متحده آنقدر مثبت ارزیابی شده بود که از سوی دولت بایدن پیام تسلیت و همدردی در ارتباط با مرگ رئیسی صادر شد. آنهم در حالی که وی نه تنها در غرب به «قصاب تهران» معروف است بلکه به دلیل نقض فاحش حقوق بشر از جمله از سوی ایالات متحده تحریم شده بود. مناقشه در ظاهر و ساخت و پاخت پشت پرده همان روندی است که «معمار جمهوری اسلامی» سالها دنبال می‌کرد و مایل بود جریان و دولتی آن را پیش ببرد که کاملاً گوش به فرمان و معتمد اوست. روندی که با احمدی‌نژاد شکست خورده و با روحانی به نتیجه‌ی دلخواه نرسیده و ترامپ به آسانی نتوانست زیر میز بازی بزند.

از سوی دیگر ابراهیم رئیسی حتی اگر رقیب فرزند ارشد خامنه‌ای برای جلوس بر کرسی رهبری نظام هم می‌بود، اما

دوره آن روز سه‌شنبه اول خردادماه و یک روز پس از اعلام رسمی کشته شدن رئیسی افتتاح شد!

از سوی دیگر سال‌هاست که نام ابراهیم رئیسی و مجتبی خامنه‌ای فرزند ارشد علی خامنه‌ای، به عنوان دو گزینه اصلی برای رهبری آینده حکومت مطرح است.

در آنسو جریان اصلاح‌طلب و حتی بخشی از آنانکه «میانه‌رو» خوانده می‌شوند، نظر مثبتی به حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی برای رهبری آینده نظام دارند. اما رسیدن او به این مقام با توجه به مدیریت انتخابات خبرگان رهبری از سوی خامنه‌ای با موانع جدی روبروست. در این دوره از انتخابات مجلس «خبرگان رهبری» افرادی که می‌توانستند برای گزینش حسن خمینی مؤثر باشند از جمله حسن روحانی، مصطفی پورمحمدی و سیدمحمد علوی رد صلاحیت شدند و حتی نتوانستند وارد مراحل رقابت‌های انتخاباتی شوند.

نبرد قدرت در جمهوری اسلامی نه تنها در سطح مجلس خبرگان، بلکه در سطوح پایین‌تر از جمله برای رسیدن به کرسی‌های مجلس شورای اسلامی و حتی جاسازی مهره‌ها در بخش‌های کلان مدیریتی نیز جریان دارد.

اگر دو دهه پیش قوای سیاسی درون‌حکومتی حول دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا معنا پیدا می‌کرد، امروز رهبر جمهوری اسلامی با جریان‌های سیاسی در هم تنیده و مختلفی روبروست که در سال‌های گذشته با تکیه بر رانت و به غنیمت گرفتن بخشی از منابع کشور، فربه شده و حالا هر یک مدعی کسب و تثبیت قدرت خود در سطوح بالای حکومت هستند.

همسویی رئیسی با معمار جمهوری اسلامی

علی خامنه‌ای پس از تجربه نه چندان مثبتی که طی ربع قرن در طول سه دولت دو دوره‌ای با رؤسای آنها داشته نتوانسته بود با ابراهیم رئیسی به ایده‌آل‌هایش نزدیک شود. محمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی که

«صدای آمریکا» قالب‌گیری از دستان شهبانو فرح پهلوی در پروژه «دست‌های ماندگار»



ویدئو

رامین اعتمادی بزرگ و اشا صدر مجسمه‌سازان ساکن واشنگتن، دستان شهبانو فرح پهلوی را برای پروژه «دست‌های ماندگار» بازآفرینی می‌کنند.

این پروژه با هدف یادبود و پاسداشت یاد و میراث شخصیت‌های برجسته در فرهنگ و هنر ایران به ساخت مجسمه‌هایی از دستان آنها می‌پردازد.

«صدای آمریکا» نوشته است که تیم خبری این رسانه به خانه شهبانو فرح پهلوی در نزدیکی واشنگتن رفته و مراحل قالب‌گیری از دستان شهبانوی ایران را توسط این هنرمندان دنبال کرده است.

در پروژه «دست‌های ماندگار» پیش از این مجسمه‌هایی از دستان همایون خرم، محمدعلی فروغی و لوریس چکناواریان ساخته شده است.



شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به سقوط مرگبار هلی‌کوپتر حامل رئیسی: جایگزین رئیسی کارگزار سرکوب و فساد و ترور همچون او فردی فاسد و جنایتکار خواهد بود



شاهزاده رضا پهلوی / تظاهرات لس آنجلس / یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۱

او تغییر نخواهد کرد. از هم‌اکنون می‌توان انتظار داشت که جایگزین رئیسی که از دل یک سیرک انتخاباتی دیگر بیرون خواهد آمد نیز همچون او فردی فاسد و جنایتکار خواهد بود.»

متن کامل پیام به این شرح است:

«ابراهیم رئیسی یک جنایتکار علیه بشریت و یکی از بی‌رحم‌ترین و بدنام‌ترین سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی بود. او از همان نخستین سال‌های روی کار آمدن این رژیم، در کسب و کار مرگ و اعدام و جنایت بود، و دستاوش آغشته به خون هزاران هزار ایرانی.

بی‌جهت نیست که ملت ایران و به‌ویژه خانواده‌های قربانیان رئیسی، امروز از مرگ وی شادمانند و شاید تنها افسوس‌شان این است که او سقوط جمهوری اسلامی را ندید و برای جرم و جنایت‌هایش محاکمه نشد.

ملت آگاه ایران در عین حال به خوبی می‌داند که رئیسی، جلا خیمینی و خامنه‌ای، و کارگزار آنها در سرکوب و فساد و ترور بود و سیاست‌های رژیم در عرصه داخلی و خارجی با مرگ او تغییر نخواهد کرد.

از هم‌اکنون می‌توان انتظار داشت که جایگزین رئیسی که از دل یک سیرک انتخاباتی دیگر بیرون خواهد آمد نیز همچون او فردی فاسد و جنایتکار خواهد بود.

ملت ما اما به کمتر از نابودی جمهوری اسلامی که ایران را اشغال کرده، راضی نخواهد شد و با قدرت و همبستگی افزون‌تر به مبارزه با رژیم می‌پردازد که هر روز ضعف و چنددستگی‌اش آشکارتر می‌شود، ادامه خواهد داد.

به یاد و نام تک‌تک قربانیان ابراهیم رئیسی، تلاش‌های خود را برای آزادی و بازپس‌گیری میهن‌مان دوچندان می‌کنیم که جهان نیز بدون جمهوری اسلامی و سرکردگان جنایتکارش جای بهتری برای زندگی خواهد بود.»

● شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به سقوط مرگبار هلی‌کوپتر حامل سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه‌اش و دیگر مقامات رژیم طی پیامی وی را «یک جنایتکار علیه بشریت و یکی از بی‌رحم‌ترین و بدنام‌ترین سرکردگان رژیم» نامید و گفت: «بی‌جهت نیست که ملت ایران و به‌ویژه خانواده‌های قربانیان رئیسی، امروز از مرگ وی شادمانند و تنها افسوس‌شان این است که او سقوط جمهوری اسلامی را ندید و برای جرم و جنایت‌هایش محاکمه نشد.»

● «ملت ما به کمتر از نابودی جمهوری اسلامی اشغالگر ایران راضی نخواهد شد.»

● «به یاد و نام تک‌تک قربانیان ابراهیم رئیسی، تلاش‌های خود را برای آزادی و بازپس‌گیری میهن‌مان دوچندان می‌کنیم که جهان نیز بدون جمهوری اسلامی و سرکردگان جنایتکارش جای بهتری برای زندگی خواهد بود.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به سقوط مرگبار هلی‌کوپتر حامل سیدابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه‌اش و دیگر مقامات رژیم طی پیامی وی را «یک جنایتکار علیه بشریت و یکی از بی‌رحم‌ترین و بدنام‌ترین سرکردگان رژیم» نامید و گفت: «بی‌جهت نیست که ملت ایران و به‌ویژه خانواده‌های قربانیان رئیسی، امروز از مرگ وی شادمانند و تنها افسوس‌شان این است که او سقوط جمهوری اسلامی را ندید و برای جرم و جنایت‌هایش محاکمه نشد.»

شاهزاده بار دیگر بر «مبارزه با رژیم می‌کنیم که هر روز ضعف و چنددستگی‌اش آشکارتر می‌شود» تأکید کرد و افزود: «ملت آگاه ایران در عین حال به خوبی می‌داند که رئیسی، جلا خیمینی و خامنه‌ای، و کارگزار آنها در سرکوب و فساد و ترور بود و سیاست‌های رژیم در عرصه داخلی و خارجی با مرگ

از سوی دولت آمریکا برای مرگ رئیسی انتقاد کرد و گفت: «با مرگ ابراهیم رئیسی، جهان جای بهتری خواهد بود.» وی افزود: «رئیسی که به عنوان «قصاب تهران» شهرت دارد، دست به کشتار دستجمعی زده و بارها به خاطر همین جنایاتش تحریم شده است.»

این سناتور اقدام سازمان ملل متحد برای نیمه افراشته کردن پرچم خود به دلیل مرگ رئیسی را نیز «شرم‌آور» خواند و گفت، «رئیسی خواستار قتل یهودی‌ها و مقامات

سناتور جمهوریخواه تد کروزر در جلسه کنگره با حضور آنتونی بلینکن وزیر خارجه که سه‌شنبه ۲۱ ماه مه (اول خرداد) برگزار شد با انتقاد از ضعف دولت بایدن در مقابل «رژیم آدمکش و نسل‌کش» جمهوری اسلامی به افزایش فروش غیرقانونی نفت توسط جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت، دولت بایدن [رژیم] ایران را «پول‌باران» کرد و به دنبال توافقی دیگر با آن است. این عضو کمیته روابط خارجی سنای آمریکا از بلینکن

تد کروزر: رئیسی یک «هیولای قاتل» بود؛ اگر خامنه‌ای هم بمیرد دنیا امن‌تر خواهد بود



تد کروزر سناتور ایالت تگزاس

آمریکایی شده بود. سازمان ملل با نیمه افراشته کردن پرچم خود به احترام یک هیولای قاتل و تمامیت‌خواه خود را مضحکه کرده است.»

در حاشیه نشست کنگره، تد کروزر در مصاحبه با «صدای آمریکا» از سیاست دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی انتقاد کرد. وی ابراهیم رئیسی را «قصاب تهران» خواند و تأکید نمود دنیا بدون او جای بهتری است. کروزر همچنین در مصاحبه با تلویزیون «نیوزمکس» گفت، «رئیسی یک هیولای قاتل بود... او قاتل کودکان و عامل کشتار و شکنجه هزاران نفر در ایران بود. او مردم ایران را سرکوب می‌کرد.»

کروزر افزود، «رئیسی دشمن بشریت و دشمن مردم ایران بود. بنابراین خوشحالم که او مُرد. اما توجه کنید، وقتی خامنه‌ای هم برود، دنیا امن‌تر خواهد بود... مردم ایران می‌خواهند آزاد باشند.»

تام کاتن: قطعاً با رژیم آخوندها همدردی ندارم

سناتور تام کاتن نیز در مصاحبه با «فاکس نیوز» تسلیم به رئیسی از سوی دولت بایدن را «بسیار ناامیدکننده» توصیف کرد و گفت، «دولت بایدن برای کسی که به خاطر قتل عام هزاران نفر به جلا در تهران معروف است، تسلیم می‌گوید... قطعاً من تسلیم یا همدردی برای آخوندهای رژیم ایران ندارم. مردم ایران احتمالاً به این خاطر بسیار خوشحال هستند که جلا در تهران دیگر آنجا نیست که آنها را شکنجه کند. اما بطور کلی، من فکر می‌کنم مرگ او هیچگونه تأثیر قابل توجهی در سراسر منطقه داشته باشد، زیرا کسی که در ایران همه تصمیمات را می‌گیرد خامنه‌ای است.»

شمار دیگری از سناتورها و نمایندگان مجلس در آمریکا و همچنین شماری از نمایندگان پارلمان اروپا نیز به مقامات، دولت‌ها و نهادهای اروپایی و بین‌المللی به دلیل ارسال پیام تسلیم به خاطر کشته شدن رئیسی به عنوان یکی از ناقضان حقوق بشر به شدت انتقاد کرده‌اند.

● سناتور جمهوریخواه تد کروزر در جلسه کنگره با حضور آنتونی بلینکن وزیر خارجه که سه‌شنبه ۲۱ ماه مه (اول خرداد) برگزار شد با انتقاد از ضعف دولت بایدن در مقابل «رژیم آدمکش و نسل‌کش» جمهوری اسلامی به افزایش فروش غیرقانونی نفت توسط جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت، دولت بایدن [رژیم] ایران را «پول‌باران» کرد و به دنبال توافقی دیگر با آن است.

● این سناتور اقدام سازمان ملل متحد برای نیمه‌افراشته کردن پرچم خود به دلیل مرگ رئیسی را «شرم‌آور» خواند و گفت، «رئیسی خواستار قتل یهودی‌ها و مقامات آمریکایی شده بود. سازمان ملل با نیمه‌افراشته کردن پرچم خود به احترام یک هیولای قاتل و تمامیت‌خواه خود را مضحکه کرده است.»
● وی در مصاحبه با تلویزیون «نیوزمکس» نیز گفت، «رئیسی یک هیولای قاتل بود... او قاتل کودکان و عامل کشتار و شکنجه هزاران نفر در ایران بود. او مردم ایران را سرکوب می‌کرد.»

● کروزر افزود، «رئیسی دشمن بشریت و دشمن مردم ایران بود. بنابراین خوشحالم که او مُرد. اما توجه کنید، وقتی خامنه‌ای هم برود، دنیا امن‌تر خواهد بود... مردم ایران می‌خواهند آزاد باشند.»

شماری از سناتورهای جمهوریخواه آمریکا دولت بایدن را به دلیل ارسال پیام تسلیم برای مرگ ابراهیم رئیسی و همچنین مداخلات با رژیم ایران از جمله چشم بستن به روی افزایش فروش نفت ایران مؤاخذه کرده‌اند.



نیمه افراشته شدن پرچم سازمان ملل در سوگ رئیسی!

مرگ ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللہیان در سانحه سقوط ہلی کوپتر؛ شرایط جوئی، نقص فنی، دستکاری یا حذف فیزیکی؟



در شرایطی کہ مه نسبتاً غلیظ عملیات جستجو را دشوار کرده بود نیروهای امدادی لاشه ہلی کوپتر را پیدا کردند



آخرین عکس رئیسی و امیرعبداللہیان پیش از سوار شدن بہ ہلی کوپتر مرگ

کشور بہ وجود نمی آید... انشاء اللہ ہمہ کارہا اعم از امنیت کشور و امنیت مرزہا و امور مربوط بہ قوہ مجریہ مرتب و منظم انجام خواهد شد و پیش خواهد رفت.»

شبہ شب در شرایطی کہ هنوز خبر کشته شدن رئیسی قطعی نشده بود در چند شہر ایران مردم جشن گرفتند و آتش بازی بہ راہ انداختند.

کاربران در شبکہ های اجتماعی واکنش های مختلفی بہ این سانحه نشان دادہ اند. برخی نوشتند جمهوری اسلامی خود را «قدرت پھپادی» می داند اما برای یافتن مقاماتش دست بہ دامان پھپاد ترکیہ و خدمات ماہوارہای کوپرنیک اروپا شد.

برخی مقامات جمهوری اسلامی ابتدا ادعا کردند سانحه ہلی کوپتر رئیسی «ہاردلندینگ» (فرود سخت) بود. حتا مہدی صفری معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی و سردار پاسدار عباسقلی زادہ فرماندہ «سپاہ عاشورا» مدعی اند آلہاشم امام جمعه تبریز تماس گرفته آنہم دو بار و گفتہ «سانحه دادیم، حالم بدہ! صدای آمبولانس را شنیدم.» اما تصاویر مربوط بہ لاشہ ہلی کوپتر نشان می دہد بعد از اصابت بہ کوه منفجر شدہ است. برخی منابع تأیید کردند کہ کابین ہلی کوپتر کاملاً سوختہ است. تصاویری نیز از بقایای جسد سرنشینان اطراف محل سانحه منتشر شد.

اظہارات منابع حکومتی در مورد «فرود سخت» ہلی کوپتر اما یک ادعاست کہ با بررسی خبرہا و تصاویر بیش از پیش بی پایہ بودن آن ثابت می شود. در حالی کہ احتمال اینکہ این سانحه مربوط بہ نقص فنی در سیستم «ارتفاع سنج» و یا «دید کم» خلبان بہ دلیل مه غلیظ باشد کم نیست. همچنین وزن سنگین ہلی کوپتر و فشار روی موتور و ملخ در ارتفاع بالا، یا قفل شدن فرامین کنترلی ہم می تواند از علت های دیگر این سانحه باشد. اینہمہ در حالیست کہ احتمال عمدی بودن و دستکاری در این ہلی کوپتر اصلاً منتفی نیست.

مرگ رئیسی و امیرعبداللہیان نظام را بار دیگر در شرایط اضطراری قرار دادہ است. بر اساس گزارش منابع

واقعیّت در ایران این است کہ مردم بہ ادعاہا و توضیحات جمهوری اسلامی و مقاماتش هیچ اعتمادی ندارند حتا در مواردی کہ بہ فرض «حقیقت» را بگویند!

ہلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز شبہ ۳۰ اردیہشت ماہ در ارتفاعات ورزقان در استان آذربایجان شرقی سقوط کرد و ہمہ سرنشینان آن کشته شدند. آنہا از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه سی» بازمی گشتند.

در ساعات اولیہ این سانحه مسئولان نظام اعلام کردند ہلی کوپتر «ہاردلندینگ» (فرود سخت) داشتہ است. کمبود امکانات و نبود تجهیزات پیشرفته، مه غلیظ، سرمای شدید و تاریکی هوا عملیات جستجو را دشوار کردہ بود و در نہایت با درخواست جمهوری اسلامی، دولت ترکیہ یک فروند پھپاد شناسایی بہ شمال غرب ایران اعزام نمود و محل دقیق سقوط ہلی کوپتر در «جنگل دیزمار» مرکزی بین روستای برازین و اردشیری استان آذربایجان شرقی شناسایی شد.

خبر رسمی پیدا شدن لاشہ ہلی کوپتر را صبح روز دوشنبہ ۳۱ اردیہشت پیرحسین کولیوند رئیس جمعیت «ہلال احمر» جمهوری اسلامی اعلام کرد.

علاوہ بر سید ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللہیان، حجت الاسلام محمدعلی آلہاشم امام جمعه تبریز (رئیس سابق عقیدتی سیاسی ارتش)، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی، خلبان، کمک خلبان، کروچیف (دستیار خدمہ پرواز)، سر تیم حفاظت و یکی از محافظین و چند تن دیگر سرنشین این ہلی کوپتر بودند اما تا لحظہ تنظیم این گزارش آمار دقیقی از تعداد کشته شدگان اعلام نشده است. سخنگوی «ہلال احمر» اعلام کرد «شرایط جوئی و آب هوایی در محل حادثہ آنقدر بد است کہ سہ مأمور امداد نیز مفقود شدہ اند.»

علی خامنہ ای رہبر جمهوری اسلامی در زمان جستجو برای پیدا کردن ہلی کوپتر وسرنشینانش در واکنش بہ این خبر در جمع شماری از سپاہی ہا با خونسردی گفتہ بود، «ملت ایران نگران و دلواپس نباشند، هیچ اختلالی در کار

ہلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز شبہ ۳۰ اردیہشت ماہ در ارتفاعات ورزقان در استان آذربایجان شرقی سقوط کرد و آنہا را کہ از مراسم افتتاح سد «قیز قلعه سی» بازمی گشتند بہ کام مرگ فرستاد.

در ساعات اولیہ این سانحه مسئولان نظام اعلام کردند ہلی کوپتر «ہاردلندینگ» (فرود سخت) داشتہ است. کمبود امکانات و نبود تجهیزات پیشرفته، مه غلیظ، سرمای شدید و تاریکی هوا عملیات جستجو را دشوار کردہ بود و در نہایت با درخواست جمهوری اسلامی، دولت ترکیہ یک فروند پھپاد شناسایی بہ شمال غرب ایران اعزام کرد و محل دقیق سقوط ہلی کوپتر در «جنگل دیزمار» مرکزی بین روستای برازین و اردشیری استان آذربایجان شرقی شناسایی شد.

سخنگوی جمعیت «ہلال احمر» اعلام کرد «شرایط جوئی و آب هوایی در محل حادثہ آنقدر بد است کہ سہ مأمور امداد نیز مفقود شدہ اند.»

برخی کاربران در شبکہ های اجتماعی این سانحه را دستکاری عمدی یا خرابکاری دانستہ و آن را مرتبط با جنگ قدرت برای حذف رئیسی می دانند کہ بہ عنوان یکی از چہرہ های احتمالی جانشینی خامنہ ای از او نام بردہ می شد. حتا برخی حذف آلہاشم امام جمعه تبریز را نیز در ہمین رابطہ ارزیابی می کنند.

ادعای منابع حکومتی در مورد «فرود سخت» ہلی کوپتر اما یک ادعاست کہ با بررسی خبرہا و تصاویر بیش از پیش بی پایہ بودن آن ثابت می شود. در حالی کہ احتمال اینکہ این سانحه مربوط بہ نقص فنی در سیستم «ارتفاع سنج» و یا «دید کم» خلبان بہ دلیل مه غلیظ باشد کم نیست. همچنین وزن سنگین ہلی کوپتر و فشار روی موتور و ملخ در ارتفاع بالا، یا قفل شدن فرامین کنترلی ہم می تواند از علت های دیگر این سانحه باشد. اینہمہ در حالیست کہ احتمال عمدی بودن و دستکاری در این ہلی کوپتر اصلاً منتفی نیست.



علی خامنه‌ای

اعلام پنج روز عزای عمومی؛ مردم شادمان از مرگ رئیسی با هشتگ «#خبر- مرگش» سراغ علی خامنه‌ای رفته‌اند

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در پیامی به مناسبت کشته شدن سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در سانحه سقوط هلی‌کوپتر، پنج روز عزای عمومی اعلام کرد.

در این پیام تأکید شده، «محمد مخبر طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی، در مقام مدیریت قوه مجریه قرار می‌گیرد و موظف است به همراهی رؤسای قوای مقننه و قضائیه ترتیبی دهند که ظرف حداکثر پنجاه روز، رئیس جمهور جدید انتخاب شود.»

همزمان جلسه فوق‌العاده سران قوا با حضور محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه و محمد مخبر دزفولی برگزار شد. نهادهای حکومتی و مسئولان سیاسی و نظامی در پیام‌های جداگانه کشته شدن رئیسی و چند مقام دیگر حکومت را تسلیت گفتند اما در فضای عمومی و در بطن جامعه اوضاع کاملاً متفاوت و علیه رژیم است.

اینهمه در حالیست که اعلام شده است تمامی کنسرت‌ها نیز تا اطلاع ثانوی تعطیل برگزار نمی‌شوند و همچنین نمایش تمامی فیلم‌ها و تئاترهای کمدی و غیرکمدی نیز لغو شده است. کاربران در شبکه‌های اجتماعی بعد از اعلام خبر سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی، با هشتگ «#خبر-مرگش» به این سانحه واکنش نشان دادند تا اینکه صبح دوشنبه ۳۱ اردیبهشت خبر کشته شدن «قاضی مرگ» و همراهانش رسماً تأیید شد. استقبال مردم از مرگ رئیسی با آتش‌بازی در شهرهای مختلف رویدادی شگفت‌انگیز است و نشان می‌دهد مردم تا چه اندازه از حکومت منزجر و خشمگین‌اند.

خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان ۱۷ ساله که مهرماه ۱۴۰۱ در جریان جنبش ملی در مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با شلیک نیروهای امنیتی کشته شد، ویدیویی کوتاه از رقص برادرش را با لباس سفید منتشر کرده است. سعید افکاری برادر نوید افکاری در «ایکس» نوشت، «تو این چند سال مادرمو اینقدر خوشحال ندیده بودم.»

در شرایطی که بعد از کشته شدن رئیسی، اقلیتی که هنوز جزو حامیان نظام به شمار می‌روند برای طول عمر علی خامنه‌ای دعا می‌کنند، واکنش مردم به این سقوط ←

● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت در پیامی به مناسبت کشته شدن ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر، پنج روز عزای عمومی اعلام کرد.

● کاربران در شبکه‌های اجتماعی بعد از اعلام خبر سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی، با هشتگ «#خبر-مرگش» به این سانحه واکنش نشان دادند تا اینکه صبح دوشنبه ۳۱ اردیبهشت کشته شدن او و همراهانش رسماً تأیید شد.

● در شرایطی که بعد از مرگ رئیسی اقلیتی که هنوز حامیان نظام هستند برای طول عمر علی خامنه‌ای دعا می‌کنند واکنش مردم به این رویداد کاملاً متفاوت است.

● خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان ۱۷ ساله که مهرماه ۱۴۰۱ در جریان جنبش ملی در مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با شلیک نیروهای امنیتی کشته شد، ویدیویی کوتاه از رقص برادرش را با لباس سفید منتشر کرده است. سعید افکاری برادر نوید افکاری در «ایکس» نوشت، «تو این چند سال مادرمو اینقدر خوشحال ندیده بودم.»

● کاربری به اسم «بامداد امتداد» می‌نویسد، «این شادی عمومی را می‌بینید! این تازه حال و هوای مردم در فردای مرگ رئیسی است. ببینید در مرگ خامنه‌ای چه می‌کنند! اصلی‌ترین تهدید در مسیر جانشینی خامنه‌ای هم همین مردمند. مردمی که از غم‌های شما شاد می‌شوند، و از شادی شما اندوهگین می‌گردند. از این مردم هم هر چقدر بکشید تمام نمی‌شوند!»

● در واکنش به این فضای بی‌سابقه پلیس فتا در اطلاعیه‌ای تهدید کرد، «از انتشار هرگونه محتوایی که به هر نحوی باعث تحریک و تشویش احساسات عمومی می‌شود خودداری کنید.»

● واکنش ایرانیان در داخل و خارج کشور به سقوط هلی‌کوپتر رئیسی و کشته شدن سرنشینان آن ادامه دارد و به نظر نمی‌رسد در طول روزهای آینده کاهش یابد. این در حالیست که اتحادیه اروپا و همچنین رافائل گروسی به جمهوری اسلامی تسلیت گفته و با بازماندگان کشته‌شدگان اظهار همدردی کرده‌اند.

→ داخلی از صبح دوشنبه مأموران ویژه انتظامی در میدان اصلی شهرهای بزرگ مستقر شده‌اند. اکنون مسئله بر سر جانشینی رئیسی مطرح است که بر اساس قانون نخست معاون اول وی، محمد مخبر دزفولی، مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد تا تکلیف «انتخابات» مشخص شود. همزمان قیمت دلار بار دیگر به بیش از ۶۱ هزار تومان رسیده و بورس تعطیل شده است. گفته می‌شود قرار است مسابقات لیگ فوتبال نیز موقتاً برگزار نشود.

سناریوهای سقوط

مسئولان نظام و رسانه‌های حکومت کشته شدن رئیسی، رئیس جمهوری ناکامی را که نخستین دوره ریاستش به پایان سه سال نرسید، «شهادت» می‌نامند و مشغول تبلیغات بر سر «شهید» و «شهادت» کشته‌شدگان هستند. اما آنچه از نظرات و واکنش‌های مردم و تحلیلگران دیده می‌شود، کم نیستند کسانی که «دستکاری» و یا «حذف فیزیکی» را علت این سانحه می‌دانند و به سوابق نظام در حذف مقامات سیاسی و فرماندهان نظامی به اشکال مختلف طی بیش از چهار دهه گذشته اشاره می‌کنند.

برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی این سانحه را دستکاری عمدی یا خرابکاری دانسته و آن را مرتبط با جنگ قدرت برای حذف رئیسی می‌دانند که به عنوان یکی از چهره‌های احتمالی جانشینی خامنه‌ای از او نام برده می‌شد. حتا برخی حذف آل‌هاشم امام جمعه تبریز را نیز در همین رابطه ارزیابی می‌کنند.

درواقع مرگ مقامات سیاسی و فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی در اثر سوانح هوایی مشکوک احتمال عمدی بودن این سانحه را نیز بین مردم تقویت کرده هرچند برخی می‌گویند حتا اگر سانحه عمدی هم باشد، از سوی نظام علت آن را «اشتباه خلبان» یا «نقص فنی» و یا «شرایط جوّی» معرفی خواهند کرد. در عین حال سقوط هلی‌کوپتر در ایران از سوانح هوایی است که زیاد روی می‌دهد. فرسودگی ناوگان هلی‌کوپتری و کمبود قطعات از اصلی‌ترین دلایل سقوط‌هاست اما به نظر نمی‌رسد هلی‌کوپتری که برای سفر در اختیار رئیسی و وزیرش قرار گرفته جزو آنهایی بوده باشند که بدون توجه به این موضوع اقدام به پرواز کرده باشد. ضمن اینکه در خبرهایی که دیروز پس از اعلام گم شدن هلی‌کوپتر حامل رئیسی منتشر شده، این موضوع مطرح شده که هلی‌کوپترهای دیگری هم گویا مقامات رژیم را همراهی می‌کرده‌اند ولی هم گرفتار «شرایط جوّی» نشدند و هم گزارشی از وضعیت آنها و اینکه آیا شاهد سانحه بوده‌اند یا نه و یا چه کمکی می‌توانستند به پیدا کردن لاشه‌ی هلی‌کوپتر سانحه‌دیده بکنند داده نشده است. در هر حال، موضوع عمدی بودن یا نبودن این سانحه فقط محدود به ایرانی‌ها نیست. سناتور دموکرات چاک شومر رهبر اکثریت سنای ایالات متحده نیز مدعی شده که بر اساس اطلاعات مقامات آمریکایی، شواهدی از خرابکاری در حادثه سقوط هلی‌کوپتر ابراهیم رئیسی وجود ندارد. وی توضیح داد، «شرایط جوّی نامساعد و مه‌آلود در شمال غرب ایران، جایی که حادثه رخ داده، احتمالاً عامل اصلی سقوط بوده است.» اینکه شومر یا دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا چطور به این زودی علت سانحه را دریافتند مشخص نیست! اما واقعیت در ایران این است که مردم به ادعاها و توضیحات جمهوری اسلامی و مقاماتش هیچ اعتمادی ندارند حتا در مواردی که به فرض «حقیقت» را بگویند! علت سقوط هلی‌کوپتر رئیسی و کشته شدن هر کدام از مقامات رژیم هم به هر شکل و در هر رویداد و حادثه‌ای که باشد با استقبال مردم روبرو می‌شود و این را در رسانه‌های اجتماعی به وضوح می‌توان دید.

مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی با آمریکا تأیید شد؛ هشدار به حکومت در باره «چالش‌های اجتماعی» به دلیل بی‌نتیجه ماندن برجام!



پوسترهای علی خامنه‌ای در دست حامیان در نظام

هیچ راه دیگری جز این وجود ندارد.»

● این در حالیست که علی خامنه‌ای که تصمیم‌گیر نهایی است به تازگی تأکید کرد: آمریکا و «رژیم صهیونیستی» هر دو «ظالم» هستند و «طبق صریح قرآن اگر کسی با آنها دست دوستی بدهد او نیز ظالم و ستمگر و مشمول لعنت خداوند است!»

یک روز پس از گزارش «آکسیوس» درباره مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی و آمریکا در عمان، نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد انجام این مذاکرات را تأیید کرد.

نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد شنبه ۱۸ ماه مه (۲۹ اردیبهشت) در پاسخ به پرسش رسانه‌ها درباره خبر آکسیوس، اعلام کرد: این مذاکرات یک «روند درحال انجام است». همچنین تأکید شده است که «این مذاکرات نه اولین بود و نه آخرین خواهد بود.»

● پیش از این روزنامه کویتی «الجزیره» مدعی شده بود که فرستادگان جمهوری اسلامی و آمریکا چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت مذاکراتی در مورد فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی انجام داده‌اند که می‌توان آن را بازگشت به محدود ساختن تنش‌ها تعبیر کرد.

● علی بیگدلی تحلیلگر سیاسی به روزنامه «آرمان امروز» گفت، «اگر واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم نه دولت و نه وزارت خارجه تصمیم‌گیر نهایی درباره احیای برجام هستند و تصمیمات در ساختار کلی نظام و مراکز اصلی تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد.»

● بیگدلی در مورد ضرورت مذاکره با آمریکا برای جمهوری اسلامی توضیح داد، «نکته مهم در این زمینه این است که مراکز تصمیم‌گیری در ایران باید تشخیص بدهند که چالش‌های اجتماعی به دلیل تنگناهای اقتصادی است... اگر برجام به هر دلیلی به نتیجه نرسد، شرایط اقتصادی ایران روز به روز پیچیده‌تر خواهد شد... من فکرمی‌کنم

→ هلی‌کوپتر رئیسی و کشته شدن مقامات رژیم کاملاً متفاوت است به ویژه آنکه ابعاد پنهان این سقوط مشخص نیست و از دید برخی تحلیلگران و بسیاری از کاربران کل این رویداد مشکوک است.

بعضی می‌گویند رئیسی به خواست مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای حذف شده است. برخی دیگر چشم‌انتظاری خود را برای مرگ خامنه‌ای ابراز کرده‌اند. بعضی رقصیدند و نوشتند، «به امید روزی که مرگ خامنه‌ای را جشن بگیریم و برای آن برقصیم.» برخی نیز مطرح می‌کنند که می‌توان تصور کرد که جامعه در صورت سقوط کل نظام به چه شادی و شعفی خواهد پرداخت.

در موج اول واکنش‌ها کاربران مرگ رئیسی را سوژه جوک، خنده و کنایه علیه حکومت کردند و در موج دوم پس از اینکه خبر مرگ رئیسی و دیگر مقامات از جمله حسین امیرعبداللّه‌پایان وزیر خارجه‌اش تأیید شد، خامنه‌ای را هدف گرفتند. آنچه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب پیدا می‌کند در واقع بازتاب آنچه است که مردم در محافل خصوصی و یا کوچه و بازار مطرح می‌کنند و در شعارهای اعتراضات آنها بارها مطرح شده است.

کاربری به اسم «جهانگیر» با انتشار ویدیویی کوتاه از ساکسیفون حسن شماعی‌زاده نوشت، «اینو گذاشته بودم برای روز سقط شدن خامنه‌ای پست کنم، ولی چسبیدن نقد تقریباً همیشه کار درست‌تریه.»

کاربری به اسم «بامداد امتداد» می‌نویسد، «این شادی عمومی را می‌بینید! این تازه حال و هوای مردم در فردای مرگ رئیسی است. ببینید در مرگ خامنه‌ای چه می‌کنند! اصلی‌ترین تهدید در مسیر جانشینی خامنه‌ای هم همین مردمند. مردمی که از غم‌های شما شاد می‌شوند، و از شادی شما اندوهگین می‌گردند. از این مردم هم هر چقدر بکشید تمام نمی‌شوند!»

در واکنش به این فضای بی‌سابقه پلیس فتا در اطلاعیه‌ای تهدید کرد، «در راستای انجام وظایف ذاتی و ماموریت‌های محوله با دقت تمام در حال رصد فضای مجازی هستیم.»

در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «در شرایط کنونی و حساس، ضمن عدم توجه به شایعات و اخبار غیرواقعی، از انتشار هرگونه محتوایی که به هر نحوی باعث تحریک و تشویش احساسات عمومی می‌شود خودداری کنید.»

حامیان حکومت با الفاظ زشت و توهین‌آمیز شهروندانی را که در مرگ رئیسی شادی می‌کنند و آرزوی مرگ خامنه‌ای و «سقوط هلی‌کوپتر اسقاطی نظام» را دارند خطاب قرار می‌دهند.

به روشنی دیده می‌شود که مرگ رئیسی و دیگر مقامات رژیم به جامعه که بیشتر آن مخالف حکومت است، امید تزریق کرده است و به آنها یادآوری کرده که برای جمهوری اسلامی و مقاماتش هم از مرگ گریزی نیست. با اینهمه هستند کسانی که حتا این امید مردمی را که هیچ ابزاری برای مقابله با رژیم در اختیار ندارند، به اسم «واقع‌بینی» به «پاس» تبدیل می‌کنند.

واکنش ایرانیان در داخل و خارج کشور به سقوط هلی‌کوپتر رئیسی و کشته شدن سرنشینان آن ادامه دارد و به نظر نمی‌رسد در طول روزهای آینده کاهش یابد.

این در حالیست که اتحادیه اروپا و همچنین رافائل گروسی به جمهوری اسلامی تسلیم گفته و با بازماندگان کشته‌شدگان اظهار همدردی کرده‌اند. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حتا در آغاز سخنرانی روز دوشنبه‌ی خود در کنفرانس بین‌المللی امنیت انرژی اتمی برای مرگ «غم‌انگیز» ابراهیم رئیسی و هیات همراه او درخواست یک دقیقه سکوت کرد.

منطقه‌ای قرار داد.

پیش از این روزنامه کویتی «الجریده» روز هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) به نقل از «منابع بلندپایه» مدعی شده بود که فرستادگان جمهوری اسلامی و آمریکا چهارشنبه ۱۲ اردیبهشت مذاکراتی در مورد فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی انجام داده‌اند که می‌توان آن را بازگشت به محدود ساختن تنش‌ها تعبیر کرد.

این روزنامه کویتی مدعی شد که دور جدیدی از نشست‌های امنیتی غیرمستقیم تهران و واشنگتن در یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس برگزار شده و طی آن درباره راه‌های کاهش تنش در منطقه و حمایت تهران از آتش‌بس در غزه در قبال احیای توافق نانوشته‌ای که پیش از این بین تهران و واشنگتن درباره توافق هسته‌ای حاصل شده بود، گفتگو کردند.

با اینهمه ال‌جریده نوشت که «ایران و آمریکا در این نشست خواسته‌های خود را از یکدیگر مطرح کردند اما هیچ نتیجه‌ای به همراه نداشت. صرفاً هر یک از طرفین خواسته‌های طرف مقابل را بررسی و در نشست آینده در مکانی که بعداً بر سر آن توافق می‌شود، پاسخ خواهند داد.»

تصمیم با خامنه‌ای است

در تهران روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت برخی روزنامه‌ها به این مذاکرات پرداختند. در شرایطی که با وجود انگیزه‌های جو بایدن برای «احیای برجام» تمام مذاکرات میان تهران و واشنگتن در سه و سال و نیم گذشته شکست خورده، علی بیگدلی تحلیلگر سیاسی به روزنامه «آرمان امروز» گفت، «اگر واقع‌بینانه به موضوع نگاه کنیم نه دولت و نه وزارت خارجه تصمیم‌گیر نهایی درباره احیای برجام هستند و تصمیمات در ساختار کلی نظام و مراکز اصلی تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد.»

اشاره وی به اتخاذ تصمیمات در ساختار کلی نظام و مراکز تصمیم‌گیری در واقع علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است. وی در دیدار با «کارگزاران حج» که ۱۷ اردیبهشت‌ماه برگزار شد با تأکید بر اینکه «حج امسال، حج برائت از جنایات اسرائیل و آمریکا است» تأکید کرد که آمریکا و «رژیم صهیونیستی» هر دو «ظالم» هستند و «طبق صریح قرآن اگر کسی با آنها دست دوستی بدهد او نیز ظالم و ستمگر و مشمول لعنت خداوند است.»

با اینهمه بیگدلی در مورد ضرورت مذاکره با آمریکا برای جمهوری اسلامی توضیح داد، «نکته مهم در این زمینه این است که مراکز تصمیم‌گیری در ایران باید تشخیص بدهند که چالش‌های اجتماعی به دلیل تنگناهای اقتصادی است. برای عبور از این تنگناهای اقتصادی نیز باید فضاهای جدیدی در منطقه و در عرصه بین‌المللی به وجود بیاید. این در حالی است که اگر مذاکرات هسته‌ای به نتیجه برسد و برجام احیا شود باز هم تمام مشکلات اقتصادی و داخلی ایران حل نخواهد شد و کسانی که چنین باوری دارند اشتباه می‌کنند. واقعیت این است که تا زمانی که ایران نوع نگاهش به مسائل منطقه و جهان تغییر ندهد این وضعیت ادامه خواهد داشت.»

وی همچنین هشدار داده «اگر برجام به هر دلیلی به نتیجه نرسد، شرایط اقتصادی ایران روز به روز پیچیده‌تر خواهد شد... من فکرمی‌کنم هیچ راه دیگری جز این وجود ندارد و این اتفاق هرچه زودتر باید رخ بدهد. اگر برخی نوع نگاه‌شان را نسبت به مسائل منطقه و جهان تغییر ندهند امکان ندارد که ما بتوانیم از مشکلات اقتصادی عبور کنیم. اگر اراده‌ای در این زمینه مشاهده نمی‌شود شاید به دلیل برخی بی‌تدبیری‌ها باشد.»

نجات‌بخش

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۷۲) شهریور ماه ۱۳۸۴

بازنشمر


مجسمه عثمان العبدی در ادمیه که در سال ۲۰۱۸ در سالگرد درگذشت او نصب شد

به هم زد. زائران از بیم جان پا گذاشتند به فرار. عده‌ای زیر دست و پا له شدند. بر اثر فشار جمعیت، نرده محافظ پل شکست و گروهی نیز از روی پل به داخل «دجله» سقوط کردند.

آنها که شنا نمی‌دانستند، در جدال با امواج خروشان دجله محکوم به مرگ بودند. یک کربلای واقعی. بلا از همه سو می‌بارید و در چنان هنگامه‌ای بلاخیز بود که عثمان العبدی، جوان نوزده ساله سنی مذهب، دست از جان شست و برای نجات جان شیعیان از گرداب مرگ، به جنگ امواج رفت.

عثمان العبدی، با تلاشی افسانه‌وار، شش تن از مغرورین را یکی بعد از دیگری به ساحل رساند و از چنگال مرگ رهانید. هنگامی که با آخرین رمقی باقیمانده در بدنش می‌کوشید تا نفر هفتم را نجات دهد، خود طعمه مرگ شد. دجله او را بلعید.

از آن روز، نام عثمان العبدی برای هر عراقی، از هر قوم و هر مذهب، نامی آشناست. این نام به‌عنوان نماد همبستگی انسانی در تاریخ عراق، تاریخی که از بای بسم‌الله با خون نوشته شده است، برای همیشه باقی خواهد ماند. و پیکره او، زینت بخش بغداد خون‌آلود خواهد شد بی آن که هر اتفاقی رخ دهد، هر حکومتی برود یا بیاید، شیعه‌ها حاکم باشند یا سنیان، کسی جرأت نخواهد کرد آن پیکره را از بالا به‌زیر بکشد.

صحنه فرو کشیدن پیکره عظیم صدام حسین را پس از سقوط حکومت وی به‌یاد داریم. بر سکوی به‌جای مانده از این پیکره فرو ریخته، اگر کسی حق ایستادن و جاودانه ماندن داشته باشد «عثمان العبدی» است.

این اسم، پس از حادثه دلخراش کاظمین در روز چهارشنبه سی و یکم اوت اشتها یافت و در عراق از هم گسسته که واژه‌های همبستگی و انسانیت از معنی تهی شده‌اند، اکنون نماد همبستگی انسانی است.

روز سی و یکم اوت (بیست و چهارم رجب) مصادف بود با رحلت امام هفتم شیعیان. در عراق بعد از صدام، که مذهب و سیاست به هم آمیخته است و فرصت طلبان از مذهب برای مقاصد سیاسی و از سیاست برای مقاصد مذهبی استفاده ابزاری می‌کنند، این هم فرصتی بود برای یک نمایش سیاسی - مذهبی. اینطرفی‌ها جماعت را به‌عنوان زیارت ریشه کردند و راه انداختند به طرف کاظمین. آنطرفی‌ها هم بیکار ننشستند و برای به‌هم زدن این «دمون‌ستراسیون» ابتدا یک خمپاره اندازی ترتیب دادند که چشم زائران را بترسانند. بعد، موقعی که انبوه جمعیت در حال عبور از روی پل «الامه» بود، ندا دادند که یک «انتحاری» بین آنهاست.

اینجور مواقع لازم نیست «انتحاری» از جان خودش بگذرد تا جان دیگران را بگیرد. یک شایعه کار ده تا هج ساعتی را می‌کند. ترس کشته شدن در عملیات انتحاری، نظم حرکت را

نطق بی ربط ایوب خان در کنفرانس سران ایران، ترکیه و پاکستان

سازمان عمران منطقه‌ای (R.C.D) چگونه و با چه هدفی تشکیل شد

ایران از پاکستان کاغذ اسکناس خرید و این کاغذها چنان خراب بود که در مدت کوتاهی تمام اسکناسها پاره شد و از بین رفت!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی علیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی علیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان علیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه علیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا علیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلاً باشد.

مطلبی که می‌خواستیم بپرسم، سازمان عمران منطقه‌ای است و رابطه متقابل ایران و پاکستان و ترکیه در قالب قراردادی که به وجود آمد و همچنین با کشورهای دیگری که قبلاً در زمینه نظامی با آنها ارتباط داشتند، از جمله انگلیس و آمریکا.

سازمان عمران منطقه‌ای در تابستان ۱۳۴۳ مطابق با ۱۹۶۴ برپا شد و عبارت بود از گونه‌ای اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای میان پاکستان، ایران و ترکیه. در آن زمان پاکستان به‌خاطر نداشتن پشتیبانی از سوی آمریکا در زمینه اختلافی که با هندوستان داشت سر کشمیر، با جمهوری چین نزدیک شده بود و موجبات ناراضی آمریکاییها را فراهم کرده بود. و به‌خاطر همین نزدیکی، از پیمان نظامی آسیای جنوب شرقی «سیتو» خودش را کنار کشیده بود. این موضوع باعث نگرانی آمریکا و کشورهای غربی از یک سو، و ایران و ترکیه از سوی دیگر، شده بود... برای اینکه آن موقع برای آمریکا و کشورهای غربی فقط شوری خطر نبود، بلکه چین هم همان خطر را داشت. آمریکاییها سخت درگیر جنگ نافرجام ویتنام بودند. به هر تقدیر، پس از مذاکره میان نماینده‌های سه کشور قرار شد که یک هیأتی از هر کدام از این کشورها، به ریاست وزیر دارایی پاکستان، وزیر دارایی ترکیه و وزیر اقتصاد ایران، در آنکارا گرد آیند و گزارشی تهیه کنند که چگونه می‌شود آن سه کشور با هم دست اندرکار تأسیس یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای بشوند. ما هم همین کار را کردیم و در آنکارا دور هم جمع شدیم.

ملاقات سران در استانبول

چند روز پس از آن، در تیرماه ۱۳۴۳، اعلیحضرت، ایوب خان، و رئیس جمهوری ترکیه که در استانبول بود، هم آمدند. البته رئیس جمهوری ترکیه، ژنرال گرسل، در آن زمان سخت مریض بود و به سختی می‌توانست راه برود. ولی، این امر لطمه‌ای به کار کنفرانس نمی‌زد چون، قدرت



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۱۶)

خاطرات علینقی علیخانی

ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

بعد همچنین ایوب خان را در کاخهای قدیمی متناسبی جا دادند، بلکه محل کنفرانس در دله باغچه در کنار بوسفور نیز فوق‌العاده کاخ زیبا و چشمگیری بود.

به‌هرحال، تبعیض در طرز رفتار نسبت به شاه و ایوب خان همچنان ادامه پیدا کرد. توضیح اینکه روزی که قرار بود کنفرانس تشکیل بشود، طبق رسم بین‌المللی، کشور میزبان ریاست جلسه را به‌عهده می‌گیرد و بنابراین عصمت اینونو، که رئیس هیأت نمایندگی ترکیه بود، (چون رئیس جمهور بیمار بود) می‌بایست جلسه را اداره بکند، و آن پیر مرد فوق‌العاده مؤدب، با فرانسه خیلی قشنگی که صحبت می‌کرد، آمد حضور اعلیحضرت و گفت که وقتی شما در یک جلسه‌ای باشید من حق ندارم ریاست آن را به عهده بگیرم و خواهش می‌کنم شما رئیس جلسه بشوید. این ژست او بسیار دلنشین و دلپذیر بود، از طرف یک مردی که همه می‌دانستند تا چه اندازه در زندگیش مقتدر بوده و کارهای بزرگی انجام داده و یک شخصیت تاریخی درخشان منطقه است. ولی در ضمن هم این ادب و فروتنی، که شاید بیشتر مال شرقیها باشد، در نهاد او بود. این بود که جلسه را شاه اداره کرد، که هیچ هم منتظر نبود چنین اتفاقی بیفتد.

این چند روزی که جلسه داشتیم صحبت شد که به چه صورتی بین سه کشور فعالیتهای اقتصادی را توسعه بدهیم. مثلاً بعضی از صنایعی که می‌بایست تولیدش در مقیاس وسیعی انجام گیرد و تنها راه اقتصادی بودنش این است که بازار دو یا هر سه کشور عضو را در اختیار داشته باشد. همچنین درباره توریسم، ترابری و به‌خصوص امکانات ایجاد یک شرکت هواپیمایی منطقه‌ای صحبت کردیم.

ولی این صحبت سران عمومی در قالب...؟

چرا، آنها بر پایه گزارشی که ما در آنکارا تهیه کرده بودیم صحبت می‌کردند، که ما زمینه‌های همکاری و کم و بیش شکلی هم که می‌بایست این همکاری بگیرد

در ترکیه در دست نخست وزیر بود و نخست وزیر وقت هم یکی از مردان تاریخی ترکیه عصمت اینونو بود. این گرد آمدن سران در استانبول برای من بسیار خاطره‌انگیز بود. ترکیه با رغم هر گونه تصویری که ما درباره آنها بکنیم، فوق‌العاده خودشان را با ایرانیها نزدیکتر می‌دانستند تا با پاکستانیها و یک تبعیض خیلی روشن در مورد رفتاری که با شاه می‌کردند به چشم می‌خورد. تنها اتومبیل خیلی شکی که داشتند را در اختیار اعلیحضرت گذاشته بودند و اتومبیل دست دومی که آن حالت را نداشت برای ایوب خان در نظر گرفته بودند. کاخ زیبایی که نزدیک دله باغچه است و در آغاز قرن، موقعی که قرار بود امپراتور آلمان به عثمانی آن روز بیاید، ساخته بودند و کاخ فوق‌العاده زیبایی است، در اختیار اعلیحضرت بود. در آن سوی بوسفور، در خاک آسیا، کاخ کوچکی برای ایوب‌خان در نظر گرفته بودند. مردم هم وقتی که اعلیحضرت وارد شدند در خیابانها خیلی ابراز احساسات می‌کردند. ولی ایوب خان که آمد تقریباً کسی اعتنایی نداشت کی دارد رد می‌شود از خیابان، و این برای من چشمگیر بود.

در استانبول؟

ما اول در آنکارا دور هم جمع شدیم. تابستان بود. تابستان معمولاً بیشتر دولتیه با استانبول می‌روند. بعد هم از نقطه نظر دولت ترکیه امکان پذیرایی در استانبول خیلی بیشتر بود. در آن زمان در آنکارا هنوز آن هتل قدیمی آنکارا پالاس بود که تنها اهمیتش در این بود که آتاتورک شبها می‌رفت آنجا و تا پاسی از شب گذشته با دیپلماتهای آن روز مشروب می‌خورد و گفتگو می‌کرد. وگرنه جای راحتی نبود و امکان زیادی نداشتند. در حالی که در استانبول برایشان این امکانات وجود داشت. استانبول شهر فوق‌العاده زیبایی‌تری است، در آنجا امکان پذیرایی از سران به صورت خیلی آبرومند وجود داشت. نه فقط اعلیحضرت و

شرکت بکنند. دولت ایران پذیرفت که پاکستانیها، استثنائاً، هیچ گونه پذیره‌ای برای این مشارکت ندهند. و کاملاً هم این کار قابل توجیه بود. یعنی در سیاست سطح بالا، شما می‌بایستی کشوری مثل پاکستان را در کنار خود نگهدارید.

رابطه ما با ترکیه هم، اگرچه از نظر اقتصادی خیلی توسعه پیدا نکرده بود، چون آنها سیاست دروازه‌های بسته را دنبال می‌کردند، اما چون ترکیه راه ترانزیتی اصلی میان ایران و اروپا بود برای ایران مهم بود. از این گذشته، داشتن رابطه خوب از نظر سیاسی فوق‌العاده به سود هر دو کشور بود. مثلاً در حالی که ما در مرزهای شمال در همسایگی شوروی ناچار بودیم چندین لشکر نگهداریم، در مرز ایران و ترکیه فقط یک هنگ هر طرف داشت که کار اصلی آنها این بود که وقتی ره‌داران محلی سر چرای گوسفند در چراگاههای کنار مرز اختلاف پیدا می‌کردند، این اختلاف را سر و صورت بدهند، یا احیاناً مانع مشاجره آنها با هم بشوند. وگرنه هیچ دلیل دیگری برای استقرار نیروی نظامی نداشتیم. انسان کاملاً احساس می‌کرد این همکاری نزدیک منطقه‌ای و دوستی عمیقی که بین این دو ملت وجود دارد، خیلی برای ما مفید است. عین همین وضع گویا در کنار مرز پاکستان بود، ولی با آنجا من زیاد آشنایی نداشتیم.

قبل از اینکه شما بروید به ترکیه برای صحبت درباره سازمان عمران منطقه‌ای، شاه با شما هیچ مسأله‌ای را در میان گذاشت راجع به اینکه چرا ما می‌خواهیم این کار را بکنیم، یا درباره اهمیت سوق‌الجیشی یا اهمیت سیاسی این قرارداد؟

— به صورت خیلی کلی با من صحبت کردند و گفتند که شما در اینجا بررسیهای خودتان را بکنید و ببینید که روش ایران باید چه باشد، که در حدود دو هفته پیش از رفتن به آنجا من با تمام دستگاههای مربوط تماس داشتم و جلسات مشترکی داشتیم. با همه اینها صحبت کردیم. نماینده‌هایشان جمع می‌شدند. کمیسیونهایی تشکیل می‌دادیم که خط مشی ما چه باید باشد. تمام اینها را روشن کرده بودیم.

هم در زمینه اقتصادی و هم در زمینه سیاسی و خارجی و غیره؟...

— نه، نه، فقط در زمینه اقتصادی. وارد مسائل سیاسی نمی‌شدیم. مسائل سیاسی فقط در یک مورد مطرح شد. در همان موقع که در استانبول بودیم، من خیلی علاقمند بودم افغانستان را هم وارد این همکاری منطقه‌ای بکنیم. با مرحوم عباس آرام وزیر امور خارجه در این باره صحبت کردم و او هم چندین بار سعی کرد که با اعلیحضرت صحبت بکند. ولی اعلیحضرت با تندی به او گفته بود که من به شما گفتم لازم نیست. ولی گویا اعلیحضرت متوجه شده بودند من خیلی اصرار می‌کنم. این است که خودشان مستقیم، بدون اینکه حرفی من زده باشم، آمدند به من گفتند که می‌دانم شما علاقمند هستید افغانستان در این سازمان بیاید، من خودم هم علاقمندم، ولی مصلحت نیست. حرفشان کاملاً درست بود. بعداً که روی این مسأله فکر کردم دیدم یک علت اساسی که این سازمان درست شده به خاطر این است که خیال غربیها را از پاکستان راحت بکند. ولی آمدن افغانستان، برعکس، حالت این را داشت که اصولاً ترکیه، ایران و پاکستان گرایش دارند پیدا می‌کنند به بیطرفی، و احیاناً هم تمایلی به طرف شرق، که آن مطلقاً مصلحت نبود، به فرض اینکه افغانها هم می‌پذیرفتند عضو آ.ر.سی.دی بشوند. بنابراین وقتی که این جریان را دریافتم، روشن بود که حق را به شاه می‌دادم، که مصلحت به همان صورت در این است که فقط این سه کشور با هم باشند.

(ادامه دارد)

اینجا باید ذکری بکنم از مرحوم سپهد خادمی، رئیس شرکت ملی هواپیمایی ایران برای اینکه او هم جزو هیأت ما بود. در آن زمان پاکستانیها هواپیماهای جت داشتند که خیلی برای ما جالب بود. در برابر، ایران هنوز هواپیماهای ملخ دار و قدیمی‌تر داشت. ما هیچ ایرادی نمی‌دیدیم که یک همکاری منطقه‌ای با پاکستانیها بکنیم و یک شرکت هواپیمایی منطقه‌ای داشته باشیم. خادمی به ما التماس می‌کرد که این کار را نکنید، من تا چند ماه دیگر به شما نشان خواهم داد که از اینها خیلی جلوتر می‌افتیم و آن وقت برای ما صرف ندارد که این کار را بکنیم، چون در شرایط دیگری قرار می‌گیریم. مسافر ما خیلی بیشتر خواهد بود. اگر هم بخواهیم توافقی در منطقه داشته باشیم، اینها کسی نیستند که ارزش داشته باشد با ما شریک باشند. همکارانم و من که می‌بایست در این باره تصمیمی بگیریم و به دولت و اعلیحضرت عرض بکنیم، یک مقداری در تردید بودیم که تا چه اندازه می‌توانیم روی حرف مدیر عامل شرکت هواپیمایی خودمان حساب بکنیم. ولی این مرد، درست طبق برنامه‌ای که به ما گفته بود، توانست شرکت هواپیمایی ملی ایران را جلو برد و خوب خاطرم می‌آید که بارها به من و به مهندس اصفیا که رئیس سازمان برنامه بود، و او هم در همین هیأت آ.ر.سی.دی بود، یادآور می‌شد که دیدید که من به همان صورتی که گفتم عمل کردم و الان خود شما هم دیگر حاضر نیستید با آن هواپیمایی پاکستان مشارکت داشته باشید. درست هم می‌گفت.

به‌هرحال فعالیتی که با پاکستانیها کردیم خیلی محدود بود، اما اثر بزرگش بیشتر این بود که پاکستان قوت قلب پیدا



ژنرال ایوب خان رئیس‌جمهور اسبق پاکستان

بکند و بداند که ما در یک جبهه هستیم. بعد هم که آنها با هندوستان کارشان به زد و خورد نظامی کشید دولت ایران تا آنجا که توانست کمک نظامی به پاکستان کرد و آنها هم همیشه این را یادآور بودند. اعلیحضرت به حق، فوق‌العاده به پاکستان اهمیت می‌داد و به‌عنوان تنها کشوری که به هر حال در شرایط سخت در کنار ایران خواهد بود. به همین دلیل هم وقتی در ۱۳۴۷ یا ۱۳۴۸ قرار شد چند منطقه را در فلات قاره خلیج فارس آزاد بکنند و برای استخراج نفت در این حوزه‌ها قرارداد ببندند، در یکی از آن حوزه‌ها، که گمان می‌کنم به طرف تنگه هرمز بود، پاکستانیها علاقمند بودند

را در آنجا ذکر کرده بودیم. چیزی که در واقع کم داشتیم یکی تصویب سران بود و دیگری اینکه یک نامی برایش بگذاریم و نام هم در آخرین روز گذاشته شد. در یک رستوران زیبا ترکها تمام سران هیأتها را دعوت کرده بودند. در آنجا صحبت بود که چه اسمی انتخاب بشود. تا آنجا که خاطریم هست سهمی از این اسم با مجید رهنماست که در آن موقع گمان می‌کنم رئیس اداره اقتصادی وزارت خارجه یا شاید معاون وزارت خارجه بود. خوب خاطریم نمی‌آید. ولی به هر حال او یک نامی را به کار برد که وقتی با قسمت دیگری به هم چسباندیم شد: Regional Cooperation for Development و به این صورت RCD تشکیل شد. البته همان طور که گفتم ترکها، هم احترام زیادی به اعلیحضرت می‌گذاشتند و به ایران، و هم در ضمن زیاد اصراری در اینکه واقعاً همکاری منطقه‌ای بکنند نداشتند. خودشان را اروپایی می‌دانستند و به هر قیمتی که بود می‌خواستند و می‌خواهند و خواهند خواست که جزو اروپا بشوند.

در شب آخر، شامی از طرف گرسل داده شد در یک ویلا که مخصوص رئیس جمهوری ترکیه است، در کنار بوسفور. جای بسیار زیبایی بود. عده خیلی کمی آنجا جمع بودیم، یعنی از هر کشوری ۳ الی ۴ نفر. اینونو نطق کرد و اعلیحضرت هم نطق خیلی خوبی کرد. بعد هم ایوب‌خان صحبت بسیار بی ربطی کرد که خیلی باعث ناراحتی ترکها شد، ولی چیزی نگفتند. یعنی گفت که من خوشحال هستم که این سازمان همکاری منطقه‌ای درست می‌شود و سرانجام شما ترکها بیدار شدید و فهمیدید که به غرب نباید نگاه بکنید، برای اینکه اروپاییها شما را اروپایی قبول ندارند ولی ما شرقیها شما را شرقی قبول داریم و به‌هرحال باید به سوی ما نگاه بکنید. ترکها هیچ به روی خود نیاوردند و چیزی نگفتند. اما، بعد هم در عمل، وقتی که آ.ر.سی.دی رسماً به‌راه افتاد، ترکها هیچ گونه علاقه‌ای در اینکه همکاری منطقه‌ای بشود از خودشان نشان نمی‌دادند، در حالی که پاکستانیها صمیمانه علاقمند به همکاری بودند.

داستان کاغذ اسکناس

پیش از این اشاره‌ای کردم به کارخانه ذوب آلومینیوم اراک و اینکه پاکستانیها پذیرفتند بازار وارداتی آلومینیوم خودشان را در اختیار این کارخانه بگذارند. ما هم در برابر پذیرفتیم که از آنها کاغذ اسکناس بخریم. البته یک بار خریدیم، اما به قدری نوع این کاغذ خراب بود و در عرض چنان مدت کوتاهی تمام اسکناسها پاره شد و از بین رفت که دیگر پشیمان شدیم و هرگز این کار را تکرار نکردیم. ولی به‌هرحال میان ایران و پاکستان حسن نیت وجود داشت که با هم همکاری بکنیم. اما ترکها مطلقاً هیچ گونه نیّتی به همکاری متقابل، که عبارت از بده و بستان باشد، نداشتند. فقط اهل بستنکاری بودند نه بدهکاری. چندی بعد به من گفتند که آنها خیال دارند یک کارخانه آلومینیوم در کشورشان نصب بکنند. ما خبر داشتیم پس از اینکه ما تصمیم گرفته بودیم کارخانه آلومینیوم برپا کنیم، آنها هم که می‌خواستند از ما عقب نیفتند همین کار را انجام دادند. ترکها پیشنهاد کردند یکی از مشتقات تولید کارخانه را که سولفات آلومینیوم است در بازار ایران بدون گمرک و غیره عرضه بکنند و در ضمن بازار ایران در اختیارشان باشد. من پذیرفتم اما گفتم بشرط اینکه اگر کارخانه آلومینیوم ما پیش از کارخانه شما به راه افتاد، بتوانیم در بازار ترکیه جنس خودمان را بفروشیم. گفتند نه، فقط ما اگرتولید کنیم حاضریم آن را به شما بفروشیم، که جواب من البته منفی بود. یا باید هر دو طرف این کار را بکنیم، یا اینکه فراموشش بفرمایید. در مورد پاکستان همکاری خیلی خوب بود.

چرا سقوط هلی کوپتر ابراهیم رئیسی مشکوک است؟ احتمال «اختلال سهوی یا عمدی در سیستم ناوبری»



تلاش نیروهای امدادی برای دسترسی به اجساد کشته شدگان در اطراف هلی کوپتر



آخرین تصویر از پرواز هلی کوپتر حامل رئیسی و همراهان در ورزقان

است به علت شرایط اضطراری با انجام مراحل از پیش تعیین شده که در طول خدمت بارها آن را به صورت آزمایشی تمرین می‌کند هلی کوپتر را روی زمین بنشانند. اما شانس نجات در فرود سخت آنهم در مناطق غیرمسطح یا شیب‌دار از جمله مناطق کوهستانی یا جنگلی بسیار کم است.

پرواز هلی کوپترها در ارتفاعات کوهستانی به ویژه در شرایط نامساعد جوی به ندرت انجام می‌شود. تغییر فشار، بادهای شدید و تکان‌های شدید و مداوم (توربولانس) از مواردی هستند که می‌توانند در کوهستان سبب سقوط هلی کوپترها شوند. بر اساس تخمین‌های اولیه به نظر می‌رسد این هلی کوپتر مستقیم به کوه اصابت کرده باشد.

احتمال اختلال در عملکرد ارتفاع‌سنج و GPS

این احتمال وجود دارد که «ارتفاع‌سنج» (آلتیومتر) هلی کوپتر به علت نقص فنی یا عوامل بیرونی مثل یخ‌زدگی «پیتوت تیوب» از کار افتاده یا دقیق عمل نکرده باشد. بعضی ابزار دقیق و نشانگرها در هلی کوپترهای قدیمی‌تر بر اساس سیستم مبتنی بر اختلاف فشار کار می‌کنند که از لوله‌ای باریک در دماغه هلی کوپتر به اسم «پیتوت تیوب» وارد می‌شود. یخ‌زدگی در ارتفاعات بالا و سرمای شدید یا گرفتگی این لوله عملکرد نشانگرها را مختل می‌کند. اختلال احتمالی در عملکرد «ارتفاع‌سنج» می‌تواند خلبان را در تخمین «ارتفاع واقعی» از سطح زمین یا فاصله از نوک کوه‌ها به ویژه اگر دید کم باشد به اشتباه بیاندارد.

همان منبع به کیهان لندن می‌گوید، «در ایران اغلب هلی کوپترهای VIP مجهز به سیستم ناوبری الکترونیک شده‌اند. هر سه هلی کوپتر که در این مأموریت پرواز کردند خیلی مجهز بودند، ضمن اینکه خلبان‌های آنها آپید (تبلت) ناوبری نیز به همراه داشتند.»

هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی که علاوه بر دو خلبان و یک مهندس پرواز، حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی، محمد آل‌هاشم امام جمعه تبریز و مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی و محافظان رئیسی سرنشین آن بودند، روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در ارتفاعات جنگل‌های ارسباران در ورزقان سقوط کرد.

آنها برای افتتاح سد «قیز قلعه‌سی» (قلعه دختر) به نواحی مرزی رفته بودند که هلی کوپتر آنان در مسیر بازگشت به تبریز سقوط کرد. گفته شد علاوه بر هلی کوپتر حامل رئیسی و همراهان، دو هلی کوپتر دیگر نیز به فاصله کوتاه از هم پرواز می‌کردند که سالم به مقصد رسیدند.

هرچند علت دقیق این سقوط هنوز مشخص نیست اما مواردی وجود دارد که احتمال مشکوک بودن آن را تقویت می‌کند. اولین پرسش مربوط به علت پرواز هلی کوپترها در شرایط نامناسب جوی در شرایطی است که به علت وجود مه غلیظ دید خلبان کافی نبود.

هلی کوپتری که رئیسی سرنشین آن بود «بل آگوستا-۴۱۲» و دو فروند هلی کوپتر دیگر «بل آگوستا-۲۱۲» بودند. یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید، این هلی کوپترها در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی برای جمعیت «هلال احمر» از کانادا خرید شده و هر سه ساخت دهه ۹۰ میلادی هستند اما به علت کمبود هلی کوپترهای پر قدرت و مطمئن، برای پروازهای ویژه رؤسای جمهور و اعضای کابینه، آنها را از «هلال احمر» به «آشیانه ریاست جمهوری» در فرودگاه مهرآباد منتقل می‌کنند.

کادر پرواز این هلی کوپتر شامل سرهنگ سید طاهر مصطفوی، سرهنگ محسن دریانوش و سرگرد فنی بهروز قدیمی از زبده‌ترین پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی بودند.

اگرچه منابع حکومتی اعلام کردند این هلی کوپتر «هاردلندینگ» (فرود سخت) داشته اما این فقط یک ادعاست. هاردلندینگ وقتی اتفاق می‌افتد که خلبان ناچار

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید، هلی کوپترهای رئیسی و همراهان در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی برای جمعیت «هلال احمر» از کانادا خرید شده و هر سه ساخت دهه ۹۰ میلادی هستند اما به علت کمبود هلی کوپترهای پر قدرت و مطمئن، برای پروازهای ویژه رؤسای جمهور و اعضای کابینه، آنها را از «هلال احمر» به «آشیانه ریاست جمهوری» در فرودگاه مهرآباد منتقل می‌کنند.

همین منبع می‌گوید، «در ایران اغلب هلی کوپترهای VIP مجهز به سیستم ناوبری الکترونیک شده‌اند، هر سه هلی کوپتر که در این مأموریت پرواز کردند خیلی مجهز بودند، ضمن اینکه خلبان‌های آنها آپید (تبلت) ناوبری نیز به همراه داشتند.»

خلبان‌ها برای ناوبری از «Air Navigation Pro» یا «Garmin Pilot App» و برنامه‌های مشابه استفاده می‌کنند که همگی متصل به ماهواره هستند. جمهوری اسلامی روی هیچکدام از ماهواره‌هایی که این خدمات را ارائه می‌دهند تسلط ندارد.

احتمال اینکه سیستم ناوبری الکترونیک هلی کوپتر رئیسی و امیرعبداللہیان دچار نقص فنی شده و یا در آن اختلال ایجاد شده باشد وجود دارد. انواع پارازیت و سیگنال‌های مخرب، جیمینگ و جمر یا مختل‌کننده سیگنال ردیاب GPS می‌تواند از عوامل ایجاد این اختلال‌ها باشد.

محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفت، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.»

سقوط هلی کوپتر رئیسی می‌تواند «مرموز» ارزیابی شود اما اینکه منشاء هرگونه اختلال در پرواز این هلی کوپتر را «عامل خارجی» و از خارج مرزهای کشور دانست صرفاً یک احتمال است درست به همان اندازه که شاید منشاء آن داخلی و با انگیزه حذف فیزیکی توسط جریان‌های درون نظام طراحی و اجرا شده باشد.



دسترس‌ی خلبان‌ها به اپلیکیشن‌های ناوبری

خلبان‌ها برای ناوبری از «Air Navigation Pro» یا «Garmin Pilot App» و برنامه‌های مشابه استفاده می‌کنند که همگی متصل به ماهواره هستند. جمهوری اسلامی روی هیچ‌کدام از ماهواره‌هایی که این خدمات را

مستقیم به کوه برخورد کرده که به نظر می‌رسد ناشی از اختلال در مسیریابی، جهت‌یابی و یا اختلال در تشخیص ارتفاع نیز باشد که می‌تواند عمدی و ناشی از پارازیت باشد.» از آنجا هیچ گزارشی در مورد اینکه خلبان اعلام وضعیت اضطراری کرده باشد وجود ندارد، می‌توان احتمال داد که سقوط خیلی سریع اتفاق افتاده است. مگر اینکه خبر تماس

است. برای بررسی احتمال اصابت ترکش، یا اصابت پرتابه جنگی باید بقایای بدنه هلی‌کوپتر بررسی شود. کمتر از یک ماه پس از حمله هوایی اسرائیل به تجهیزات راداری مستقر در پایگاه هشتم شکاری اصفهان که مربوط به رینگ محافظتی نیروگاه هسته‌ای این شهر بود، سقوط هلی‌کوپتر رئیسی می‌تواند «مرموز» ارزیابی شود اما اینکه



دسترس‌ی خلبان‌ها به اپلیکیشن‌های ناوبری



کادر پرواز هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی

ارائه می‌دهند تسلط ندارد.

پارازیت، جیمینگ یا جمر

با توجه به نزدیک بودن محل سقوط به مرز جمهوری آذربایجان و ارمنستان، برخی منابع داخلی به اختلال احتمالی در سیستم الکترونیک و GPS هلی‌کوپتر حامل رئیسی مشکوک شده‌اند. اینکه مشخص شود آیا ارسال پارازیت یا جمر عامل اصلی سقوط بوده در بررسی سانه کاری دشوار است اما غیرممکن نیست. اختلال در سیستم ناوبری می‌تواند عامل تأخیر در دریافت اطلاعاتی باشد که خلبان بطور لحظه‌ای و در کسری از زمان به آنها نیاز دارد.

خاموشی دستگاه «ترانسپوندر»

علاوه بر این در پروازهای VIP دستگاه «ترانسپوندر» (هماهنگ‌کننده ترابری)، Squawk می‌شوند. به این معنا که خلبان کدهای اختصاصی و اضطراری دریافت می‌کند و هر لحظه حتی در بدترین شرایط آب و هوایی روی سیستم راداری قابل شناسایی است. به گفته وزیر حمل و نقل ترکیه «ترانسپوندر هلی‌کوپتر حامل رئیسی خاموش شده بود.» مشخص نیست آیا این دستگاه پیش از پرواز خاموش بوده یا حین پرواز یا بعد از اصابت به زمین خاموش شده است. احتمال اینکه سیستم ناوبری الکترونیک هلی‌کوپتر رئیسی و امیرعبداللهیان دچار نقص فنی شده و یا در آن اختلال ایجاد شده باشد وجود دارد. انواع پارازیت و سیگنال‌های مخرب، جیمینگ و جمر یا مختل‌کننده سیگنال ردیاب GPS می‌تواند از عوامل ایجاد این اختلال‌ها باشد. در همین ارتباط همان منبع می‌گوید، «هلی‌کوپتر رئیسی

احتمالی خلبان تا کنون منتشر نشده باشد. خلبان‌های هلی‌کوپتر رئیسی علاوه بر برج‌های مراقبت امکان برقراری تماس با دو هلی‌کوپتر دیگر را نیز داشته‌اند.

اسرائیل: کار ما نبود

در همین ارتباط محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفت، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.» آقامیری همچنین خواستار توجه بیشتر به مرگ حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه دولت سیزدهم شده که به شدت در سایه‌ی مرگ ابراهیم رئیسی قرار گرفته است. در این میان، برخی منابع داخلی انگشت اتهام را به سوی اسرائیل دراز کرده‌اند اما خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام اسرائیلی گزارش داد که «کار ما نبوده است.»

مصالح سیاسی، عوامل بیرونی، انگیزه‌های داخلی

هنوز مشخص نیست آیا هر سه هلی‌کوپتر در یک زمان و یا با فاصله زمانی پرواز کرده‌اند. این موضوع از آن جهت مهم است که بررسی شود آیا خلبان‌های دو هلی‌کوپتر دیگر نیز با اختلال مواجه بودند یا نه؟ منبع یادشده به کیهان لندن می‌گوید، «تیم بررسی سانه حتماً این موارد را هم چک می‌کند اما به نظر می‌رسد در این مورد خاص مصلحت و دلایل سیاسی تعیین می‌کند که اگر عامل بیرونی باعث سقوط شد، مسئله رسانه‌ای شود یا نه.» اینکه سقوط هلی‌کوپتر حامل رئیسی و امیرعبداللهیان ناشی از اختلال در سیستم ناوبری آن باشد یک احتمال

منشاء هرگونه اختلال در پرواز این هلی‌کوپتر را «عامل خارجی» و از خارج مرزهای کشور دانست صرفاً یک احتمال است درست به همان اندازه که شاید منشاء آن داخلی و با انگیزه حذف فیزیکی توسط جریان‌های درون نظام طراحی و اجرا شده باشد.

اختلال در GPS از هفته‌ها پیش از سقوط

مدت‌ها پیش از سقوط هلی‌کوپتر رئیسی، مردم در شهرهای مختلف ایران گزارش می‌دادند علاوه بر اینکه سرعت اینترنت به شدت کاهش پیدا کرده، سیستم موقعیت‌یاب جی‌پی‌اس‌های موبایل آنها نیز از کار افتاده است. این اختلال سبب شد تا رانندگان تاکسی و اسنپ به دردسر بیفتند و یافتن مسیر را برای گردشگران در کویر و جنگل یا برای کوهنوردان دشوار کرد. در همین ارتباط روزنامه «شرق» ۲۵ اردیبهشت گزارش داده بود که یک «منبع ناشناس» چند هفته است عامل اختلال در GPS و از کار افتادن نقشه‌ها و مسیریاب‌های آنلاین شده است. این در شرایطی است که عمده تجهیزات اختلالگر روی فرکانس‌های ماهواره‌ای و سیگنال‌های جی‌پی‌اس در اختیار نهادهای نظامی و بطور ویژه در دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. هرچند هنوز گزارش رسمی از دلایل سقوط هلی‌کوپتر رئیسی منتشر نشده اما از آنجا که مرگ و میر مشکوک مقامات جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب دارای سابقه است، اینبار نیز انگشت اتهام به سوی حکومت دراز است. به ویژه آنکه به نظر می‌رسد در واپسین سال‌های عمر علی خامنه‌ای جدال بر سر جانشینی او بین جریان‌های قدرتمند داخل رژیم بیشتر و شدیدتر می‌شود.

آغاز لابیگری و زد و بند برای ریاست مجلس شورای اسلامی دوازدهم



● در اختیار داشتن کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی، کرسی نایب رئیسان مجلس و دیگر اعضای هیئت رئیسه، و همچنین ریاست کمیسیون‌های تخصصی، جدا از قدرت سیاسی، کانالی از رانت ایجاد می‌کند.

● یکی از مهمترین مدعیان کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی سردار محمدباقر قالیباف است که در دوره یازدهم مجلس هم ریاست را به عهده داشته و از شخصیت‌های مورد حمایت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

● منوچهر متکی، مجتبی ذوالنوری، حمیدرضا حاجی‌بابایی، حمید رسایی، علی نیکزاد و ابراهیم عزیزی از رقبای قالیباف برای ریاست مجلس دوازدهم عنوان شده‌اند.

پس از دومین دور انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، دعوای درون حکومتی و لابیگری برای تصاحب کرسی‌های ریاست مجلس و نایب رئیسی آن بالا گرفته است.

مراسم افتتاحیه مجلس دوازدهم روز دوشنبه هفتم خرداد برگزار می‌شود و این روزها بازار گمانه‌زنی و لابیگری و البته دعوا در میان جریان‌های درون حکومت بر سر ریاست مجلس شورای اسلامی و کرسی‌های نایب رئیسی داغ است.

در دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی سه جریان ائتلافی اصولگرا که بیشترین نمایندگان را راهی این نهاد ظاهراً انتخابی کرده‌اند، به رقابت سیاسی و رانتی خود ادامه خواهند داد.

در اختیار داشتن کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی، کرسی نایب رئیسان مجلس و دیگر اعضای هیئت رئیسه، و همچنین ریاست کمیسیون‌های تخصصی، جدا از قدرت سیاسی، کانالی از رانت ایجاد می‌کند و به همین دلیل است جریان‌های مختلف به دنبال فرستادن دار و دسته‌ی خود به این کرسی‌ها هستند.

«شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی» (شانان) و «جبهه پایداری» حول حمید رسایی، «جبهه صبح ایران» حول علی‌اکبر رائفی‌پور و «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان» شامل گروه‌های سنتی حول جامعه روحانیت و «جمعیت مؤتلفه اسلامی» در حالی سه جریان ائتلافی اصولگرایان در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی هستند که با هم رقابت داشته و حتی طی ماه‌های گذشته با افشاگری درباره فسادهای برخی چهره‌های حاضر در این جریان‌ها، یکدیگر را تخریب کرده‌اند.

اکنون به نظر می‌رسد یکی از مهمترین مدعیان کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی سردار محمدباقر قالیباف باشد که دوره یازدهم مجلس هم ریاست را به عهده داشته و از شخصیت‌های مورد حمایت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به شمار می‌رود.

محمدباقر قالیباف هرچند در دور نخست به مجلس راه یافت اما به دلیل افشا شدن چند پرونده مهم فساد اقتصادی او و اعضای خانواده‌اش در سال‌های گذشته، رأی او با کاهش قابل توجهی روبرو شد. او در انتخابات یازدهم بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار رأی در حوزه انتخابی تهران کسب کرد اما در انتخابات دوازدهم حدود

۴۴۰ هزار رأی داشت.

محمدباقر قالیباف از سوی شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی معروف به «شانان» راهی مجلس شده است. امروز اعلام شد ائتلاف رقیب که دولت نیز نظر مثبتی بر آن دارد، «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان»، ابراهیم عزیزی حقوقدان و سخنگوی اسبق شورای نگهبان و نماینده راهیافته از حوزه انتخابی تهران را به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی در نظر دارد.

مصطفی میرسلیم رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی در گفتگو با وبسایت «مهر» درباره افرادی که برای ریاست مجلس آماده رقابت می‌شوند گفته «محمدباقر قالیباف علاقمند است که در کسوت ریاست مجلس باقی بماند. منوچهر متکی هم خودش را برای ریاست مجلس مطرح کرده است. مجتبی ذوالنوری و حمیدرضا حاجی‌بابایی هم احتمالاً برای ریاست مجلس دوازدهم نامزد خواهند شد؛ درباره حمید رسایی هم نمی‌دانم که نامزدی او برای ریاست مجلس تا چه حد جدی است.»

خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم از چهار گزینه اصلی رقابت برای ریاست مجلس نام برده و نوشته «محمدباقر قالیباف با سابقه ریاست مجلس در ۴ سال گذشته، علی نیکزاد با سابقه دودوره‌ای وزارت و نایب‌رئیس مجلس، منوچهر متکی با سابقه یک دوره سکنداری وزارت امور خارجه و حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنور با سابقه نایب‌رئیس مجلس یازدهم، ۴ گزینه اصلی برای ریاست مجلس دوازدهم هستند که ممکن است بر اثر رایزنی‌هایی که اکنون در حال انجام است، در نهایت ۲ گزینه برای رأی‌گیری در صحن علنی باقی بمانند.»

روزنامه «جوان» در شماره امروز شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ به انتخاب رئیس مجلس پرداخته و در حمایت از محمدباقر قالیباف نوشته است: «تبعات برخی مناسبات ناسالم در تبلیغات انتخاباتی مجلس دوازدهم همچنان جاری است. دامنه تخریب و توهین و افتراهای پیرامون به قدری گسترده بود که چندی پیش یکی از منتخبان راه یافته به

مجلس عنوان کرد که تا کنون از سوی رهبر معظم انقلاب، سه بار تذکر گرفته‌اند. سید محمود نبویان، نماینده تهران در مجلس یازدهم و منتخب مجلس دوازدهم در این زمینه به فارس گفته رهبر انقلاب پیش از شروع مجلس دوازدهم تاکنون سه بار به ما تذکر داده‌اند که «باید وحدت داشته باشید.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» هم در گزارشی نوشته «لابی‌ها با منتخبان مجلس دوازدهم بالا گرفته است، اینبار تنها هدف کرسی ریاست مجلس نیست و برخی نمایندگان مجلس آینده برای کرسی نایب رئیسی مجلس خیز برداشته‌اند.»

در این گزارش آمده که «گرچه اصولگرایان در این مجلس نیز دست بالا را دارند، اما اختلافات و چنددستگی بین آنها از یکسو تعداد کاندیداها برای هر یک از این کرسی‌ها را زیاد کرده است و از سوی دیگر شانس اصلاح‌طلبان و مستقلین که بنا به گفته نوری قزلقه سهم قابل توجهی در این مجلس دارند را نیز بالا برده است تا آنها نیز در بزنگاه تقسیم کرسی‌های هیات رئیسه بتوانند سهمی برای خود قائل شوند.»

در ادامه آمده که «گرچه دعوای اصلی اصولگرایان بر سر صندلی ریاست مجلس دوازدهم است، اما نمی‌توان از رقابت بر سر کرسی‌های نواب رئیسی اول و دوم نیز عبور کرد. بر همین اساس نیز این روزها نام‌های زیادی برای رقابت در این میدان مطرح می‌شود، هم محمود نبویان هم وزرای احمدی نژاد و شاید هم پزشک‌های...»

این گزارش در ادامه به زد و بندها و لابی‌هایی که برای رسیدن به کرسی ریاست مجلس شورای اسلامی در جریان است پرداخته و نوشته «برخی خبرها حکایت از آن دارد که ذوالنوری و متکی یک توافق حدود یک هفته پیش داشته‌اند که ظاهراً از ۶۰ یا ۷۰ نماینده استمراج کنند که کدام یک‌شان درصحنه باقی بماند. بر همین اساس نیز نام ذوالنوری این روزها علاوه بر ریاست مجلس در میان اسامی مطرح شده برای نایب رئیسی مجلس نیز دیده می‌شود.»

۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه پنهان در بودجه امسال

شفاف شدن و تصریح آنها موثر است. کمترین خاصیت در نظر گرفتن این موارد در لویح و قوانین بودجه سالانه، آگاهی سیاستگذار از میزان عدم‌النفع در بخش‌های گوناگون و شفاف شدن هزینه سیاست‌های حمایتی صریح و ضمنی است.»

همچنین در بودجه سال جاری ناترازی شدیدی وجود دارد و هزینه‌ها بیش از درآمدهای پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر دولت سیزدهم میزان درآمد مالیاتی را ۱۱۲۲ میلیارد تومان در نظر گرفته که حدود دو برابر درآمد ۶۱۴ هزار میلیارد تومانی نفت است و نسبت به درآمدهای مالیاتی بودجه امسال ۴۹/۸ درصد افزایش دارد. همچنین در مجموع ۴۶ درصد کل درآمد بودجه از محل مالیات‌های مستقیم تأمین می‌شود که در تاریخ بودجه‌نویسی کشور بی‌سابقه است.

مالیات بر درآمد، مالیات بر نقل و انتقال دارایی‌ها، مالیات بر اقساط بانکی، کسر حقوق بدون تمایل افراد موسوم به ۳۰ درصد تأمین اجتماعی، مالیات دریافت پروانه ساخت و ساز، مالیات پروانه پایان کار ساخت و ساز، مالیات آغاز کسب و کارها، مالیات معاملات مسکن، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر اتومبیل از جمله مالیات‌هایی است که از جیب شهروندان کسر می‌شود تا دولت کسری بودجه را جبران کند.

پس از ارائه لایحه بودجه، وحید شقاقی شهری اقتصاددان با انتقاد از شیوه تدوین درآمدهای مالیاتی، دولت را «داروغه ناتینگهام» خوانده و گفته بود که «در ۶ سال با تورم‌های بالا، جامعه فقیر شده است. حالا من از دولت سوال می‌کنم که از جامعه فقیر چه مالیاتی می‌خواهید بگیرد؟ برای همین می‌گویند داروغه ناتینگهام.»

به عقیده این اقتصاددان جامعه‌ای که فقیر شده می‌تواند مالیات پردازد و باید حمایت‌های یارانه‌ای مختلفی هم مشمول این خانوار شود که سرپا مانند نه اینکه از آنها مالیات هم گرفته شود. در این شرایط کف مالیات حداقل باید بالای ۲۰ میلیون تومان برای خانوار تعریف شود. جمله معروفی است که می‌گوید اگر می‌خواهید جامعه را له کنید، آن جامعه را بین دو سنگ آسیاب تورم و مالیات قرار دهید و در این وضعیت طبقه متوسط جامعه خود به خود از بین می‌رود. مرتضی افقه اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه جندی‌شاپور هم گفته بود: «دولت چون نتوانسته است نفت بفروشد به سفره‌های مردم متوسل شده و این دقیقاً خلاف همان ادعایی است که در زمان انتخابات مطرح می‌کرد و مدعی بودند که سفره مردم را از تحریم‌ها جدا خواهند کرد، اما اکنون رسماً آسیب تحریم‌ها را به سفره‌های مردم منتقل کرده است.»

مرتضی افقه همچنین تحقق درآمدهای مالیاتی را نیز امکان‌پذیر ارزیابی نکرده و گفته که «تصور نمی‌کنم اصلاً پیش‌بینی این میزان مالیات اساساً محقق شود چرا که اقتصاد کشور عملاً دیگر ظرفیت این میزان پرداخت مالیات را ندارد، هرچند دولت مدعی است تا ۹۰ درصد پیش‌بینی مالیاتی تأمین شده است، اما بعید می‌دانم دولت اساساً بتواند سال آینده بیش از این رقم را محقق کند.»

به گفته این استاد دانشگاه «در همین حال دولت مدعی است که وابستگی خود را به نفت کم کرده است. این خیلی افتخار نیست که وابستگی به نفت کم شود آنهم با درآمدهایی که شهروندان دارند. آن چیزی که مد نظر و مطلوب است اینکه وابستگی کل اقتصاد به نفت کم شود، نه فقط وابستگی دولت به نفت. به عبارت دیگر دولت برخلاف وعده‌ای که داده سفره خودش را از تحریم‌ها جدا کرده و نه سفره مردم را.»



بیشتر شایسته هشدار دادن، مسئله روندهای فاجعه‌آمیز سقوط نسبت هزینه‌های بودجه عمومی به تولید ناخالص داخلی است.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که از بیش از ۱۵ سال پیش اقدام به نامگذاری سالهای خورشیدی کرده، برای سال جدید «جهش تولید با مشارکت مردم» را به عنوان شعار سال انتخاب کرده است.

محسن زنگنه نماینده عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز ماه گذشته از بودجه ۱۴۰۳ به عنوان «غیرشفاف‌ترین بودجه» نام برده و گفته بود: «امسال اوج غیرشفاف بودن بودجه است؛ هدف از اصلاح آیین‌نامه اشراف نمایندگان به جداول بودجه بود اما اکنون ما جدولی نمی‌بینیم و نمی‌دانیم کمیسیون تلفیق چه اقدامی انجام داده است؟! خواهش می‌کنم به دوستان تذکر دهید در ساعات باقی مانده فایل جداول را برای نمایندگان ارسال کنند تا ما بدانیم چه اتفاقی در کمیسیون تلفیق رخ داده است.»

روزنامه «اعتماد» نیز فروردین‌ماه امسال در گزارشی با اشاره به ارقام پنهان در لایحه بودجه نوشت: «بخش بزرگی از منابع نفت که در داخل کشور و به پالایشگاه‌ها تحویل داده می‌شود، به حامل‌های انرژی مانند بنزین و گازوییل تبدیل می‌شود. با توجه به امکان صادرات نسبتاً بدون مشکل این محصولات، عرضه زیر قیمت آنها در بازار داخل، نبود نفع قابل‌توجهی را متوجه منابع عمومی می‌کند. جدا از هزینه فرصت بسیار زیاد، در برخی موارد مانند برق نرخ حاضر از قیمت تمام شده نیز پایین‌تر بوده و از این رو صنعت برق با زیان قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو شده است. این زیان‌ها که در واقع نوعی بدهی دولتی است باید روزی تسویه شود و در واقع از این محل نیز برای مصرف امروز از آینده قرض گرفته می‌شود.»

این گزارش افزوده بود که «به علت قیمت غیرواقعی حامل‌های انرژی مصرف ناپهینه نیز افزایش پیدا کرده و این بار مالی را شدیدتر می‌کند. حتی در صورتی که اهتمام کافی برای اصلاح و حذف این هزینه‌های اقتصادی وجود نداشته باشد،

فرشاد مومنی موارد پنهان شده در بودجه امسال را «بالغ بر ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان» عنوان کرده است.

مومنی گفته «این رقم نشان‌دهنده این است که ما لازمه کلیدی و بنیادی مشارکت‌پذیری یعنی اهتمام به شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را نداریم.»

یک اقتصاددان با اشاره به «بحران فزاینده و فاجعه‌ساز ارقام فرابودجه‌ای» که «قابلیت ارزیابی» و «شفافیت» ندارند گفته ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه پنهان در بودجه امسال وجود دارد.

فرشاد مومنی اقتصاددان نزدیک به طیف اصلاح‌طلب روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» با انتقاد از ساختار بودجه‌بندی دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی گفته «حتی اگر نازل‌ترین سطح اندیشه‌ای بودجه را که در آن با مقیاس سطح خرد به‌عنوان سند دخل و خرج یک آبرنگاه در نظر می‌گیریم، می‌بینیم ارائه پیوست‌های کارشناسی معطوف به جهت‌گیری‌ها و تخصیص منابع به کلی متوقف شده است و ما با یک بحران فزاینده و فاجعه‌ساز ارقام فرابودجه‌ای روبرو هستیم که شفافیت و قابلیت ارزیابی را از بین می‌برد.»

او برای مثال به هدفمندی یارانه‌ها در بودجه امسال اشاره کرده و گفته اعداد و ارقام مربوط به هدفمندی یارانه‌ها که حدود نزدیک به ۳۰ درصد کل منابع عمومی را شامل می‌شود و در جمع منابع عمومی نیست.

این اقتصاددان با اشاره به موردی دیگر گفته «مثلاً ۱۳۷ هزار میلیارد تومان نفت خام و میعانات در اختیار اشخاص برای تأمین منابع ستاد کل نیروهای مسلح در بند «ب» تبصره ۴ در سرجمع منابع عمومی قرار ندارد و آن حواله‌های ۲۰ هزار میلیارد تومانی تخصیص قیر به دستگاه‌های اجرایی از کانال بند «س» تبصره ۷ در سرجمع منابع عمومی نیست.» او جمع این موارد پنهان شده در بودجه امسال را «بالغ بر ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان» عنوان کرده و گفته این رقم «نشان‌دهنده این است که ما لازمه کلیدی و بنیادی مشارکت‌پذیری یعنی اهتمام به شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را که نداریم، هیچ، بلکه تا آنجا که نتوانسته‌اند در جهت خلاف آن عمل کرده‌اند.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده که در بودجه ۱۴۰۳ درست برخلاف «خلق رفاه جمعی، ابزار یکپارچگی و هماهنگی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع حرکت» شده است.

فرشاد مومنی در بخش دیگری از فاصله عمیق میان شعار امسال که توسط رهبر جمهوری اسلامی اعلام شده، با روند جاری در لایحه بودجه خبر داده و گفته «در بودجه‌ای که برای سال ۱۴۰۳ تدارک دیده‌شده به جای کاهش فقر و ارتقای کیفیت زندگی مردم مسیر معکوسی در نظر گرفته شده است و این بودجه به‌طرز کاملاً سبک‌ساز از ظرفیت‌های فقرزایی برخوردار است.»

به عقیده او «با توجه به اندازه به طرز بی‌سابقه افزایش یافته جمعیت فقیران و افزایش معنی‌دار شکاف فقر و شدت فقر، آنچه که در سند لایحه بودجه ۱۴۰۳ در نظر گرفته شده هیچ تناسبی با یک بودجه‌ای که از طریق توانمندسازی ملت برای مشارکت فعال و مؤثر آنها در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان بسترسازی کند، ردی مشاهده نمی‌کنم.»

این استاد دانشگاه افزوده که «از همه تکان‌دهنده‌تر و

سفر علی باقری کنی به روسیه «مشورت با روس‌ها برای مذاکره با غرب»؟



دیدار باقری با رئیس جمهوری تاتارستان در کازان / اردیبهشت ۱۴۰۳

دو منبع آگاه به «آکسیوس» گفته بودند برت مک‌گرگ مشاور ارشد دولت آمریکا در امور خاورمیانه و آبرام پیلی نماینده آمریکا در امور ایران به صورت غیرمستقیم با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره کرده‌اند. مذاکرات بر شفاف ساختن پیامدهای اقدامات جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن در منطقه و بحث درباره نگرانی‌های آمریکا در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران متمرکز بود. انجام این مذاکرات یک روز بعد توسط نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل تأیید شد.

اسلامی اولویت دارد، دسترسی به منابع مالی و جذب سرمایه‌گذاری است اما روس‌ها اقدام قابل توجهی برای آن انجام نداده‌اند. با اینهمه مقامات رژیم ایران برای تأمین تجهیزات سرکوب، تجهیزات و سیستم‌های امنیتی، پولشویی و تکنولوژی‌های نظامی روی روسیه حساب باز کرده‌اند. گفته می‌شود علی باقری کنی یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی در گفتگوهای محرمانه «غیرمستقیم» اخیر با مقامات آمریکایی در مسقط بوده است.

آخرزمانی‌ها به دنبال کیک زرد آفریقایی



تولیدکنندگان اورانیوم در جهان است. بر اساس گزارش آژانس تأمین انرژی اتمی اروپا نیجر در ۲۰۲۱ اصلی‌ترین و بزرگترین تأمین کننده اورانیوم اروپا بود و پس از آن قزاقستان و روسیه قرار داشتند. فوریه ۲۰۲۲، با تجاوز نظامی روسیه به اوکراین بزرگترین حمله نظامی به یک کشور اروپایی از زمان جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد. اتحادیه اروپا در پی این اتفاق تحریم‌های گسترده و بی‌سابقه‌ای علیه روسیه اعمال کرد.

فوریه ۲۰۲۱، محمد بازوم سیاستمدار اهل نیجر با کسب ۵۵ درصد آراء پیروز دور دوم انتخابات ریاست جمهوری نیجر اعلام شد. نیجر کشوری با مساحت ۱.۲۷۰.۰۰۰ کیلومتر مربع در غرب آفریقا و محصور در خشکی است. این کشور ۲۵ میلیون نفری در اوت ۱۹۶۰ از مستعمره فرانسه درآمد و اعلام استقلال کرد. نیجر دارای معادن قابل توجه اورانیوم است. روترز می‌گوید نیجر یکی از بزرگترین

● یک هفته بعد از دیدار محرمانه فرستادگان جمهوری اسلامی و آمریکا در مسقط، علی باقری کنی مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی به روسیه سفر کرد.

● برخی منابع داخلی نوشتند که این سفر احتمالاً با هدف «هماهنگی و مشورت با طرف روسی» انجام شده تا روند مذاکرات با غرب به شکل جدی‌تر در دستور کار قرار گیرد اما برخی دیگر از منابع گزارش دادند او در سفری یکروزه به تاتارستان رفت تا در پانزدهمین نشست بین‌المللی «روسیه و جهان اسلام» و جلسه «بررسی مناسبات ایران و روسیه» شرکت کند.

یک هفته بعد از دیدار محرمانه فرستادگان جمهوری اسلامی و آمریکا در مسقط، علی باقری کنی مذاکره‌کننده ارشد جمهوری اسلامی به روسیه سفر کرد.

برخی منابع داخلی نوشتند که این سفر احتمالاً با هدف «هماهنگی و مشورت با طرف روسی» انجام شده تا روند مذاکرات با غرب به شکل جدی‌تر در دستور کار قرار گیرد اما برخی دیگر از منابع گزارش دادند او در سفری یکروزه به تاتارستان رفت تا در پانزدهمین نشست بین‌المللی «روسیه و جهان اسلام» و جلسه «بررسی مناسبات ایران و روسیه» شرکت کند. وی در این نشست که شنبه ۲۹ اردیبهشت برگزار شد، عنوان کرد «درایت رهبران ایران و روسیه به گونه‌ای عمل کرد که تحریم‌ها به فرصت نوین همکاری، بین ایران و روسیه و کشورهای منطقه تبدیل شد.»

همچنین اعلام شده است که معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی به دعوت رستم مینخونوف رئیس جمهوری تاتارستان به کازان سفر کرد. خبرگزاری دولتی روسیه «تاس» گزارش داد هدف اصلی این مجمع تقویت روابط تجاری و اقتصادی، علمی و فنی، اجتماعی و فرهنگی بین مناطق روسیه و کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و همچنین ارتقاء توسعه نهادهای نظام مالی اسلامی در روسیه است.

برخی منابع گزارش دادند باقری کنی با تعدادی از تاجران ایرانی در کازان دیدار کرده است. در شرایطی که جمهوری اسلامی و روسیه با تحریم‌های شدید بین‌المللی روبرو هستند، هر دو در تلاش‌اند تا راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها پیدا کنند. دولت‌های غربی بارها در مورد پیامدهای منفی نزدیک شدن تهران و مسکو برای امنیت بین‌الملل هشدار داده‌اند. از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) که اکنون بیش از دو سال از آن می‌گذرد جمهوری اسلامی یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحات برای روسیه است و بدون توجه به هشدارهای بین‌المللی اقدام به ارسال پهپاد و مهمات برای روس‌ها می‌کند.

شماری از تحلیلگران و چهره‌های سیاسی از جمله حشمت‌الله فلاحت پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی بارها در مورد «خیانت روسیه» به ایران هشدار داده‌اند. وی به ویژه پس از تجاوز نظامی روسیه به خاک اوکراین و شکست مذاکرات برجام بارها در مصاحبه‌های خود با صراحت گفت که روس‌ها قصد دارند جمهوری اسلامی را شریک خود در باتلاق اوکراین کنند.

جمهوری تاتارستان در بخش اروپایی روسیه در میانه دو رودخانه ولگا و کاما واقع شده و تقریباً در ۸۰۰ کیلومتری شرق مسکو قرار دارد. رودخانه ولگا یکی از مسیرهای جمهوری اسلامی به سوی اروپاست. آنچه برای جمهوری

ویدیو

روزنامه جمهوری اسلامی:

احتمال «توطئه خارجی» در سقوط هلی کوپتر رئیسی وجود دارد



تصویری از بقایای هلی کوپتر «بل ۴۱۲-» حامل رئیسی و همراهان که در استان آذربایجان شرقی سقوط کرد

هیچ مشکل و ممنوعیتی برای پرواز نبوده است؟ یا توضیح نمی‌دهند که چرا این سفر هوایی مطابق معمول از پارس آباد مغان انجام نشده است، که اصولاً نیازی به این مسیر اضافه با بالگرد نباشد؟»

با توجه به سوابق جمهوری اسلامی در پنهانکاری، شک و شبهه در مورد علت سقوط هلی کوپتر حامل رئیسی بسیار زیاد است. به ویژه آنکه مقامات نظام هر یک روایت‌های ضد و نقیض در مورد آنچه در روز سانحه گذشت عنوان می‌کنند.

حسام‌الدین آشنا مشاور پیشین حسن روحانی خطاب به مسئولان نظام نوشت، «شما را به حرمت همه شهیدان سوگند می‌دهیم که در بررسی حادثه بالگرد، از هیچ احتمالی به سادگی نگذرید.»

علی ربیعی مشهور به «عباد» عضو سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در یادداشتی تأکید کرد «مسائل فنی و خرابی‌های متناقضی که منتشر شد، نیازمند بحث‌های کارشناسی دقیق است.»

پیش از این محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفته بود، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.»

اشاره روزنامه «جمهوری اسلامی» به ضعف ناوبری در حالیکه پیشتر یک «منبع مطلع» به کیهان لندن گفته بود احتمال اینکه سیستم ناوبری الکترونیک هلی کوپتر رئیسی و امیرعبداللّه‌یان دچار نقص فنی شده و یا در آن اختلال ایجاد شده باشد وجود دارد. انواع پارازیت و سیگنال‌های مخرب، جیمینگ و جمر یا مختل‌کننده سیگنال ردیاب GPS می‌تواند از عوامل ایجاد این اختلال‌ها باشد.

وقوع حادثه است. این حادثه در نزدیکی مرز کشورمان با جمهوری آذربایجان رخ داده که رژیم صهیونیستی امکانات اطلاعاتی، مخابراتی و نظامی زیادی در آن مستقر کرده است. استقرار این امکانات در جدار مرزی جمهوری آذربایجان، امکان انجام هر توطئه‌ای در منطقه مرزی داخل کشورمان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد. اینکه از سه بالگرد ایرانی در حال بازگشت از منطقه مرزی به سوی تبریز فقط بالگرد حامل رئیس جمهور دچار این حادثه شده، ضمن اینکه می‌تواند مرتبط بودن حادثه با عوامل جوی را منتفی کند، احتمال توطئه بودن را تقویت می‌کند.»

در بخشی از این مطلب آمده «هرچند اخبار اولیه در روز وقوع حادثه حکایت از نقش داشتن عوامل جوی در آن داشت ولی به تدریج گمانه‌زنی‌ها به سوی توطئه بودن متمایل شدند بطوری که رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران گروهی را مأمور بررسی حادثه کرد تا چگونگی آن را روشن کند.»

در بخش پایانی این مطلب نیز بر سه نکته تأکید شده است، «اول اینکه این حادثه نشان داد تدبیرکنندگان امور سفر رئیس جمهور دچار ضعف اساسی بودند و نکات ایمنی زیادی را مورد توجه قرار ندادند. دوم اینکه ناوبری ما ضعیف است و اگر حادثه بالگرد حامل رئیس جمهور ناشی از توطئه بوده باشد، این ضعف نیز در به وقوع پیوستن آن سهیم بوده است. و سوم اینکه در بخش تأمین امنیت در برابر توطئه‌های خارجی دچار ضعف شدید هستیم.»

روزنامه «هم‌میهن» نیز در مقاله‌ای با عنوان «ضعف‌های ادامه‌دار» می‌نویسد، «اطلاع‌رسانی درباره سقوط هلی کوپتر نادرست و ابهام‌آمیز است هیچ توضیحی داده نمی‌شود که چرا مدعی هستند که وضع آب و هوا خوب بوده و

● روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز پنجشنبه سوم خرداد در مطلبی با عنوان «مسامحه جایز نیست» نوشت، تأکید کرده «نزدیکی محل سقوط هلی کوپتر رئیسی با مرز جمهوری آذربایجان امکان انجام هر توطئه‌ای در منطقه مرزی داخل کشورمان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد.»

● در این مقاله تأکید شده «ناوبری ما ضعیف است و اگر حادثه بالگرد حامل رئیس جمهور ناشی از توطئه بوده باشد، این ضعف نیز در به وقوع پیوستن آن سهیم بوده است و... در بخش تأمین امنیت در برابر توطئه‌های خارجی دچار ضعف شدید هستیم.»

● روزنامه «هم‌میهن» نیز در مقاله‌ای با عنوان «ضعف‌های ادامه‌دار» می‌نویسد، «اطلاع‌رسانی درباره سقوط هلی کوپتر نادرست و ابهام‌آمیز است هیچ توضیحی داده نمی‌شود که چرا مدعی هستند که وضع آب و هوا خوب بوده و هیچ مشکل و ممنوعیتی برای پرواز نبوده است؟ یا توضیح نمی‌دهند که چرا این سفر هوایی مطابق معمول از پارس‌آباد مغان انجام نشده است، که اصولاً نیازی به این مسیر اضافه با بالگرد نباشد.»

بحث و ابهام و گمانه‌زنی درباره علت سقوط هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و همراهان وی در کوهستان‌های جنگل ارسباران در شمال استان آذربایجان شرقی به یکی از مهم‌ترین موضوعات میان مسئولان جمهوری اسلامی و رسانه‌های داخلی تبدیل شده است.

روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران روز پنجشنبه سوم خرداد در مطلبی با عنوان «مسامحه جایز نیست» نوشت، «یکی از نکاتی که احتمال توطئه بودن ماجرای بالگرد حامل رئیس جمهور رئیسی و همراهان را پررنگ می‌کند محل

تحولات سیاسی در ایران پس از مرگ رئیسی و تأثیر آن بر دیپلماسی بین‌المللی



مراسم تشییع جنازه رئیسی و سایر کشته‌های سانحه هلی‌کوپتر به صورت زنده از سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شد

انتخاب و یا انتصاب رئیسی به مقام ریاست جمهوری، تحلیلگران را به این نتیجه رسانده بود که وی یکی از گزینه‌های اصلی جانشینی برای رهبری است. رئیسی به دلیل چهار دهه سابقه‌اش در دستگاه قضایی و نقش کلیدی‌اش در سرکوب مخالفان سیاسی، در سال‌های متمدای همواره به عنوان یکی از چهره‌های منفور رژیم و البته مورد اعتماد نظام شناخته شده بود. دست‌نشانده‌گی محض و عدم کارپزما‌ی سیاسی و رابطه بسیار نزدیک به رهبر انقلاب و فرزندش مجتبی‌خامنه‌ای، تحلیلگران را واداشته بود که او را دست‌کم در مقام رهبر موقت رژیم پس از مرگ علی‌خامنه‌ای تصور کنند تا فرزند وی، مجتبی‌خامنه‌ای به آمادگی کامل برای بازی کردن نقش ولی‌فقیه و رهبری دائم‌العمر برسد.

عوامل موثر در بحران جانشینی

۱. سن و وضعیت سلامتی خامنه‌ای: افزایش سن و مسائل مربوط به سلامت علی‌خامنه‌ای یکی از عوامل اصلی بحران جانشینی است. عدم شفافیت درباره وضعیت سلامتی او نیز به این بحران دامن زده است.
۲. اختلافات داخلی: درون ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، جناح‌های مختلفی وجود دارند که هر کدام برای نفوذ و قدرت بیشتر تلاش می‌کنند. این اختلافات می‌تواند فرآیند جانشینی را پیچیده‌تر کند.
۳. نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: سپاه پاسداران به عنوان یکی از نهادهای قدرتمند در ایران، نقش مهمی در تعیین جانشین رهبری ایفا خواهد کرد. حمایت این نهاد از یک فرد خاص می‌تواند به او در رسیدن به مقام رهبری کمک کند.
۴. نفوذ و نقش قدرت‌های خارجی: کشورهای خارجی نیز به دلیل اهمیت استراتژیک ایران در منطقه، تحولات داخلی کشور را با دقت دنبال می‌کنند. تغییر در رهبری ایران می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر روابط بین‌المللی و سیاست‌های منطقه‌ای داشته باشد.

۲- نیاز رژیم اسلامی به معامله با غرب برای خروج از بن‌بست سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی که با آن دست به گریبان است. شخصاً با نظریه دوم موافق هستم ولی در ادامه از بحران جانشینی و دلایل آن شروع می‌کنم.

بحران جانشینی

بحران جانشینی در جمهوری اسلامی ایران موضوعی است که بطور فزاینده در سال‌های اخیر توجه تحلیلگران سیاسی و رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است. کشته شدن و حذف ابراهیم رئیسی از صحنه سیاسی ایران و انتخابات ریاست جمهوری جدید در طول ۵۰ روز آینده، این بحران را بیشتر نمایان کرده است. سعی می‌کنم به بررسی ابعاد مختلف این بحران و دلایل بروز آن بپردازم.

پیشینه بحران جانشینی خامنه‌ای

بحران جانشینی در جمهوری اسلامی ایران سال‌ها مورد بحث محافل سیاسی داخلی و خارجی بوده است که به موضوع جانشینی رهبر رژیم اسلامی، علی‌خامنه‌ای، برمی‌گردد که از سال ۱۹۸۹ این سمت را در اختیار دارد. با افزایش سن و مسائل مربوط به سلامت رهبر فعلی رژیم، پرسش‌هایی درباره آینده نظام و جانشین احتمالی او مطرح می‌شود. رهبر جمهوری اسلامی مانند رهبران تمامیت‌خواه و دیکتاتور، نقش کلیدی در سیاست‌گذاری‌های نظام دارد و تغییر در این مقام می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای ایران و منطقه به همراه داشته باشد. ابراهیم رئیسی که پیش از ریاست جمهوری ریاست قوه قضائیه را بر عهده داشت، در سال ۲۰۲۱ به عنوان رئیس‌جمهور، به خواسته رهبر و با کمک شورای نگهبان به روشی گزینش شد که با انتصاب تفاوت چندانی نداشت. وی با حمایت گسترده نهادهای قدرت، از جمله اقتصادی و نظامی، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در نهایت توانست به این مقام دست یابد.

- تحلیلگران سیاسی کشته شدن و حذف رئیسی از دایره قدرت را با دو نگاه متفاوت دنبال می‌کنند. یکی بحران جانشینی از فردای مرگ خامنه‌ای و دیگری نیاز رژیم اسلامی به معامله با غرب برای خروج از بن‌بست سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی که با آن دست به گریبان است.
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش کلیدی در بحران جانشینی دارد و از تمامی فاکتورهای قدرت به تنهایی برخوردار هست و قول هرگونه حمایت و همکاری با مجتبی‌خامنه‌ای و یا هر شخص دیگری فقط برای کسب مشروعیت پس از مرگ رهبر جمهوری اسلامی است. اما چنین وعده و وعیدهایی مانند «کف روی آب» در تلاطم‌های سیاسی آینده به سرعت از بین رفته و سرنوشت و زندگی سیاسی مجتبی‌خامنه‌ای نمی‌تواند بسیار متفاوت‌تر از زندگی و آینده سیاسی احمد خمینی پس از مرگ «رهبر کاریماتیک انقلاب ۵۷» باشد.

- به نظر می‌رسد با توجه به اولتیماتوم بایدن در هفته‌های اخیر مبنی بر اینکه «ایالات متحده با هر وسیله‌ای به هیچ وجه اجازه نخواهد داد رژیم اسلامی به پمپ هسته‌ای دست یابد، ولی روش دیپلماسی را ترجیح می‌دهد»، رژیم ایران ناچار است برای غلبه بر بن‌بست سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بین‌المللی که با آن مواجه است، به نوعی با غرب به توافق برسد.

بهرام فرخی - در جهان سیاست، اتفاقات ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده اغلب منجر به تغییرات اساسی می‌شوند. مرگ ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند یکی از همین وقایع باشد که فرصت تازه‌ای برای تحلیلگران سیاسی ایجاد کرده و افق‌های جدیدی برای آینده سیاسی ایران و همچنین دیپلماسی بین‌المللی در مقابل دیدگان آنها قرار داده است.

تحلیلگران سیاسی کشته شدن و حذف رئیسی از دایره قدرت را با دو نگاه متفاوت دنبال می‌کنند. ۱- بحران جانشینی از فردای مرگ خامنه‌ای



پیامدهای بحران جانشینی

بحران جانشینی در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد. در کوتاه‌مدت، این بحران می‌تواند به ناآرامی‌های داخلی و افزایش تنش‌های سیاسی منجر شود.

در بلندمدت، چگونگی حل و فصل این بحران تأثیر عمیقی بر آینده نظام جمهوری اسلامی و روابط آن با دیگر کشورها خواهد داشت.

انتخاب رئیس جمهوری اسلامی آینده می‌تواند بخشی از تلاش برای مدیریت بحران جانشینی و آماده‌سازی او برای جانشینی رهبر فعلی باشد. با این حال، پیچیدگی‌های داخلی و خارجی و اختلافات جناحی، این فرآیند را با چالش‌های بسیاری مواجه می‌کند.

نتیجه‌گیری بحران جانشینی

بحران جانشینی در جمهوری اسلامی ایران یکی از مسائل حیاتی است که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر آینده کشور و منطقه داشته باشد. حذف ابراهیم رئیسی از صحنه سیاسی و انتخاب رئیس جمهور آینده، یکی از نشانه‌های تلاش برای مدیریت این بحران است. با این حال، عوامل متعددی از جمله وضعیت سلامتی رهبر فعلی، اختلافات داخلی، نقش سپاه پاسداران و مداخلات خارجی، می‌توانند این فرآیند را پیچیده‌تر کنند. آینده جمهوری اسلامی ایران به چگونگی حل و فصل این بحران بستگی دارد.

شخصاً معتقدم که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش کلیدی در بحران جانشینی دارد و از تمامی فاکتورهای قدرت به تنهایی برخوردار هست و قول هرگونه حمایت و همکاری با مجتبی‌خامنه‌ای و یا هر شخص دیگری فقط برای کسب مشروعیت پس از مرگ رهبر جمهوری اسلامی است. اما چنین وعده و وعیدهایی مانند «کف روی آب» در تلاطم‌های سیاسی آینده به سرعت از بین رفته و سرنوشت و زندگی سیاسی مجتبی‌خامنه‌ای نمی‌تواند بسیار متفاوت‌تر از زندگی و آینده سیاسی احمد خمینی پس از مرگ «رهبر» کاریزماتیک انقلاب ۵۷» باشد.

نیزا رژیم اسلامی به معامله با غرب

مرگ رئیسی نه تنها فضای سیاسی ایران را برای اصلاح‌طلبان حکومتی باز کرده بلکه فرصتی برای رقابت در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو که ۵۰ روز دیگر قرار است برگزار شود نیز برای آنها فراهم آورده است.

در این فضا، حضور اصلاح‌طلبان که نماینده جناح‌های «میان‌رو» از نظر سیاستمداران و دیپلمات‌های غربی هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جناح می‌تواند نقشی حیاتی در اجرای توافق جدید «برجام ۲» برای رژیم درممانده اسلامی و غرب ایفا کند که در حال حاضر در مرحله گفتگوهای دیپلماتیک در عمان، قطر و سفارت سوئیس در تهران در جریان است.

جو بایدن رئیس جمهور آمریکا و حزب دموکرات برای موفقیت در انتخابات ۵ نوامبر باید مشکل مهار برنامه هسته‌ای رژیم ایران را به نوعی حل کنند.

با توجه به اولتیماتوم بایدن در هفته‌های اخیر مبنی بر اینکه «ایالات متحده با هر وسیله‌ای به هیچ وجه اجازه نخواهد داد رژیم اسلامی به مپ هسته‌ای دست یابد، ولی روش دیپلماسی را ترجیح می‌دهد»، رژیم ایران ناچار است برای غلبه بر بن‌بست سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بین‌المللی که با آن مواجه است، به نوعی با غرب به توافق برسد.

بازگشت اصلاح‌طلبان با مکانیزم‌های دستوری می‌تواند سیگنال‌های مثبتی به آمریکا و اروپا ارسال کند.

اولین گام در این جهت با انتصاب علی باقری کنی یکی از بستگان دیکتاتور اعظم، علی‌خامنه‌ای، به عنوان کفیل وزیر امور خارجه برداشته شده است. این حرکت می‌تواند به عنوان تلاشی از سوی رژیم آیت‌الله‌ها برای نشان دادن آمادگی برای گفتگو و همکاری بین‌المللی، تفسیر شود. چنانکه باقری کنی نه تنها یکی از معاونین وزارت خارجه حسین امیرعبداللهیان بود بلکه به دلایلی شاید تنها دیپلمات مورد وثوق خامنه‌ای در دیپلماسی هسته‌ای به شمار می‌رود که از مدت‌ها قبل حتی در روزهای پر تلاطم جنبش ملی مهسا بطور مخفیانه به پایتخت‌های اروپایی سفر کرده و همچنان خطوط تماس با دیپلمات‌های غربی را حفظ نموده است. باقری کنی در هفته‌های اخیر پای ثابت مذاکرات غیرمستقیم بین رژیم اسلامی و آمریکا در عمان و قطر بوده است.

شُرکت کردن اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده و حضور پرشمار نمایندگان رسانه‌های ارتباطات جمعی غرب در کشور برای ارسال گزارش و ایجاد کمپین‌های انتخاباتی رنگارنگ مانند سبز و بنفش‌های سابق که در طول زمان، رنگ باخته‌اند، شاید نشانه‌هایی از وضعیت عادی رژیم، «پس از دو سال مبارزات سیاسی و اجتماعی انقلاب مهسا» به خارج و غرب مخابره کنند.

انزوای سیاسی رژیم در منطقه و جهان پس از شکست‌های مفتضح در عرصه بین‌المللی افزایش یافته است. از حمله تروریستی ۷ اکتبر گروه حماس، مورد حمایت رژیم ایران، علیه اسرائیل تا ناامنی تجارت بین‌المللی توسط حوثی‌های یمن و ناتوانی حزب‌الله از دست زدن به یک حمله تمام‌عیار به اسرائیل از جمله آنهاست.

کافی نبودن رسوایی حمله تبلیغاتی و بی‌ثمر موشکی به اسرائیل و خنثی شدن تنها دستاورد نظامی رژیم در دو دهه اخیر توسط کشورهای منطقه و قدرت‌های غربی، و در نهایت، پشت کردن رژیم دست‌نشانده بشار اسد در اجلاس اخیر سران عرب در منامه، که رژیم برای بقای آن از تمامی اهرم‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی ایران استفاده کرده بود، رژیم را در منطقه بیش از همیشه تنها گذشته و در عرصه بین‌المللی بی‌اعتبار کرده است.

یک برجام جدید شاید مرهمی باشد بر زخم‌های ایجاد شده از یک دیپلماسی تهاجمی و شکست‌خورده رژیم در منطقه. یک برجام جدید می‌تواند تا حدی از شدت تحریم‌ها کاسته و نوعی آرامش موقت اجتماعی در داخل به وجود بیاورد. از طرف دیگر، کسب پیروزی در انتخابات ۵ نوامبر در آمریکا و جلوگیری از پیروزی یک نتوکان مانند ترامپ برای گرداندگان اصلی حزب دموکرات مانند جرج سوروس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سبقت گرفتن رؤسای کشورهای اروپایی از هم برای ابراز تسلیم به رژیم جنایتکار، نشان از آن دارد که اروپا در افق نزدیک خود، مرگ رئیسی را فرصتی ارزیابی کرده و همزمان امکان موفقیتی برای اپوزیسیون رژیم نمی‌بیند و در صد عادی ساختن روابط با رژیم است.

این وظیفه ماست که به عنوان اپوزیسیون رژیم، بین آرزوهای مان و واقعیت‌های سیاسی و بین‌المللی تفاوت قائل شده و تحلیل‌های خود را بر واقعیت‌های سیاسی بنا کنیم. اپوزیسیون خارج کشور در حال حاضر با تمامی تلاش‌هایی که شاهزاده رضا پهلوی و دیگر دوستان وطن‌شبان روز انجام می‌دهند، نتوانسته آن ائتلاف گسترده را در کنار وی ایجاد کند. مسئولیت بزرگی از این عدم موفقیت به افراطیون سلطنت‌طلبی مربوط می‌شود که در گذشته دور

سیر کرده و چکمه رضاشاهی را بر دموکراسی‌خواهی مدرن شاهزاده رضا پهلوی ترجیح می‌دهند و هرگونه تلاش وی را برای اتحاد در صفوف اپوزیسیون در بدو تولد خنثی نموده و به کارشکنی خود ادامه می‌دهند زیرا بر این باورند که می‌توانند به تنهایی بر رژیم غلبه کنند و نیازی به همکاری با دیگر نیروهای اپوزیسیون ندارند.

از طرف دیگر نیروهای چپ افراطی منجمدشده در قرن گذشته نیز مانند رژیم اسلامی، غزه را بر ایران و تروریست‌های حماس را بر مردم خود ترجیح می‌دهند. البته نیروهای افراطی در نهایت دست همکاری بهم داده و با حمایت‌های بی‌دریغ «مالی، سایبری، سیاسی» از سوی رژیم، عمر جمهوری اسلامی قرون وسطایی را طولانی‌تر می‌کنند. در این میان، در پایتخت و دیگر شهرهای ایران ۵ روز عزای عمومی اعلام شده و از روز سه‌شنبه مراسم تشییع کشته‌شدگان برگزار شد تا صبح پنجشنبه در شهر مشهد به پایان برسد.

همزمان جلسه افتتاحیه ششمین مجلس خبرگان رهبری نیز بدون توجه به اینکه دو عضو مهم این ارگان تصمیم‌گیری به تازگی در سقوط هلی‌کوپتر کشته شده‌اند، برگزار شد. تمام این رشته اقدامات به منظور عادی نشان دادن وضعیت سیاسی کشور در چشم جهانیان است همانطور که خامنه‌ای در سخنرانی پیش از اعلام رسمی خبر مرگ رئیسی در جمع سپاهیان پاسدار اعلام کرد که هیچگونه اختلالی در سیستم حکومتی رژیم اسلامی به وجود نخواهد آمد و بلافاصله از طرف گماشتگان حکومتی در صداوسیما دولتی به تکرار و چندین بار با انفجار کاخ ریاست جمهوری در اوایل انقلاب و کشته شدن محمدعلی رجایی و نخست‌وزیر وقت محمدجواد باهنر در شهریورماه سال ۱۳۶۰ مقایسه شد بدون آنکه وضعیت امروز جمهوری اسلامی و جامعه با آن زمان قابل مقایسه باشد.

خبر مرگ سیدابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللهیان با شادی و شغف عمومی بین مردم روبرو شد. مردمی که اساساً با این رژیم قهر کرده و با تحریم انتخابات ۱۴۰۰ آرای که به صندوق ریخته نشد باضافه آرای باطله از آرای رئیسی «رئیس جمهوری منتخب» بیشتر بود. در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی نیز در هر دو دور اول (اسفند) و دوم (اردیبهشت) با تمام وعده‌ها و تهدیداتی که از سوی رژیم مطرح شد، کمترین سطح مشارکت در عمر جمهوری اسلامی ثبت شد.

در عین حال کشته شدن رئیسی و همراهانش این امکان را در اختیار اپوزیسیون داخلی و خارجی رژیم قرار داد تا بار دیگر وضعیت سیاسی ایران و جهان را در مقایسه با واقعیت رصد کنند. از بغض خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی در کشته شدن «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» و ناپاکی‌های رنگارنگ و پیدا و پنهان که در رسانه‌های اجتماعی خود عکس رئیسی را با نوار سیاه منتشر کردند تا محمود احمدی نژاد رئیس دو دولت نهم و دهم که برخلاف دیگر اعضای مجلس خبرگان با پیراهن سفید در نشست آن حضور پیدا کرد. البته در صفوف اپوزیسیون خارج کشور علاوه بر تجمعات و پایکوبی و شادی و شغف در مقابل سفارتخانه و کنسولگری‌های رژیم در جهان تصاویری هم دیده شده که از نگاه مخاطبان پنهان مانده است از جمله شادی‌هایی که با شعارهای انتقامجویی و برپایی چوبه‌های دار برای مسئولان نظام همراه بود که برخلاف تصویر و چشم‌انداز است که اپوزیسیون مدافع دموکراسی و حقوق بشر ترسیم می‌کند.

*بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» و رئیس دولت نشانده خامنه‌ای



سید ابراهیم رئیسی و سید علی خامنه‌ای

همدان، تهران، دادگاه ویژه روحانیت و کل کشور، ریاست سازمان بازرسی کل کشور، تولید آستان قدس رضوی، عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاون اولی و ریاست قوه قضائیه، مجلس خبرگان رهبری و در نهایت رئیس جمهور منتصب خامنه‌ای را در کارنامه خود دارد. نقش موثر او در سرکوب‌های وحشیانه نخستین ساعات استقرار انقلابیون ۱۹۷۹ در کرج، کشتار بی‌رحمانه آبان ۹۸ به عنوان رئیس قوه قضائیه با حذف حق اختیار وکیل و برقراری دادگاه‌های نمایشی، سرکوب اعتراضات پس از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی به عنوان رئیس جمهور، انکارناپذیر است. او از سوی ایالات متحده آمریکا به دلیل نقض حقوق بشر تحریم و توسط سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری و گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد به جنایت علیه بشریت متهم شد. همچنین سازمان عفو بین‌الملل در واکنش به ریاست جمهوری او اعلام کرد که رئیسی باید به خاطر جرائم بین‌المللی تحت تعقیب کیفری قرار گیرد.

ابهامات این سقوط با شیوه خبرسانی واحد مرکزی خبر و خبرگزاری‌ها آغاز شد. [۲] مهدی صفری معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه خود با واحد مرکزی خبر (اخبار ساعت ۱۹:۰۰ بوقت محلی) به شرح این حادثه می‌پردازد. وی در یک مصاحبه تلفنی می‌گوید: «پس از اینکه نماز را خواندند در همان سد، بعد از ملاقات با الهام علی‌اف و مصاحبه مطبوعاتی، افتتاح و بلافاصله اینهم درست نیست که بگویم ناهار نخورده حدود ساعت یک و خوردن‌های [نیمروز] سوار هلی‌کوپتر شدند، که سه هلی‌کوپتر بودند که همراه شدند به سمت پالایشگاه تبریز داشتند تشریف می‌بردند و من هم خودم در یکی از هلی‌کوپترها بودم، هوا ابری سنگین و خیلی بد شد که خلبان‌ها حرکات خود را داشتند و حادثه اتفاق افتاد!»

اسلامی در سال ۱۹۷۹ و هنگامی که تنها ۲۰ سال سن داشت به عنوان دادستان کرج و همدان منصوب گردید. خشونت و سنگدلی وی در برابر مخالفین موجب گردید تا او پله‌های ترقی در حکومت نوپای اسلامی را به سرعت طی کند.

او در بهار و تابستان سال ۱۹۸۸ به فرمان مستقیم روح‌الله خمینی به همراه حسینعلی نیری حاکم شرع، سید علی‌رضا آوایی وزیر دادگستری، مصطفی پورمحمدی نماینده وزارت اطلاعات و محمدحسین احمدی عضو هیئت مرگ و به تعبیر بسیاری، خلخالی هیئت مرگ، بود. اکنون پس از سی و شش سال، به دست آوردن آمار واقعی اعدام‌شدگان ۱۹۸۸ به علت جمع‌آوری شناسنامه‌ها و سوزاندن پرونده‌ها، تخریب مزارها، ممنوعیت عزاداری و تجمع و مراسم یادبود و سالگرد، محو آثار و سیمانکاری، جاده‌کشی بر گورهای جمعی و عوامل دیگر ناممکن شده است.

گمان‌های نزد مراجع مختلف حکومتی و حقوق بشری تعداد قربانیان این واقعه را ۳۰۰۰ تا ۴۴۸۴ نفر برآورد می‌کند. گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد تعداد زندانیان سیاسی اعدام شده در آن زمان را دست‌کم ۱۸۷۹ نفر اعلام کرده است. علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی به نقل از علی شوشتری معاون قضایی و جانشین مسئول سازمان زندان‌ها، تعداد اعدام‌شدگان را حدود ۱۷۰۰ نفر عنوان می‌کند. [۱] همچنین حسینعلی منتظری نایب خمینی در سال ۱۹۸۸ در کتاب خاطرات خود نقل می‌کند که طبق گزارش‌هایی که به او داده‌اند حدود ۲۸۰۰ یا ۳۸۰۰ نفر را اعدام کرده‌اند.

رئیسی گرچه از مدارک تحصیلی و آکادمیک بی‌بهره بود اما فعالیت مداوم ۴۵ سال مشارکت در سرکوب، جنایت و فساد در پست‌ها و مناصب گوناگون، اعم از دادستانی کرج،

● ابراهیم رئیسی به فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و هنگامی که تنها ۲۰ سال سن داشت به عنوان دادستان کرج و همدان منصوب گردید. خشونت و سنگدلی وی در برابر مخالفین موجب گردید تا او پله‌های ترقی در حکومت نوپای اسلامی را به سرعت طی کند.

● حسین امیرعبداللهیان به علت دو دهه مسئولیت در وزارت امور خارجه به خصوص در بخش عربی و آفریقایی این وزارتخانه، ارتباط نزدیکی با قاسم سلیمانی داشت. زمانی که سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد، امیرعبداللهیان کارشناس امور عراق در وزارت امور خارجه بوده است.

● این اتفاق تغییری در رویه جمهوری اسلامی در درون مرزها و برون از مرزهای ایران به وجود نخواهد آورد زیرا صحنه گردان اصلی کابینه رئیسی معاون نخست او محمد مخبر دزفولی از چهره‌های بسیار نزدیک به خامنه‌ای است که پیش از این نیز با فرمان رهبر نظام ریاست «ستاد اجرایی فرمان امام»، معاونت بازرگانی و حمل و نقل «بنیاد مستضعفان» را بر عهده داشته و از حدود دو سال پیش با حکم خامنه‌ای به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز درآمد. پس از وقفه‌ای کوتاه جمهوری اسلامی با یک رئیس دولت جدید به فعالیت‌های ضد حقوق بشری و مخل نظم خود در منطقه و جهان ادامه خواهد داد.

پویا بهرامی - ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری اسلامی منتصب خامنه‌ای در راه بازگشت از مراسم افتتاح سد قیز قلعه‌سی (قلعه دختر) و در پی سانحه‌ی پرابهام سقوط هلی‌کوپتر کشته شد.

ابراهیم رئیسی به فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب

همچنین وی زمانی که برای دریافت رای اعتماد در مجلس شورای اسلامی حاضر شد، بر «نهادهای سازی دستاوردهای میدانی مقاومت» تاکید کرد و افزود «تقویت جبهه مقاومت در دستور کار دولت جدید خواهد بود». نقش مهم امیرعبداللهیان در پشتیبانی دیپلماتیک و بسترسازی برای نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی موجب مطرح شدن تئوری احتمال حذف وی و رئیس از سوی نیروهای خارجی شده است.

در مورد هلی کوپتر ریاست جمهوری اسلامی و مستعمل بودن آن نیز شایعاتی مطرح است. هلی کوپتر مخصوص یگان ریاست جمهوری بل ۲۱۲ (Bell ۲۱۲)، دو موتور Twin pack، ساخت شرکت بل آمریکا، قابلیت جابجایی ۱۴ نفر، ۱۷ متر طول، ۳ متر ارتفاع، قابلیت جابجایی حدود ۵ تن بار، سرعت کروز ۱۹۰ کیلومتر، شعاع پروازی حدود ۴۵۰ کیلومتر و سقف پروازی ۱۷ هزار پا را دارد و با شماره ۶-۹۲۲۱ ثبت شده است. بنا بر برخی گزارشها این هلی کوپتر بعد از انتقال از یک شرکت نفتی به آشیانه ریاست جمهوری در حدود سی سال پیش، به تجهیزات مورد نیاز برای پرواز در شب و شرایط دید محدود مجهز شده بود.

بر اساس گفته‌های معاون وزیر امور خارجه، رئیس و هیئت همراه پس از افتتاح سد [۳] عازم پالایشگاه نفت تبریز در فاصله حدود ۱۴۵ کیلومتری جنوب شرقی سد بوده، اما پس از حدود ۵۱ کیلومتر دچار سانحه می‌گردد.

به هر روی، این اتفاق چه سانحه و چه توطئه داخلی یا خرابکاری خارجی و با هر شکل دیگری باشد، برای بسیاری از مردم ایران شادی آفرین بوده و مردم به شیوه‌های مختلف شادی خود را ابراز نموده‌اند که این نیز نشان از شکاف عمیق میان مردم و حکومت ایران دارد.

نکته مهم به نظر نگارنده این است که این اتفاق تغییری در رویه جمهوری اسلامی در درون مرزها و برون از مرزهای ایران به وجود نخواهد آورد زیرا صحنه گردان اصلی کابینه رئیس معاون نخست او محمد مخبر دزفولی از چهره‌های بسیار نزدیک به خامنه‌ای است که پیش از این نیز با فرمان رهبر نظام ریاست «ستاد اجرایی فرمان امام»، معاونت بازرگانی و حمل و نقل «بنیاد مستضعفان» را بر عهده داشته و از حدود دو سال پیش با حکم خامنه‌ای به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز درآمد. بر اساس اصل ۱۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و پس از وقفه‌ای کوتاه جمهوری اسلامی با یک رئیس دولت جدید به فعالیت‌های ضد حقوق بشری و مخل نظم خود در منطقه و جهان ادامه خواهد داد.

*پویا بهرامی روزنامه‌نگار آزاد در برلین

- ۱- علی اکبر هاشمی رفسنجانی، «پایان دفاع، آغاز بازسازی» (۱۳۶۷)، نشر معارف انقلاب اسلامی، خاطرات روز ۱۸ مرداد ۱۳۶۷
- ۲- برای اطلاع خوانندگان: براساس قوانین مطبوعات ایران، بطور جد می‌توان گفت که در ایران هیچ رسانه آزاد و مستقلی وجود ندارد و همه رسانه‌ها زیر نظر شدید نیروهای امنیتی هستند.

3- Geografische Koordinaten des Qiz-Qalasi-Staudamms: 39.17951731335676, 47.033190872573236
Breitengrad: 39.17951731335676 oder 39°10'46.262" N , Längengrad: 47.033190872573236 oder 47°1'59,487" O

کرد. همزمان پهباد آکینچی ساعت ۰۶:۴۵ بامداد بیست مه به ترکیه بازگشت. همچنین ماتیو میلر سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده اعلام کرد که حکومت ایران پس از سانحه سقوط هلی کوپتر از ایالات متحده درخواست کمک کرده اما به دلایل لجستیک امکان کمک وجود نداشته است. با توجه به شیوه ناشیانه خبررسانی و ادعای مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر برقراری تماس با «دو تن از همراهران رئیس جمهور در بالگرد» می‌توان نتیجه گرفت که مسئولین حکومتی و امنیتی غافلگیر شده و می‌کوشیدند با خرید زمان و کشاندن این بحران به ساعات پایانی روز نآزاری‌های احتمالی و یا شاید شادی مردم ایران جلوگیری کنند.

اینهمه در حالیست که همواره از ابراهیم رئیس در سال‌های اخیر به عنوان کاندیدای جدی جانشینی خامنه‌ای ۸۵ ساله برای پست رهبری انقلاب اسلامی یاد می‌شد. با توجه به ناآشنایی او با امور جاری کشور و بلاهت مثال زدنی‌اش وی گزینه مطلوب سپاه پاسداران برای این پست نیز محسوب می‌شد. اما با مرگ دو تن از پشتیبانان جدی‌اش، آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی (از چهره‌های مهم ایدئولوژی مهدویت و یکی از مروجان خشونت برای حذف منتقدان و مخالفان در جمهوری اسلامی) در ژانویه ۲۰۲۱ و آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی (ریاست سابق قوه قضائیه جمهوری اسلامی، معروف به قاضی مرگ و همچنین رئیس مجلس اعلا انقلاب اسلامی عراق) در دسامبر ۲۰۱۸ و توسعه نفوذ مجتبی خامنه‌ای فرزند علی خامنه‌ای در لایه‌های مختلف سپاه پاسداران، نیروی قدس و همچنین بسیج (نیروهای به شدت راست و اصولگرا) که رقیب جدی رئیس نیز برای پست رهبری محسوب می‌شود، موضع او برای کسب این پست تضعیف شده بود. لازم به یادآوری است که ۱۳ روز پیش از این سانحه رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که برای دیدار با مقامات رژیم ایران به اصفهان سفر کرده بود در نشست مشترک با رئیس سازمان انرژی هسته‌ای ایران از توافق طرفین بر سر اجرای سند تفاهم شده پیشین خبر داده بود. این توافق بارها شدیداً از سوی فرماندهان سپاه پاسداران مورد انتقاد قرار گرفته است.

با توجه به روند اتفاقات می‌توان به جنگ قدرت در لایه‌های بالای حکومتی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پی برد. جنگی که موجب مطرح شدن تئوری حذف رئیس از سوی نیروهای رقیب داخلی شده است.

از سوی دیگر در دهه‌های اخیر به ویژه پس انتخاب علی خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، به ویژه گزینش و جاسازی وزرای خارجه، کشور، اطلاعات و دفاع با نظر و دستور مستقیم خامنه‌ای صورت می‌پذیرد و در سالیان اخیر تنها افراد مورد نظر علی خامنه‌ای عهده‌دار این مسئولیت‌ها بوده‌اند. همچنین قانون نانوشته دیگری در جمهوری اسلامی مبنی بر انتخاب سفرای ایران در کشورهای عراق، سوریه و لبنان با نظر مستقیم فرمانده سپاه و مشورت فرمانده سپاه قدس و تأیید رهبر انقلاب اسلامی وجود دارد.

حسین امیرعبداللهیان به علت دو دهه مسئولیت در وزارت امور خارجه به‌خصوص در بخش عربی و آفریقایی این وزارتخانه، ارتباط نزدیکی با قاسم سلیمانی داشت. زمانی که سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد، امیرعبداللهیان کارشناس امور عراق در وزارت امور خارجه بوده است. در جریان تحولات عراق در سال ۲۰۰۳ با سرنگونی صدام حسین، مسئول پرونده عراق در وزارت امور خارجه شد. سلیمانی بعد از هماهنگی‌های کلان برای پیگیری امور مرتبط شخصاً با وی تماس می‌گرفت.

بنا به گفته صفری معاون وزیر امور خارجه، این سانحه بین ساعت ۱۳ الی ۱۴ به وقت محلی و با حضور دو هلی کوپتر همراه هلی کوپتر رئیس رخ داد. حدود ساعت ۱۵:۳۰ خبرگزاری فارس با اعلام اینکه «پس از مه‌آلود شدن هوا، بالگردهای کاروان رئیس فرود آمدند و آنها به صورت زمینی راهی تبریز شدند» وقوع سانحه را تکذیب کرد. گرچه این خبر خیلی زود از وبسایت این خبرگزاری حذف شد، اما وبسایت‌های خبری موازی همچنان آنرا بازنشر می‌کردند. پیش از «فارس»، وبسایت محلی «فراز» در ساعت ۱۵:۰۷ نوشته بود: «بالگردی که حامل رئیس جمهوری، امام جمعه تبریز و استاندار آذربایجان شرقی بود، دقایقی پیش در جلفا دچار سانحه شد». اندکی پس از «فارس» شبکه تلویزیونی دولتی خبر هم خبر سانحه را به صورت زینویس اعلام کرد. حدود ساعت ۱۷ وزیر کشور خبر سانحه برای هلی کوپتر رئیس جمهور را تأیید کرد. وی گفت «این بالگرد در محدوده «جنگل دیزمار» در محدوده عمومی بین ورزقان و جلفا استان آذربایجان شرقی دچار سانحه شد».

به هر روی، خبر سانحه پس از حدود ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه پس از وقوع آن به رسانه‌ها راه می‌یابد و پس از بیش از سه ساعت توسط وزیر کشور تأیید می‌شود. در حدود ساعت ۱۹ خامنه‌ای در دیدار با جمعی از خانواده‌های سپاهیان پاسدار که به مناسبت شب میلاد امام هشتم شیعیان برگزار شد، با چهره‌ای عبوس و بیانی خشک از حادثه نگران‌کننده برای رئیس جمهور ابراز تأسف و برای وی و همراهانش آرزوی سلامتی کرد. او گفت: «البته دعا باید بکنیم، شما هم دعا کنید. همه دعا کنند، سلامت این جمع خدمتگزار را که در رأس‌شان رئیس جمهور محترم و مغتتم قرار دارد، خدمتگزاری آنها و تلاش‌شان برای کشور نعمت بزرگی است. امیدواریم خدای متعال این نعمت را از کشور سلب نکند. ولیکن مردم عزیزمان، چه شما اینجا نشست‌اید، چه کسانی که بعداً عرایض ما را می‌شنوند، مطمئن باشند که هیچ اختلالی در کار کشور به وجود نمی‌آید. مسئولین از امروز بعد از ظهر، عصر که خبر حادثه را شنیدند با جدیت چند برابری مشغول کارهای خودشان هستند. ما هم توصیه‌هایی که باید بکنیم به آن عزیزان مان توصیه کردیم. همه چیز انشالله منظم مرتب کارهای کشور پیش می‌رود، هم امنیت کشور، هم امنیت مرزها، هم بقیه کارهایی که در سطح کشور به وسیله قوه مجریه باید انجام بگیرد، انجام می‌گیرد. مردم نگران نباشند، دلواپس نباشند، انشالله رئیس جمهور هم به دامن مردم، به آغوش مردم برمی‌گردد و کارها هم انشالله به بهترین وجهی به جریان می‌افتد».

سه هلی کوپتر حامل رئیس و همراهران با آرایش معمول حرکت دسته‌ای در پرواز بودند، با این حال مقامات کشوری، نظامی و امنیتی از اعلام محل دقیق سقوط عاجز بودند. آنان برای شناسایی محل سقوط دست به دامان وزارت دفاع ملی ترکیه برای اعزام هلی کوپتر جستجو و نجات با قابلیت دید در شب شدند. بنا به گزارش خبرگزاری رسمی ترکیه، آنا‌تولی، پس از این درخواست ایران، ترکیه یک فروند پهباد آکینچی و یک فروند هلی کوپتر یورو کوپتر کوگر با قابلیت دید در شب به استان آذربایجان شرقی ایران اعزام کرد. بر اساس این گزارش پهباد ساعت ۲۳:۳۰ شب گذشته پس از تأیید ریاست جمهوری ترکیه از استان با‌تمان برخاست و ساعت ۰۰:۴۵ به محل حادثه در استان آذربایجان شرقی رسید. پهباد آکینچی ساعت ۰۲:۳۶ محل حادثه را با موفقیت شناسایی کرد اما شبکه خبر جمهوری اسلامی خبر مرگ ابراهیم رئیس و هیئت همراهش را اندکی پس از ساعت ۶ صبح روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ خورشیدی اعلام

سرمنشأ الکل مصرفی آلوده به «متانول» است! جمهوری اسلامی متهم اصلی تولید مشروبات تقلبی



اعصاب نچسبد و اثرات الکل چوب و علائم مسمومیت، خیلی دیرتر ظاهر شود.

● چرا در مورد اخیر در شیراز، مشروبات تقلبی اینبار پزشکان را روانه بیمارستان کرد؟

-احتمالا پزشکان در مهمانی شیراز فکر می‌کردند، مثلا این شیشه و برچسب و باندرول «جانی واکر» است، ولی داخل آن الکل خوراکی ریخته بودند که آلوده به الکل چوب یا متانول بوده. خوردند، یکی دو تا سه تا... همان ابتدا الکل خوراکی آنها را می‌گیرد، شاد می‌شوند، تازه بعدا دچار حالت تهوع، استفراغ و خواب‌آلودگی، گها، از کار افتادن کلیه و کوری می‌شوند. چون درصد بالایی از محتوای شیشه مشروب، الکل خوراکی است و میزان کمی از آن الکل متانول است. اگر در هر بطری ۱۰ تا ۲۰ سی‌سی متانول بریزند و فردی دو سه لیوان از آن بنوشد دچار علائم مسمومیت می‌شود، البته دیرتر؛ علائمی مثل کما، اسیدوز [اسیدی شدن خون] و عوارض چشمی و کلیوی... چون متانول، وارد کلیه‌ها می‌شود و کلیه‌ها را از کار می‌اندازد.

● آیا عمدی در تولید مشروبات تقلبی در ایران وجود دارد؟

-بله! چون خوردن الکل حرام است، بخشی از بدنه حکومت برای اینکه مصرف‌کنندگان مشروب مجازات شوند، هر از چند گاهی به الکل‌های طبی خوراکی در بازار، درصدی مواد افزودنی مثل متانول اضافه می‌کنند، به این بهانه که این الکل را به پزشکان می‌دهیم تا برای تزریق استفاده کنند، پس کسی نباید آن را بخورد. در حالی که فروشنده مشروب و فروشنده الکل از این موضوع اطلاع ندارند! البته احتمال اینکه در الکل

مصرف سوخت دارد برای یکسری کارهای شیمیایی. اگر حدود ۱۰ سی‌سی متانول بخورید کوری دائم ایجاد می‌کند. متانول وارد گردش خون و مغز می‌شود و به بلندترین عصب مغز یعنی عصب بینایی حمله می‌کند و به آن می‌چسبد و تخریب دائم ایجاد می‌کند. همچنین می‌تواند روی قلب، کلیه و کبد اثر بگذارد. علائم و عوارض مسمومیت متانول خالص حدود ۱۲ ساعت بعد ظاهر می‌شود یعنی از همان زمان که خوردید بین دو سه ساعت، بستگی به میزان آن دارد. دوز کشنده الکل چوب یا متانول بین ۳۰ تا ۱۰۰ سی‌سی است؛ حالا یکی ممکن است با ۳۰ سی‌سی بمیرد یکی هم ممکن است حتا با ۱۰۰ سی‌سی هم نمیرد».

● چرا می‌توان این دو نوع الکل را از هم تشخیص داد؟

-متانول بی‌رنگ است. من برای سوخت یکسری از ماشین‌هایم متانول می‌خریدم، ارزان و سفید رنگ است. دولت به آنها رنگ قرمز اضافه می‌کند مثلا برای هشدار که نخورید! بیمارانی داشتم که الکل چوب را خورده بودند. سریع مراجعه کردند، دیالیز شدند و مشکل‌شان حل شد. ولی الکل اتانول، سفیدرنگ و بویی شبیه الکل طبیعی دارد. کمتر کسی است که با نگاه و بو کردن بتواند این دو الکل را از هم تشخیص دهد.

● چه زمانی علائم مسمومیت با متانول ظاهر می‌شود؟

-علائم مسمومیت با متانول به سرعت ظاهر می‌شود. ممکن است بعد از دو، سه، شش تا ۱۲ ساعت و حتی دو یا چند روز بعد ظاهر شود چون ۸۰ درصد این مشروبات با الکل اتانول یا خوراکی و ۲۰ درصد با متانول ساخته می‌شود. در ترکیب با همان الکل خوراکی یا طبی که اتیلیک هست یک مقدار کمک می‌کند که متانول به

● مصرف مشروبات الکلی تقلبی در ایران باز هم چندین قربانی و آسیب‌دیده گرفت. اینهم از آن موارد پیش‌پافتاده در جوامع عادی است که جمهوری اسلامی آن را برای شهروندان ایران به مشکل و حتا خطر مرگبار تبدیل کرده است. کیهان لندن در همین ارتباط با یک پزشک در ایران گفتگو کرده است.

● «احتمالا پزشکان در مهمانی شیراز فکر می‌کردند، مثلا این شیشه و برچسب و باندرول «جانی واکر» است، ولی داخل آن الکل خوراکی ریخته بودند که آلوده به الکل چوب یا متانول بوده. خوردند، یکی دو تا سه تا... همان ابتدا الکل خوراکی آنها را می‌گیرد، شاد می‌شوند، و تازه بعدا دچار حالت تهوع، استفراغ و خواب‌آلودگی، گها، از کار افتادن کلیه و کوری می‌شوند».

● «آن فردی که این مشروب‌ها را به میزبان آن مهمانی فروخته لزوما نخواست برای اینها از الکل تقلبی استفاده کند. فروشنده یا ساقی و سازنده مشروب رفته با اطمینان از جمهوری اسلامی یک شیشه الکل طبی خریده با این تصور که این الکل خوراکی است؛ اما...»

● «چون خوردن الکل حرام است، بخشی از بدنه حکومت برای اینکه مصرف‌کنندگان مشروب مجازات شوند، هر از چند گاهی به الکل‌های طبی خوراکی در بازار، درصدی مواد افزودنی مثل متانول اضافه می‌کنند... در حالی که فروشنده مشروب و فروشنده الکل از این موضوع اطلاع ندارند! اما ناگهان می‌بینید در کردستان، خوزستان، تهران یا شیراز یک دوره مسمومیت با الکل اتفاق می‌افتد!»

فیروزه نوردستروم- مصرف مشروبات الکلی تقلبی در ایران باز هم چندین قربانی و آسیب‌دیده گرفت. اینهم از آن موارد پیش‌پافتاده در جوامع عادی است که جمهوری اسلامی آن را برای شهروندان ایران به مشکل و حتا خطر مرگبار تبدیل کرده است. خسرو حسن‌زاده هنرمند نقاش یکی از ۶۴۴ شهروندی است که سال گذشته به علت مسمومیت الکل، جان خود را از دست داد. اوایل اردیبهشت امسال نیز مشروب تقلبی ۲۹ پزشک شیرازی را روانه بیمارستان کرد؛ یکی از آنها دکتر فرزانه اکبری متخصص پوست و مو بود که بر اثر مسمومیت جان سپرد.

اما حادثه اخیر در شیراز، اولین و آخرین فاجعه در مورد مسمومیت و مرگ با مصرف مشروبات الکلی نخواهد بود. با اینهمه این پرسش پیش می‌آید که چطور پزشکی که آن را مصرف کرده‌اند قادر به تشخیص مشروب تقلبی از غیرتقلبی نبودند. آیا عمدی در تولید مشروبات تقلبی در کار است؟ چرا افراد پس از خوردن مشروبات تقلبی دیر به بیمارستان مراجعه می‌کنند؟ کیهان لندن این پرسش‌ها را با دکتر علیرضا م. پزشک متخصص بیماری‌های گوارشی در ایران مطرح کرده است.

● لطفا ابتدا در مورد تفاوت دو الکل اتانول و متانول کمی توضیح دهید.

-الکل متیلیک یا الکل چوب یا متانول سمی است در حالی که الکل اتانول یا اتیلیک می‌تواند خوراکی باشد. امروز متانول را به صورت صنعتی تولید می‌کنند و بیشتر

آرش روشن: خیزش «زن، زندگی، آزادی» زندگی مرا تغییر داد



ویدئو

آرش روشن که با نام هنری آرش روی صحنه می‌رود و مهندس کامپیوتر است، می‌گوید خیزش «زن، زندگی، آزادی» زندگی او را تغییر داد و در حمایت از این حرکت مردمی گسترده بود که به هنر طنز روی آورد.

احمد رأفت با آرش روشن که اخیراً در لندن نیز روی صحنه حضور پیدا کرد، گفتگویی انجام داده است.

در این روزهای بسیاری از شهرهای اروپا میزبان استندآپ کمدی‌های آرش روشن هزمنند شیرازی ساکن سن دیگو در کالیفرنیا هستند. در استندآپ کمدی که برخی انرا به «شوخی روی صحنه» ترجمه کرده‌اند، اجراکننده مستقیم با حضاران صحبت می‌کند و با اجرای سریعی از روایت‌های کوتاه و طنز و شوخی‌های کوتاه و گذرا همراه با بداهه‌گویی، مسائل و مشکلات اجتماعی را به چالش می‌کشد.

خیلی زیاد بود من خودم چند بار گرفتم. قیمت‌اش هم خیلی بالاتر از قیمت تهران بود، برندهای معروفی مثل «جانی واکر» اما اینها ناراحتی کلیه یا کوری ایجاد نمی‌کرد، چون الکل صنعتی نبود، معمولا الکل‌های سفید موجود در بازار را با آب و رنگ و طعم‌دهنده مخلوط می‌کردند، وقتی این مشروب را می‌خوردی فقط از گیرایی آن متوجه می‌شدی که تقلبی است، بیشتر خواب‌آور بودند. گاهی هم در داخل اینها قرص خواب می‌ریختند، صبح هم سردرد به سراغم می‌آمد؛ بعد از این تجربه‌ها دیگر از شمال مشروب نمی‌خریدم.»

به گفته این پزشک، یکسری کارخانجات زیرزمینی در جنوب تهران و حوالی قزوین مشروبات تقلبی با شیشه‌های مشابه اصل با دستگاه‌های پلمب عین اصل تولید می‌کنند و حتی از پلمب هم نمی‌توان فهمید این مشروب تقلبی هستند.

با اینهمه قانون و مقررات و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که جمهوری اسلامی برای تولید و فروش و مصرف الکل در کشور به وجود آورده و با وجود پیامدهای آسیب‌زا و حتا مرگبار مشروبات تقلبی، ایران یکی از کشورهای پرمصرف‌کننده مشروبات الکلی به شمار می‌رود که میزان مصرف سرانه معتادان آن بیش از معتادان به الکل در اروپاست.

داخل یک بطری از الکل طبی ۱۰ سی‌سی متانول اضافه شده باشد و همه آن بطری را یک نفر بخورد، ابتدا تصور نمی‌کند مسموم شده ولی صبح روز بعد دچار تنگی‌نفس و اسیدوز می‌شود. برخی اوقات دو روز بعد به پزشک مراجعه می‌کنند؛ ولی اگر همان ابتدا متوجه وجود متانول شوند و ۶ تا ۱۲ ساعت اول مراجعه کنند می‌توان فرد را دیالیز و متانول را خارج کرد. از طرفی علائم مسمومیت با علایم مستی مثل تهوع و سردرد یکی است.

این پزشک در پایان این گفتگو توضیح داد: «طی دو دهه اول پس از انقلاب تا اواخر دهه ۷۰ مشروب پلمب شده نداشتیم. البته این نوع مشروب به کشور وارد می‌شد ولی تعدادشان زیاد نبود و بیشتر مشروبات باز در بازار بود. بعضی‌ها در خانه‌های خود عرق کشمش و شراب می‌انداختند. در دوره دانشجویی که در شمال بودم همیشه مشروبات به صورت باز بود؛ مشروب شیشه‌ای و پلمب شده خیلی محدود می‌آمد و قیمت بالایی داشت، عموم مردم هم استفاده نمی‌کردند. از دهه ۸۰ به بعد کم‌کم مشروب پلمب‌شده با چراغ سبز جمهوری اسلامی به صورت گسترده وارد ایران شد که سود آن پشت پرده به جیب خودشان می‌رفت و همچنان هم می‌رود. از آن زمان یک ارمنی برای من مشروبات خوبی می‌آورد ولی در بازار، تقلبی هم بود. اما در شمال، مشروب تقلبی پلمب شده

موجود در داروخانه‌ها و سهمیه وزارت بهداشت، الکل چوب وجود داشته باشد بسیار کم است. داروخانه‌ها هم این الکل‌ها را به عنوان الکل طبی با قیمت بسیار بالا به بعضی افراد می‌فروشند؛ اما ناگهان می‌بینید در کردستان، خوزستان، تهران یا شیراز یک دوره مسمومیت با الکل اتفاق می‌افتد.

● بسیاری از مردم می‌گویند این مسمومیت‌ها مانند حملات شیمیایی به دانش‌آموزان عمدی است و عوامل حکومت پشت آن قرار دارند.

آن فردی که این مشروب‌ها را به میزبان آن مهمانی فروخته لزوماً نخواست به اینها از الکل تقلبی استفاده کند. فروشنده یا ساقی و سازنده مشروب رفته با اطمینان از جمهوری اسلامی یک شیشه الکل طبی خریده با این تصور که این الکل خوراکی است؛ بعد کمی قند می‌جوشانند با این الکل مخلوط می‌کنند که یک رنگ زرد پایدار پیدا می‌کند؛ یکسری طعم‌هایی هم به آن اضافه می‌کنند و در شیشه‌هایی که از زباله‌گردها یا برخی افراد با قیمت گزاف خریدند می‌ریزند. برچسب‌ها را هم چاپ می‌کنند و همراه باندرول و به اسم «جانی واکر» یا «بلک اند وایت» به مشتری می‌فروشند! آنهم با این تصور که خطری ندارد چون الکل خوراکی است با کمی قند و چاشنی. یک شیشه «جانی واکر» تقلبی را که اینطوری تهیه شده ۸۰۰ هزار تومان تا یک میلیون می‌فروشند. اما سازنده مشروب از روی قصد و غرض، مشروب تقلبی درست نکرده تا مشتری خود را از دست بدهد! آنها نمی‌دانند که از سرمشأ این الکل، آلوده به متانول است که افراد می‌توانند با خوردن آن راهی بیمارستان شوند. برای هر بطری، ۲۰ درصد الکل متانول اضافه شده که اگر یک لیوان بخورید اتفاقی نمی‌افتد ولی با خوردن بیشتر از یک لیوان تا یک بطری، مسمومیت ظاهر می‌شود اما نه بلافاصله؛ بلکه خیلی دیرتر، دو سه روز بعد و در فاصله زمانی که متانول دیگر به اعصاب چشم و کلیه چسبیده است.

● چرا برخی مصرف‌کنندگان پس از نوشیدن مشروبات تقلبی دیر به بیمارستان مراجعه می‌کنند؟

اغلب مصرف‌کنندگان این مشروب‌ها به دلیل مشکلات قانونی یا به مراکز درمانی مراجعه نمی‌کنند یا دیر مراجعه می‌کنند و بیشتر در معرض خطر قرار می‌گیرند. وقتی خبرگزاری فارس خواستار ابطال پروانه طبابت و اجرای حد شرعی در خصوص پزشکان مسموم شده، احتمال ابطال پروانه پزشکی این افراد کم نیست. آنوقت می‌گویند چرا متخصصان از کشور مهاجرت می‌کنند! وقتی تا این حد ناامنی برای یک پزشک ایجاد می‌کنند آنها هم فرار و مهاجرت را بر ماندن در کشور ترجیح می‌دهند. در بیمارستان‌ها یک زمانی پس از آنکه این افراد، درمان می‌شدند احکام اسلامی در مورد آنها اجرا می‌شد که معمولا شلاق یا زندان را باز خرید می‌کنند. بارها شاهد بودم وقتی افراد پس از نوشیدن الکل تقلبی دچار عوارض می‌شدند، کسی آنها را به بیمارستان نمی‌برد چون آنجا یک نیروی حراستی بود که مشخصات آنها را می‌گرفت و تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، به همین دلیل اغلب این افراد از ترس مجازات شرعی به بیمارستان مراجعه نمی‌کردند و دچار کوری یا مرگ می‌شدند. بیماری داشتم خواهرش ۴-۳ روز بعد او را به بیمارستان آورده بود، به سرعت دیالیز کردیم ولی کور شد. بنابراین پس از پایان مهمانی هم متوجه نمی‌شوید که مسموم شده‌اید. مسمومیت هیچگاه در مهمانی اتفاق نمی‌افتد.

۱۰ سی‌سی متانول، کوری دائمی ایجاد می‌کند. اگر

روزهای دشوار جمهوری اسلامی با دولت بی‌رئیس و جایگزینی مجلس یازدهم با دوازدهم!



برگزاری نشست هیئت دولت در نخستین روز پس از مرگ ابراهیم رئیسی / دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

در دست خواهد گرفت. بر همین اساس هم ساعتی پس از اعلام مرگ ابراهیم رئیسی در روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه، علی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت کشته شدن ابراهیم رئیسی و هیئت همراه او در سانحه هلی‌کوپتر روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در استان آذربایجان شرقی، «پنج روز عزای عمومی» در کشور اعلام نمود و محمد مخبر دزفولی را به عنوان کفیل ریاست جمهوری منصوب کرد.

رهر جمهوری اسلامی در پیام خود گفته که سکندار جدید قوه مجریه «موظف است به همراهی رؤسای قوای مقننه و قضائیه ترتیبی دهند که ظرف حداکثر پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود.»

در این شرایط محمد مخبر دزفولی به همراه غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه، و سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی باید تا ۱۸ تیرماه روند برگزاری انتخاباتی زودهنگام را برای انتخاب رئیس جمهور جدید و تشکیل دولت جدید جمهوری اسلامی فراهم کنند.

محمد مخبر بلافاصله پس از انتصابش از طرف علی خامنه‌ای به عنوان کفیل ریاست جمهوری اولین جلسه فوق‌العاده سران قوا را برگزار کرد. محمدباقر قالیباف و غلامحسین محسنی اژه‌ای نیز در این نشست بر «همکاری کامل» با مخبر برای «انجام وظایف قوه مجریه» تاکید کردند. این در حالیست که روز چهارشنبه دوم خردادماه آخرین روز فعالیت مجلس یازدهم خواهد بود. نمایندگان جدیدی که در دو دور انتخابات در اسفندماه و اردیبهشت‌ماه امسال گزینش شدند، از روز هفتم خردادماه و با افتتاح مجلس دوازدهم شورای اسلامی آغاز به کار خواهند کرد.

پیش از مرگ رئیسی، رقابت سنگینی میان جریان‌های اصولگرایی راه یافته به مجلس برای تصرف کرسی ریاست و دیگر کرسی‌های هیئت رئیسه مجلس در جریان بود. اکنون اما مشخص نیست آیا این رقابت‌ها با خواست ←

گسترده‌ای به کسب و کارها شد اما مرگ او در شرایطی که جمهوری اسلامی با بحران‌های مختلفی روبروست، برای علی خامنه‌ای یک خُسران قابل توجه است.

علی خامنه‌ای به سختی توانسته طی سال‌های گذشته و بطور خاص از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ تا کنون مشروعیت جمهوری اسلامی را که روز به روز کاهش می‌یابد حفظ کند. حکومت وی این روزها بیش از همیشه با بحران‌های پیچیده و بهم تنیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبروست. کشته شدن ابراهیم رئیسی و وزیر خارجه‌اش با هر سناریویی که روی داده باشد، بحرانی دیگر برای رژیم است که اساسا از بحران تغذیه می‌کند!

شکاف در میان جریان‌ها و جناحین حکومت افزایش یافته و در آنسو سیاست خارجی جمهوری اسلامی با وضعیتی ناپایدار روبروست. نارضایتی عمومی از حکومت به دلیل مشکلات اقتصادی در حال افزایش است و موج جنبش ملی مردم علیه حکومت، اگرچه در خیابان ادامه ندارد، اما در زیر پوست جامعه ایران در جریان است.

در چنین شرایطی، مرگ رئیس دولت و وزیر امور خارجه می‌تواند با تهدید در رابطه با تزلزل بیشتر در ساختار حکومت و شدت گرفتن درگیری‌های درون‌حکومتی و تشدید بن‌بست‌ها در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی همراه باشد.

هرچند قانون اساسی پیش‌بینی‌هایی برای غیبت یا فقدان ناگهانی رئیس جمهوری دارد اما اینکه در شرایط کنونی این پیش‌بینی چقدر از تهدیدهایی را که حول حکومت علی خامنه‌ای می‌چرخد برطرف کند، با ابهام روبروست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۳۱ برای مواردی که سبب بی‌رئیس شدن دولت شود، از جمله مرگ، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری طولانی‌مدت رئیس جمهوری، پیش‌بینی کرده که در اینصورت معاون اول رئیس‌جمهور با موافقت رهبر جمهوری اسلامی امور دولت را بطور موقت

● علی خامنه‌ای به سختی توانسته طی سال‌های گذشته و بطور خاص از اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ تا کنون مشروعیت جمهوری اسلامی را که روز به روز کاهش می‌یابد حفظ کند. حکومت وی این روزها بیش از همیشه با بحران‌های پیچیده و بهم تنیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبروست. کشته شدن ابراهیم رئیسی و وزیر خارجه‌اش با هر سناریویی که روی داده باشد، بحرانی دیگر برای رژیم است که اساسا از بحران تغذیه می‌کند!

● این در حالیست که روز چهارشنبه دوم خردادماه آخرین روز فعالیت مجلس یازدهم خواهد بود. نمایندگان جدیدی که در دو دور انتخابات در اسفندماه و اردیبهشت‌ماه امسال گزینش شدند، از روز هفتم خردادماه و با افتتاح مجلس دوازدهم شورای اسلامی آغاز به کار خواهند کرد.

● ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری نیز در حالی روز سه‌شنبه اول خردادماه آغاز به کار می‌کند که ابراهیم رئیسی و محمدعلی آل‌هاشم، امام جمعه تبریز، دو عضو این دوره مجلس خبرگان رهبری بودند که روز یکشنبه در سانحه سقوط هلی‌کوپتر همراه با ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه در استان آذربایجان شرقی کشته شدند.

با مرگ ابراهیم رئیسی و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی هیئتی متشکل از معاون اول ریاست جمهوری، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای اسلامی وظیفه دارند طی ۵۰ روز انتخابات زودهنگام برگزار کنند. این در حالیست که دو روز دیگر فعالیت مجلس یازدهم به پایان می‌رسد و از هفته آینده مجلس جدید آغاز به کار خواهد کرد و در نتیجه انتخاب رئیس جدید مجلس شورای اسلامی نیز امری زمانبر است.

ابراهیم رئیسی هر چند رئیس دولت کارآمدی برای کشور و مردم نبود و عملکرد او و تیم‌اش به ویژه در حوزه اقتصاد سبب تحمیل فشارهای معیشتی زیادی به مردم و زیان

حمایت بشار اسد از حق حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی در نشست اتحادیه عرب!



دیدار محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با بشار اسد در حاشیه نشست اتحادیه عرب / ماه مه ۲۰۲۴

سخنرانی داشته باشد. اما طبق معمول یکی از بندهای بیانیه پایانی این کنفرانس تأیید «حق حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی» در خلیج فارس بود. سیدحسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس» و عضو پیشین تیم مذاکره کننده هسته‌ای رژیم که به عنوان پژوهشگر در دانشگاه پرینستون آمریکا به سود رژیم فعال است امروز ۲۹ اردیبهشت در متنی با عنوان «خبری عبرت آموز» در «ایکس» نوشت: «بشار اسد همراه با سایر کشورهای عربی، بیانیه حمایت از تعلق جزائر سه گانه ایرانی به امارات را امضا کرد!»

در واکنش به این بیانیه سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی صرفاً «بند مربوط به جزایر سه گانه ایرانی» در بیانیه نشست سران اتحادیه عرب را محکوم کرد اما هیچ اشاره‌ای به حمایت بشار اسد از حق حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی نکرده است.

ناصر کنعانی ۲۷ اردیبهشت ماه اعلام کرد، «به دفعات تصریح و تأکید شده است که جزایر سه گانه ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک جزء لاینفک و ابدی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران بوده و طرح اینگونه ادعاهای بی اساس در این بیانیه مردود است». همزمان وی «از بندهای بیانیه در دفاع از مردم مظلوم فلسطین و محکومیت جنایات جنگی رژیم صهیونیستی در نوار غزه» استقبال کرد.

محمود چهارباغی فرمانده توپخانه سپاه در سوریه، ششم مهر ۱۳۹۸ در یک سخنرانی گفته بود، «حضرت آقا حاج قاسم را فرستاد گفت برو بشار اسد را حفظ کن».

اواسط امرداد ۱۴۰۲ برخی منابع غیررسمی بر اساس یک سند «سری» مربوط به «نهاد ریاست جمهوری» فاش کردند که رژیم ایران دست کم ۵۰ میلیارد دلار در جنگ داخلی سوریه هزینه کرده است. حشمت الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز شهریور ۱۳۹۹ در یک مصاحبه گفته بود، در یک دهه گذشته جمهوری اسلامی حدود «۳۰ میلیارد دلار» در سوریه هزینه کرده است.

● سی و سومین نشست سران کشورهای عربی پنجشنبه ۱۶ ماه مه (۲۷ اردیبهشت ماه) در منامه پایتخت بحرین برگزار شد. محور اصلی این نشست جنگ غزه بود و در بیانیه پایانی رهبران عرب خواستار توقف جنگ و خروج نظامیان اسرائیل از غزه شدند.

● بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه که با چراغ سبز عربستان سعودی مدتی است دوباره در جمع رهبران عرب پذیرفته شده در این نشست حضور داشت اما سخنرانی نکرد. وبسایت خبری شبکه «العالم» به نقل از منابع دولتی سوریه مدعی شد او خودش نخواست در این نشست سخنرانی داشته باشد.

● طبق معمول یکی از بندهای بیانیه پایانی این کنفرانس تأیید «حق حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی» در خلیج فارس بود.

با وجود حمایت‌های مالی و نظامی بی‌شائبه‌ی جمهوری اسلامی از بشار اسد رئیس جمهوری سوریه برای ماندن در قدرت، وی از حق حاکمیت امارات بر جزایر سه گانه ایرانی حمایت می‌کند.

سی و سومین نشست سران کشورهای عربی پنجشنبه ۱۶ ماه مه (۲۷ اردیبهشت ماه) در منامه پایتخت بحرین برگزار شد. محور اصلی این نشست جنگ غزه بود و در بیانیه پایانی رهبران عرب خواستار توقف جنگ و خروج نظامیان اسرائیل از غزه شدند.

رهران ۲۲ عضو این اتحادیه در بیانیه پایانی این نشست خواستار «حفاظت بین‌المللی و حضور نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در اراضی اشغالی فلسطینی تا اجرای راه حل ایجاد دو دولت شدند».

بشار اسد رئیس جمهوری رژیم سوریه که با چراغ سبز عربستان سعودی مدتی است دوباره در جمع رهبران عرب پذیرفته شده در این نشست حضور داشت اما سخنرانی نکرد. وبسایت خبری شبکه «العالم» به نقل از منابع دولتی سوریه مدعی شده است که او خودش نخواست در این نشست

→ خامنه‌ای و برای «مصلحت حکومت» آرام می‌گیرد یا با شدت بیشتری جریان خواهد داشت؛ با اینهمه آنچه مشخص است برگزاری انتخابات هیئت رئیسه مجلس دست کم چند روز پس از شروع به کار زمان خواهد برد. سردار محمدباقر قالیباف همچنان نماینده مجلس دوازدهم هم باقی خواهد ماند اما رقبای سرسختی دارد که کار او را برای رسیدن به مقام ریاست مجلس دشوار می‌کنند. یکی از احتمالات چراغ سبز خامنه‌ای برای ماندگاری محمدباقر قالیباف در ریاست مجلس شورای اسلامی، با هدف عدم تغییر در هیئتی است که باید انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کند.

برخی احتمالات درباره صدور حکم حکومتی از سوی علی خامنه‌ای برای تمدید زمان فعالیت مجلس یازدهم هم مطرح بود که اظهارات یک عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نشان داد دست کم فعلاً چنین موضوعی مطرح نیست. مجتبی یوسفی عضو کنونی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که «مراسم اختتامیه مجلس یازدهم و مراسم افتتاحیه مجلس دوازدهم که بنا بود به ترتیب در روزهای چهارشنبه دوم خرداد و دوشنبه هفتم خرداد برگزار شود در زمان مقرر و طبق برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شود». هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان نیز اعلام کرده که انتخابات ریاست جمهوری باید ظرف ۵۰ روز برگزار شود و «رئیس جمهور منتخب مردم رئیس جمهوری است که یک دوره چهار ساله را آغاز خواهد کرد، لذا باید گفت منتخب بعدی برای چهار سال رئیس جمهور کشور خواهد بود». دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری قرار بود در سال ۱۴۰۴ برگزار شود که با کشته شدن ابراهیم رئیسی در روز ۳۰ اردیبهشت، این انتخابات باید امسال برگزار شود. با توجه به مشارکت بسیار پایین مردم در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و دو دور انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند پارسال و اردیبهشت امسال، به نظر می‌رسد انتخابات این دوره صرفاً رقابتی سرسخت میان جناحین و جریان‌های حکومتی باشد تا زودتر از موعد بتوانند نامزد مورد نظر خود را راهی ریاست دولت کنند.

در آنسو ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری نیز در حالی روز سه‌شنبه اول خردادماه آغاز به کار می‌کند که ابراهیم رئیسی و محمدعلی آل‌هاشم، امام جمعه تبریز، دو عضو این دوره مجلس خبرگان رهبری بودند که روز یکشنبه در سانحه سقوط هلی‌کوپتر همراه با ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه در استان آذربایجان شرقی کشته شدند. همزمان با مراسم افتتاحیه مجلس ششم خبرگان رهبری، هیئت رئیسه سنی تشکیل می‌شود که شامل رئیس، نایب رئیس و ۲ منشی است و پس از آن هیأت رئیسه دائم با انتخاب اعضا شکل می‌گیرد.

هیأت رئیسه دائم خبرگان رهبری نیز شامل ۷ نفر است که عبارتند از رئیس، دو نایب رئیس، دو منشی و دو کارپرداز. دوره نمایندگی اعضای مجلس خبرگان رهبری ۸ سال و تعداد نمایندگان این مجلس ۸۸ نفر است.

ابراهیم رئیسی به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی ریاست مجلس خبرگان رهبری شناخته می‌شد که از مدت‌ها پیش به عنوان جانشین علی خامنه‌ای و رهبر بعدی جمهوری اسلامی نیز نام وی مطرح بود. حالا با کشته شدن وی، به نظر می‌رسد رقابت اصلی میان محمدرضا مدرسی یزدی، هاشم حسینی بوشهری و علی موحدی کرمانی برقرار خواهد بود. این دوره از مجلس خبرگان رهبری با توجه به کھولت و بیماری علی خامنه‌ای از این نظر پراهمیت است که احتمال دارد گزینش رهبر بعدی جمهوری اسلامی از سوی نمایندگان این دوره از مجلس خبرگان رهبری صورت بگیرد.

چه کسانی «مرگ هیولا» و «قصاب تهران» را تسلیت گفتند؟ از رهبران گروه‌های تروریستی و پوتین تا پاپ و جوزپ بورل و کیم جونگ اون



سوغواری نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رئیس در آخرین جلسه علنی مجلس یازدهم

ایران در انتخابات، رئیس‌جمهور جدید را انتخاب خواهند کرد، ما مجدداً بر حمایت خود از مردم ایران و مبارزه آنها برای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأکید می‌کنیم.»

یک سخنگوی وزارت خارجه بایدن در جریان کنفرانس خبری گفت، «بعد از سانحه هلی‌کوپتر جمهوری اسلامی از ما درخواست کمک کرد و ما هم قبول کردیم ولی به خاطر مسائل لجستیک انجام نشد.»

تسلیت به جمهوری اسلامی در این کنفرانس خبری، برای ماتئو میلر حاشیه‌ساز شد و خبرنگاران او را سؤال پیچ کردند. آنها پرسیدند، «آیا این تسلیت گفتن با هدف بهبود روابط با جمهوری اسلامی است؟ یا با مذاکرات محرمانه در عمان ارتباط دارد؟» میلر این ادعا را رد کرد و مجبور شد به نقش رئیس در نقض حقوق بشر اشاره کند. وی توضیح داد «ما از جان باختن این افراد متأسفیم و نمی‌خواهیم شاهد مرگ کسی در سقوط هلی‌کوپتر باشیم، با اینهمه نمی‌توان از عملکرد گذشته او به عنوان قاضی و رئیس جمهوری ایران چشم‌پوشی کرد و اینکه دست‌های او به خون آلوده است.»

اما ماجرا اینجا تمام نشد و مت لی خبرنگار آسوشیتدپرس با کنایه از میلر پرسید: «آیا می‌گویید کسی نیست که آمریکا از کشته شدن او در یک سانحه هوایی بدش نیاید؟ واقعاً هیچوقت نبوده؟ اصلاً؟»

میلر پاسخ داد: «در این هلی‌کوپتر افرادی بودند که خانواده داشتند. ما فکر می‌کردیم که [براز تسلیت] اقدامی مناسب است.» جان کربی سخنگوی کاخ سفید نیز مرگ رئیس را تسلیت گفت، اما تأکید کرد که وی مسئول نقض شدید حقوق بشر در کشورش بود. کربی افزود، «به عنوان مثال دستگیری و خشونت فیزیکی علیه صدها معترض و البته که او مسئول حمایت‌هایی است که [رژیم] ایران به شبکه‌های تروریستی در سراسر منطقه ارائه کرد.»

کربی ادامه داد، «بدون شک او مردی بود که دستش

کشورشان و دستاوردهای انقلاب اسلامی کرد.»

برخی نهادها و رهبران سیاسی در غرب نیز مرگ رئیس را تسلیت گفتند، از سخنگوی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که پیام خود را به زبان فارسی در ایکس منتشر کرد تا پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان که در پیامی مکتوب به علی خامنه‌ای برای «ارواح درگذشتگان» طلب مغفرت کرد. وی در این پیام نوشت، «برای کسانی که در این ضایعه سوگوار شده‌اند، خصوصاً خانواده‌های درگذشتگان دعا می‌کنم و در این دوره دشوار با ملت [ایران] ابراز نزدیکی معنوی می‌کنم.» رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در کنفرانس بین‌المللی امنیت هسته‌ای که ۲۰ ماه مه (۳۱ اردیبهشت) برگزار شد از شرکت‌کنندگان خواست برای ادای احترام و ابراز تسلیت به خاطر مرگ رئیس و امیرعبداللهیان یک دقیقه سکوت کنند.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با انتشار پیامی سانحه هلی‌کوپتر را «غم‌انگیز» خواند و گفت، «اتحادیه اروپا با خانواده‌های قربانیان و شهروندان ایرانی متأثر از این حادثه ابراز همدردی می‌کند.»

چارلز میشل رئیس شورای اروپا در شبکه «ایکس» تسلیت صمیمانه اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی و خانواده‌های کشته‌شدگان مقامات رژیم را اعلام کرد و نوشت: «اتحادیه اروپا درگذشت رئیس‌جمهور رئیس و عبداللهیان وزیر امور خارجه و سایر اعضای هیئت مربوطه و همچنین خدمه را در سانحه هلی‌کوپتر صمیمانه تسلیت می‌گوید. به یاد خانواده‌های آنها هستیم.»

وزارت خارجه فرانسه با صدور بیانیه‌ای درگذشت رئیس، امیرعبداللهیان و هیئت همراه را تسلیت گفت و با خانواده «قربانیان این سانحه ابراز همدردی» کرد.

ماتئو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پیامی مرگ رئیس را تسلیت گفت اما تأکید کرد، «در حالی که شهروندان

● مرگ ابراهیم رئیس در سقوط هلی‌کوپتر در ارتفاعات ورزقان در شمال استان آذربایجان شرقی، با واکنش‌های مختلف بین‌المللی مواجه شده است.

● رهبران گروه‌های تروریستی از جمله حماس، حشدالشعبی و حزب‌الله نخستین افرادی بودند که مرگ رئیس و همراهانش را تسلیت گفتند.

● کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در پیامی کشته شدن رئیس را «ضایعه بزرگ» برای «ایران» خواند و گفت: «او یک دولتمرد برجسته و یک دوست نزدیک» بود.

● پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان در پیامی مکتوب به علی خامنه‌ای برای «ارواح درگذشتگان» طلب مغفرت کرد. ● جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با انتشار پیامی سانحه هلی‌کوپتر را «غم‌انگیز» خواند و گفت، «اتحادیه اروپا با خانواده‌های قربانیان و شهروندان ایرانی متأثر از این حادثه ابراز همدردی می‌کند.»

● گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد در واکنش به یک دقیقه سکوت در جلسه اعضای شورای امنیت برای ابراهیم رئیس وی را «رئیس‌جمهور قتل‌عام» و مسئول کشتن هزاران نفر در ایران، اسرائیل و جهان خواند و گفت این اقدام منجرکننده است. وی از اعضای شورای امنیت پرسید: «اقدام بعدی چیست؟ یک دقیقه سکوت برای هیتلر اختصاص خواهند داد؟!»

● تام کاتن سناتور جمهوریخواه آمریکا گفت: «در دوران قصاب تهران، [رژیم] ایران تروریست‌ها را مسلح و به آنان کمک می‌کرد. ابراز تسلیت برای مرگ این هیولا مایه شرمساری است.»

مرگ ابراهیم رئیس در سقوط هلی‌کوپتر در ارتفاعات ورزقان در شمال استان آذربایجان شرقی، با واکنش‌های مختلف بین‌المللی مواجه شده است.

رهبران گروه‌های تروریستی از جمله حماس، حشدالشعبی و حزب‌الله نخستین افرادی بودند که مرگ رئیس و همراهانش را تسلیت گفتند. مقامات حماس با اشاره به حمایت‌های ابراهیم رئیس از فلسطین و حزب‌الله وی را «حافظ و حامی» گروه‌های ضد اسرائیل در منطقه نامیده و اعلام کردند که عزادار او هستند. دولت لبنان هم با ابراز تأسف سه روز عزای عمومی اعلام کرد. پادشاه و ولیعهد عربستان برای محمد مخبر دزفولی جانشین موقت رئیس‌پيام تسلیت فرستادند و ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه رئیس را «یک دوست واقعی و برادر» و «سیاستمدار برجسته» خواند. بشار اسد رئیس‌جمهوری رژیم سوریه نیز با ابراز تأسف بار دیگر بر همبستگی کشورش با جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد.

رؤسای جمهوری مصر، ونزوئلا، سریلانکا و پادشاه اردن، محمود عباس رئیس‌تشکیلات فلسطینی، رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، نیچروان بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق، اتحادیه عرب، نخست‌وزیر مالزی، دولت ژاپن مرگ رئیس را تسلیت به جمهوری اسلامی تسلیت گفتند. دولت هند و پاکستان از اینهم فراتر رفته و معلوم نیست به چه دلیل عزای عمومی اعلام کردند!

کیم جونگ اون رهبر کره شمالی نیز در پیامی کشته شدن رئیس را «ضایعه بزرگ» برای «ایران» خواند و گفت: «او یک دولتمرد برجسته و یک دوست نزدیک» بود که «کمک بزرگی به آرمان مردم ایران برای حفظ حاکمیت، توسعه و منافع

مذاکرات غیرمستقیم جمهوری اسلامی و آمریکا در عمان برای جلوگیری از افزایش درگیری‌ها در منطقه



تجمع هواداران نظام در تهران بعد از حمله سپاه پاسداران به اسرائیل

جمهوری اسلامی در این مذاکرات بوده است. آنها ادعا کردند، مذاکرات بر شفاف ساختن پیامدهای اقدامات جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن در منطقه و بحث درباره نگرانی‌های آمریکا در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران متمرکز بود. چند مقام جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر به احتمال حرکت نظام به سمت تولید سلاح هسته‌ای اشاره کردند. ودانت پاتل معاون سخنگوی وزارت خارجه دوشنبه ۲۴ اردیبهشت گفت که دولت بایدن راه‌هایی برای برقراری ارتباط با ایران در صورت لزوم دارد. وی گفت: «دولت بایدن به ارزیابی این موضوع ادامه می‌دهد که ایران در حال حاضر فعالیت‌های کلیدی لازم برای تولید یک دستگاه هسته‌ای قابل آزمایش را انجام می‌دهد یا نه.»

پاتل افزود که ایالات متحده معتقد نیست که رهبری جمهوری اسلامی ایران تصمیمی برای «از سرگرفتن برنامه تسلیحاتی که بر اساس ارزیابی ما در پایان سال ۲۰۰۳ تعلیق یا متوقف شده» گرفته است. کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا از اظهار نظر درباره مذاکرات در عمان خودداری کرده‌اند اما برخی منابع در داخل ایران این مذاکرات را به طرز خوشبینانه با احتمال «احیای برجام» مرتبط دانسته‌اند. آنهم در شرایطی که مقامات طرفین می‌گویند توافق اتمی تبدیل به یک پوسته توخالی شده است.

در شرایطی که آمریکا تلاش می‌کند از طریق دیپلماتیک جمهوری اسلامی را راضی به کاهش تنش‌ها کند، اسماعیل قاتنی در مراسم یادبود محمدهادی حاج‌رحیمی که ۲۶ اردیبهشت برگزار شد گفت، «همه جنایتکاران بداندند که اقدامات و جنایات‌شان به حساب‌شان نوشته شده است. فرانسه، آلمان و انگلیس فکر نکنند آن شب آمدند و هواپیماها را آوردند و قضیه تمام شد و رفت، بله، آن شب تمام شد اما حساب آنها سرچای خودش است.»

● برت مک‌گرگ مشاور ارشد دولت آمریکا در امور خاورمیانه و آبرام پیلی نماینده آمریکا در امور ایران به صورت غیرمستقیم با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره کردند. این گفتگوها تنها یک ماه پس از حمله موشکی بی‌سابقه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل انجام شد؛ حمله‌ای که خاورمیانه را در آستانه یک جنگ منطقه‌ای قرار داد. ● آنها ادعا کردند، مذاکرات بر شفاف ساختن پیامدهای اقدامات جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن در منطقه و بحث درباره نگرانی‌های آمریکا در مورد وضعیت برنامه هسته‌ای ایران متمرکز بود.

دو منبع آگاه به «آکسیوس» گفتند که دو مقام ارشد دولت بایدن این هفته با مقامات جمهوری اسلامی در عمان درباره چگونگی جلوگیری از افزایش حملات منطقه‌ای گفتگو کردند.

بر اساس این گزارش که ۱۷ ماه مه (۲۸ اردیبهشت) منتشر شد، برت مک‌گرگ مشاور ارشد دولت آمریکا در امور خاورمیانه و آبرام پیلی نماینده آمریکا در امور غیرمستقیم با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره کرده‌اند. این گفتگوها تنها یک ماه پس از حمله موشکی بی‌سابقه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل انجام شد؛ حمله‌ای که خاورمیانه را در آستانه یک جنگ منطقه‌ای قرار داد.

مقامات آمریکایی بر این گمان هستند که جمهوری اسلامی نفوذ زیادی بر نیروهای نیابتی خود در منطقه دارد. اینها عبارتند از حزب‌الله لبنان، شبه‌نظامیان وابسته به سپاه در سوریه و عراق که حملاتی را علیه نیروهای آمریکایی انجام داده‌اند و حوثی‌ها در یمن که هنوز به کشتی‌ها در دریای سرخ حمله می‌کنند.

این منابع به آکسیوس گفتند که مک‌گورک و پیلی روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت وارد عمان شدند و با میانجی‌های عمان دیدار کردند. مشخص نیست چه کسی نماینده

→ به خون بسیاری از افراد آلوده است اما همانطور که در هر شرایط مشابهی انجام می‌دهیم، قطعاً بطور کلی بابت جان باخت هر فردی که باشد متأسف هستیم و در صورت اقتضا تسلیت رسمی می‌گوییم.»

پیام‌های تسلیت و همدردی از سوی نهادها و مقامات غربی به جمهوری اسلامی با واکنش‌های منفی زیادی روبرو شده است. گابریلیوس لاندسبرگس وزیر خارجه لیتوانی در واکنش به مرگ رئیسی در «ایکس» نوشت، «در زمانی که [رژیم] ایران پهنادهای مورد استفاده علیه غیرنظامیان در اوکراین را ارسال می‌کند، احساس همدردی نمی‌کنم.»

اقدام بعدی سکوت برای هیتلر؟!!

گیلعاد اردان سفیر اسرائیل در سازمان ملل متحد در واکنش به یک دقیقه سکوت در جلسه اعضای شورای امنیت برای ابراهیم رئیسی وی را «رئیس جمهور قتل عام» و مسئول کشتن هزاران نفر در ایران، اسرائیل و جهان خواند و گفت این اقدام منجرکننده است. وی از اعضای شورای امنیت پرسید: «اقدام بعدی چیست؟ یک دقیقه سکوت برای هیتلر اختصاص خواهند داد؟!»

تسلیت برای «مرگ هیولا»

جونی ارنست سناتور جمهوریخواه با انتقاد از پیام تسلیت دولت بایدن به جمهوری اسلامی رئیسی را «قصاب تهران» خواند و نوشت: «رئیس جمهوری ایالات متحده نباید به دشمن ما تسلیت بگوید.»

تام کاتن دیگر سناتور جمهوریخواه نیز گفت: «در دوران قصاب تهران، [رژیم] ایران تروریست‌ها را مسلح و به آنان کمک می‌کرد. ابراز تسلیت برای مرگ این هیولامایه شرمساری است.» وی خطاب به دولت بایدن در «ایکس» نوشت، «در حالی که دشمن تسلیت می‌گوید که آنها شعار مرگ بر آمریکا می‌دهند و از هیچ کوششی برای کشتن مقامات و شهروندان آمریکایی کوتاهی نمی‌کنند.»

خیرت ویلدرس سیاستمدار هلندی در واکنش به پیام چارلز میشل رئیس شورای اروپا نوشت: «از طرف من تسلیت نگو!» همسو با وی دیوید لگا نماینده سوئدی پارلمان اروپا نیز از جوزپ بورل پرسید: «آیا می‌توانی دوباره به چشمان زنان شجاع و مبارزان آزادی ایران نگاه کنی؟ آیا می‌توانی دوباره به چشمان خانواده فلودروس یا جلالی نگاه کنی؟ من می‌توانم. شرم بر شما!»

راب روز نماینده مستقل پارلمان اروپا نیز ابراز همبستگی اتحادیه اروپا را «توهین به مردم ستمدیده ایران» خواند و چارلی وایمرز نماینده سوئد در پارلمان اروپا در پست‌های متعدد تسلیت‌گویندگان از جمله جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا را خطاب قرار داده و نوشت که به اسم او تسلیت نگوید. انتقادات علیه مقامات ارشد اتحادیه اروپا برای تسلیت به جمهوری اسلامی زیاد است. آسیتا کانکو نماینده پارلمان اروپا از حزب «اتحاد جدید فلامان» گفت از ابراز همدردی اتحادیه اروپا «شوکه شده» و تتو فرانکن وزیر سابق مهاجرت بلژیک «تسلیت اروپایی‌ها به خاطر مرگ یک قصاب و یک قاتل زنجیره‌ای بی‌رحم» را محکوم کرد. وی افزود: «شما از طرف من صحبت نمی‌کنید.»

هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌پیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت‌ماه در ارتفاعات ورزقان در استان آذربایجان شرقی سقوط کرد و همه سرنشینان آن کشته شدند. طبق اعلام علی خامنه‌ای و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی بطور موقت محمد مخبر دزفولی معاون اول رئیسی جانشین او شده تا در فاصله پنجاه روز که تیرماه ۱۴۰۳ خواهد بود انتخابات برای گزینش رئیس جمهور جدیدی برگزار شود که چهار سال ریاست دولت را بر عهده خواهد داشت.

معاون امنیتی وزیر کشور بریتانیا گزارش بی‌بی‌سی در مورد ابراهیم رئیسی را «چرند» خواند



گزارش بی‌بی‌سی از «سوگواری ایرانی‌ها» برای ابراهیم رئیسی

● تام توگندها معاون امنیتی وزیر کشور و عضو پارلمان بریتانیا در واکنش به مقاله بی‌بی‌سی بین‌المللی درباره احساس ایرانی‌ها نسبت به ابراهیم رئیسی و «میراث» وی، طی پیامی در شبکه «ایکس» آن را «چرند» خواند.

● جیم بتل عضو مجلس اعیان پارلمان بریتانیا نیز ادعاهای مطرح شده در این گزارش را «اشتباه عظیم» خواند و خواستار حذف آن شد.

● منتقدان این مقاله می‌گویند، نویسنده تلاش کرده جنایات و اقدامات تبهکارانه‌ی ابراهیم رئیسی را در طول چهار دهه مسئولیت‌های بالایی که در جمهوری اسلامی داشته، سفیدشویی کند و حتی با نگاهی مثبت از نقش وی در اصلاحات قضایی صحبت شده است در حالی که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی یکی از ارکان اصلی حکومت در نقض بی‌رحمانه‌ی حقوق بشر و بی‌عدالتی علیه مردم ایران است.

● در موردی دیگر فاطمه حقیقت‌جو نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم که در آمریکا ساکن است به عنوان مهمان این شبکه «فوت رئیسی» را به همسر و دخترانش تسلیت گفت. تام توگندها معاون امنیتی وزیر کشور و عضو پارلمان بریتانیا در واکنش به مقاله بی‌بی‌سی بین‌المللی درباره احساس ایرانی‌ها نسبت به ابراهیم رئیسی و «میراث» وی، طی پیامی در شبکه «ایکس» آن را «چرند» خواند. نویسنده این گزارش یکی از کارکنان بخش فارسی بی‌بی‌سی به نام «ژیا گل» است.

همچنین جیم بتل عضو مجلس اعیان پارلمان بریتانیا ادعاهای مطرح شده در این گزارش را «اشتباه عظیم» خواند و خواستار حذف آن شد.

منتقدان این مقاله می‌گویند، نویسنده تلاش کرده جنایات و اقدامات تبهکارانه‌ی ابراهیم رئیسی را در طول چهار دهه مسئولیت‌های بالایی که در جمهوری اسلامی داشته، سفیدشویی کند و حتی با نگاهی مثبت از نقش وی در اصلاحات قضایی صحبت شده است در حالی که دستگاه قضایی جمهوری اسلامی یکی از ارکان اصلی حکومت در نقض بی‌رحمانه‌ی حقوق بشر و بی‌عدالتی علیه مردم ایران است.

سطح پایین مهمانان خارجی حاضر در مراسم «ادای احترام» به رئیسی؛ نه اسد آمد و نه اردوغان و لوکاشنکو

● سطح پایین رهبران شرکت‌کننده در مراسم «ادای احترام» به ابراهیم رئیسی که چهارشنبه دوم خردادماه در محل «اجلاس سران» در تهران برگزار شد تصویری از جایگاه نازل و اعتبار پایین جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی را به نمایش گذاشت.

● اردوغان اسلامگرا است و حتما می‌داند که حضور او در مراسم سوگواری مقام ارشد یک نظام اسلامگرا تا چه اندازه اهمیت دارد. ضمن اینکه ایران و ترکیه همجوار هستند و حق همسایگی نیز ایجاب می‌کند او برای تسلیت مرگ رئیس جمهوری اسلامی به تهران برود.

● از این نظر، توقع جمهوری اسلامی از اردوغان چندان بیجا نبود تا جایی که حتی عمر چلیک سخنگوی حزب «عدالت و توسعه» (حزب اردوغان) نیز ادعا کرد که رئیس جمهور ترکیه در مراسم تدفین رئیسی در مشهد شرکت خواهد کرد اما ساعاتی بعد این حزب در یک بیانیه سفر اردوغان به ایران را تکذیب نمود.

● چپ‌گرایانی مانند الکساندر لوکاشنکو رئیس‌جمهوری بلاروس و نیکلاس مادورو رئیس‌جمهوری ونزوئلا نیز روابط گرمی با جمهوری اسلامی دارند و از دوستان رئیسی به شمار می‌رفتند ولی در این مراسم حضور نیافتند. رهبران الجزایر، ازبکستان، قزاقستان و لبنان نیز هیچکدام برای آخرین بدرقه‌ی رئیسی شرکت نکردند.

● عدم استقبال رهبران جهان از حضور در مراسم ادای احترام به رئیسی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که یکی از آنها قطعاً عملکرد ابراهیم رئیسی است. او به صورت رسمی در دنیا به عنوان یکی از ناقضان حقوق بشر شناخته شده و دستش به خون مردم آلوده است، چنانکه پس از مرگش برخی مقامات غربی و رسانه‌های بین‌المللی از او به عنوان «هیولای قاتل»، «قصاب تهران»، «آدمکش» و «جلاد» یاد کردند. بین ایرانیان وی به خاطر جنایاتش در دهه شصت و به ویژه کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به «قاضی مرگ» مشهور است.

● دلیل دیگر عدم استقبال از آخرین بدرقه‌ی رئیسی می‌تواند زنجیره‌ای از مسائل امنیتی باشد که محور آنها ترس از پرواز در آسمان ایران است به ویژه آنکه ابراهیم رئیسی و همراهانش در سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر کشته شدند که هنوز دلایل اصلی آن مشخص نیست.

نوع پوشش خبر و گزارش کشته شدن رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر توسط بی‌بی‌سی فارسی با انتقادات شدیدی از سوی کاربران در شبکه‌های اجتماعی نیز روبرو شده است. در این میان، بغض فرناز قاضی‌زاده مجری این شبکه هنگام اعلام خبر کشته شدن رئیسی و امیرعبداللهیان در سانحه سقوط هواپیما سوژه کاربران شده و از سوی دیگر مورد توجه هواداران و برخی رسانه‌های حامی نظام قرار گرفته است. در موردی دیگر فاطمه حقیقت‌جو نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم که در آمریکا ساکن است به عنوان مهمان این شبکه «فوت رئیسی» را به همسر و دخترانش تسلیت گفت. این همدلی نیز با واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است.

در بخشی از گزارش بی‌بی‌سی فارسی که مورد انتقاد معاون امنیتی وزیر کشور بریتانیا قرار گرفته، به سفرهای استانی رئیسی اشاره شده و نویسنده با تکرار قول‌های رئیسی نوشته است که وی «به بسیاری از نقاط ایران سفر کرد و قول ساخت میلیون‌ها خانه ارزان‌قیمت، کاهش تورم و مبارزه با فساد را داد».

مردم در واکنش به این گزارش به نویسنده و کارکنان بی‌بی‌سی یادآوری کردند که رئیسی «قاضی مرگ» در اعدام هزاران زندانی سیاسی در دهه شصت خورشیدی بوده که به دلیل جنایاتش در مقام‌های مختلف به «قصاب تهران» نیز معروف شده است.

برخی کاربران هم بی‌بی‌سی فارسی را متهم کردند که شبیه رسانه‌های حکومتی برای پوشش اخبار مربوط به تشییع جنازه رئیسی از تصاویر «فتوشاپی» استفاده کرده است. یکی از خبرهای بی‌بی‌سی فارسی روز چهارشنبه دوم خرداد حضور «جمعیت انبوه» در مراسم تشییع جنازه رئیسی بود. انتخاب مهمانان و کارشناسان در بی‌بی‌سی فارسی در ویژه برنامه‌های مرتبط با مرگ رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر نیز حاشیه‌ساز شده است. از جمله در یکی از این برنامه‌ها یک فعال سیاسی به نام «مهديه گلو» روی آنتن زنده برای فرد دیگری به نام «داریوش سجادی» که کارمند سابق وزارت خارجه جمهوری اسلامی و همواره مدافع تمام‌قد رژیم بوده است بوسه فرستاد!



حضور هیأت دیپلماتیک تروریست‌های طالبان در مراسم ادای احترام به رئیسی

فرز همان مناطقی پرواز کند که هلی‌کوپتر رئیسی در آنجا سقوط کرد. به اضافه آنکه بعد از درگیری‌های شدید میان جمهوری اسلامی و اسرائیل که با پرتاب بیش از ۳۵۰ موشک و پهپاد از خاک ایران به اسرائیل همراه بود، تعداد زیادی از ایرانی‌های بین‌المللی پروازهای خود را به ایران متوقف کردند. شدت ناامنی آسمان ایران حتا با کاهش نسبی تنش‌ها به حدی بوده که آنها در چند نوبت دستورالعمل توقف پروازها از آسمان ایران را تمدید کردند.

مسئله دیگری که قابل توجه است، سرعت تشییع و تدفین اجساد است. با اینکه گفته شد بعضی از اجساد به صورت کامل سوخته‌اند اما بلافاصله اعلام کردند برای تشخیص هویت آنها به آزمایش DNA نیاز نیست. اگرچه شاید از شکل ظاهری یا نشانه‌های بیرونی هویت اجساد قابل تشخیص بوده باشد اما پدیده است برای بررسی دقیق علت سقوط چه بسا نیاز به انجام کالبدشکافی یا انجام برخی آزمایش‌ها روی بدن خلبان‌ها از جمله آزمایش سم‌شناسی یا بیولوژیک لازم بود. تدارک برای دفن سریع اجساد و محدود بودن زمان برنامه‌ریزی و تدارکات برای سفر رهبران و مقامات نیز می‌تواند از دلایلی باشد که منجر به عدم استقبال از مراسم ادای احترام به رئیسی شد.

برای کاستن از این بی‌اعتباری‌ها منابع دولتی با تیرهای اغراق‌آمیز برای جبران آن دست به کار شدند از جمله خبرگزاری دولتی «ایرنا» به «بررسی تسلیت جهانی به شهادت رئیس جمهور و همراهان» پرداخت و مدعی «تعظیم جهان در برابر سوگ و عظمت ایران» شد!

با اینهمه چند منبع خبری داخلی از جمله کانال تلگرامی «بامداد نو» به سطح پایین حضور مهمانان خارجی در مراسم «ادای احترام» به رئیسی پرداختند. در همین ارتباط یک فایل صوتی ناخواسته در کانال تلگرامی این وبسایت منتشر شد که در آن سردبیر کانال «بامداد نو» از خبرنگار این رسانه می‌خواهد که در گزارشی به پایین بودن سطح مهمانان بپردازد. خبرگزاری ایسنا آن را تلاش عاقدانه برای کوچک‌نمایی حضور مقامات خارجی دانست و آن را رسوایی خواند.

به هر حال، این واقعیت که کدام مقامات از کدام کشورها و در چه سطحی در این مراسم شرکت کرده‌اند، عیار و اعتبار جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد.

عدم استقبال رهبران جهان از حضور در مراسم ادای احترام به رئیسی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که یکی از آنها قطعاً عملکرد ابراهیم رئیسی است. او به صورت رسمی در دنیا به عنوان یکی از ناقضان حقوق بشر شناخته شده و دستش به خون مردم آلوده است، چنانکه پس از مرگش برخی مقامات غربی و رسانه‌های بین‌المللی از او به عنوان «هیولای قاتل»، «قصاب تهران»، «آدمکش» و «جلاد» یاد کردند. بین ایرانیان وی به خاطر جنایتش در دهه شصت و



ادای احترام امامعلی رحمانوف

به ویژه کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به «قاضی مرگ» مشهور است.

دلیل دیگر عدم استقبال از آخرین بدرقه‌ی رئیسی می‌تواند زنجیره‌ای از مسائل امنیتی باشد که محور آنها ترس از پرواز در آسمان ایران است به ویژه آنکه ابراهیم رئیسی و همراهانش در سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر کشته شدند که هنوز دلایل اصلی آن مشخص نیست. حتماً برای اردوغان اصلاً جذاب نبود در سفر به تهران بخواهد بر

→ سطح پایین رهبران شرکت کننده در مراسم «ادای احترام» به ابراهیم رئیسی که چهارشنبه دوم خردادماه در محل «اجلاس سران» در تهران برگزار شد، تصویری تمام‌عیار از جایگاه نازل و اعتبار پایین جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی را به نمایش گذاشت.

اگرچه گفته شد بیش از ۶۰ تا ۷۰ مهمان خارجی در این مراسم حضور یافتند اما فقط پنج کشور در سطح مقامات عالی در آن حضور داشتند.

شهباز شریف نخست وزیر پاکستان، نیکول پاشینیان نخست وزیر ارمنستان، قیس سعید رئیس جمهور تونس، تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر، محمد السوداني نخست وزیر عراق و امامعلی رحمان رئیس جمهور تاجیکستان تنها مقامات عالی‌رتبه‌ای بودند که به تهران رفتند.

در این میان شایعه شد که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه نیز قرار است با اسکورت چهار جنگنده سوخو-۳۵ به تهران سفر کند که بلافاصله تکذیب شد.

احتمالاً در تهران همه مسئولان نظام می‌دانستند که آمدن پوتین به تهران محال است اما در میان تمام رهبران و شخصیت‌های ارشد بین‌المللی از هیچکدام به اندازه رجب طیب اردوغان توقع نداشتند که در مراسم ادای احترام به رئیسی شرکت کند. اردوغان اسلامگرا است و حتماً می‌داند که حضور او در مراسم سوگواری مقام ارشد یک نظام اسلامگرا تا چه اندازه اهمیت دارد. ضمن اینکه ایران و ترکیه هم‌جوار هستند و حق همسایگی نیز ایجاب می‌کند او برای تسلیت مرگ رئیس جمهوری اسلامی به تهران برود.

از این نظر، توقع جمهوری اسلامی از اردوغان چندان بیجا نبود تا جایی که حتا عمر چلیک سخنگوی حزب «عدالت و توسعه» (حزب اردوغان) نیز ادعا کرد که رئیس جمهور ترکیه در مراسم تدفین رئیسی در مشهد شرکت خواهد کرد

اما ساعاتی بعد این حزب در یک بیانیه سفر اردوغان به ایران را تکذیب نمود.

چپ‌گرایانی مانند الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس و نیکلاس مادورو رئیس جمهوری ونزوئلا نیز روابط گرمی با جمهوری اسلامی دارند و از دوستان رئیسی به شمار می‌رفتند ولی در این مراسم حضور نیافتند. رهبران الجزایر، ازبکستان، قزاقستان و لبنان نیز هیچکدام برای آخرین بدرقه‌ی رئیسی شرکت نکردند.

«ضربه به خامنه‌ای»، «جنگ قدرت» یا «شانس برای مجتبی خامنه‌ای»؟ دیدگاه‌های متفاوت در باره پیامدهای مرگ ابراهیم رئیسی

استراتژی ایران» در «شورای آتلانتیک» است می‌نویسد، «سقوط هلی‌کوپتر [موجودیت] رژیم را تهدید نمی‌کند، اما همزمان با تلاش برای رویارویی با تهدیدات خارجی، بلا تکلیفی داخلی را به شدت افزایش خواهد داد.» وی عنوان کرد، رسیدن رئیسی به ریاست جمهوری به دلیل کاریزما یا ایده‌های مبتکرانه‌اش نبود بلکه او «نمونه‌ای روشن از وفاداری به رهبر جمهوری اسلامی بود.»

اکونومیست: آغاز جنگ قدرت

هفته‌نامه «اکونومیست» مرگ ابراهیم رئیسی را آغازگر یک «جنگ قدرت بزرگ» در جمهوری اسلامی دانسته و نوشته است «در میان یک جنگ منطقه‌ای، درگیری در خانه [ایران] بین روحانیون و نهادهای نظامی در جریان است. سه سال پیش، زمانی که ابراهیم رئیسی در یک انتخابات غیابی به ریاست جمهوری رسید، برخی ایرانیان فکر می‌کردند که این پله‌ای برای رسیدن او به جایگاهی بالاتر [رهبری رژیم] است زیرا تصور می‌شد که علی خامنه‌ای، رهبر سالخورده و بیمار جمهوری اسلامی، عمر زیادی ندارد. با این حال تاریخ سرشار از اتفاقات کنایه‌آمیز است و پیروزی ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری، بجای هدایت او به بالاترین جایگاه، به قیمت جان‌اش تمام شد.»

در این مقاله با اشاره به اینکه «رئیس رئیسی جمهوری تابع رهبری» بود، تأکید شده «مرگ او اوضاع سیاسی ایران را متزلزل خواهد کرد و حکومت را وادار می‌کند در مقطعی دشوار رئیس جمهوری جدید پیدا کند؛ آنهم در شرایطی که درگیر یک جنگ منطقه‌ای است و دشمنان جمهوری اسلامی در حال بررسی تعمیق پیوندهای امنیتی برای مقابله با این کشورند. در داخل نیز اوضاع اقتصادی نابسامان است و احتمال دارد با تشدید تحریم‌های آمریکا آسیب بیشتری ببیند. در این وضعیت، مرگ رئیسی می‌تواند هرج و مرج بیشتری به وجود بیاورد.» در بخش دیگری از این مقاله آمده، «رئیس فهرست بلندبالایی از دشمنان داخلی دارد، از میانه‌روهای به حاشیه رانده شده تا محافظه‌کارانی که فکر می‌کنند او یک رئیس جمهوری ناتوان بوده است. بی‌دلیل نیست که این گمان وجود دارد که ممکن است دشمنان داخلی برای کشتن او توطئه کرده باشند.»

نیویورک تایمز: رئیسی مهره خامنه‌ای بود

روزنامه «نیویورک تایمز» که تقریباً همواره برقراری رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا را در صدر مسائل ایران قرار داده، این پرسش را مطرح کرده که آیا جانشینان رئیسی و امیرعبداللهیان رویکرد مشابهی را در باز گذاشتن «یک روزنه ارتباطی» با آمریکا و اجتناب از رویارویی مستقیم دنبال خواهند کرد؟ دیوید ای. سنگر نویسنده این مقاله با اشاره به «اقدامات محافظه‌کارانه جمهوری اسلامی برای پرهیز از رویارویی مستقیم با آمریکا» و همچنین با تأکید بر «مذاکرات غیرمستقیم اخیر میان [رژیم] ایران و آمریکا در عمان» رئیسی را «مهره خامنه‌ای» خواند و پیش‌بینی کرد، جانشین او و همچنین جانشین حسین امیرعبداللهیان نیز همان سیاست‌های رهبر جمهوری اسلامی را دنبال خواهند کرد. نویسنده همچنین تأکید کرده است، در چند سال گذشته تمرکز آمریکا روی آینده جمهوری اسلامی بعد از مرگ علی خامنه‌ای بود اما کسی فکرش را نمی‌کرد که او مجبور شود در سن ۸۵ سالگی یک رئیس جمهور جدید انتخاب کند.



می‌نویسد، «سناریوی دیگر، بیشتر شبیه یک تئوری توطئه است، اما تصمیم به پرواز یک هلی‌کوپتر بسیار قدیمی در یک منطقه کوهستانی در شرایط بد جوی، چنین شایعاتی را تقویت می‌کند. با خروج کامل ابراهیم رئیسی از صحنه سیاست داخلی، شانس مجتبی خامنه‌ای پسر علی خامنه‌ای برای جایگزینی پدرش به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. در این راستا، شانس محمدباقر قالیباف رئیس فعلی مجلس شورای اسلامی که از متحدان مهم وی است، برای ریاست جمهوری در انتخابات ۵۰ روز آینده نیز افزایش یافته است. با یکدست شدن دولت، سناریوهای گذار پس از خامنه‌ای راحت‌تر تحقق پیدا می‌کند.»

دو ماه قبل از کشته شدن رئیسی برخی منابع گزارش داده بودند که مجتبی خامنه‌ای با همراهی شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرح عبور از رئیسی را دنبال می‌کند.

شورای آتلانتیک: ضربه به خامنه‌ای

اندیشکده آمریکایی «شورای آتلانتیک» بر اساس اظهار نظر شماری از تحلیلگران مسائل ایران پیش‌بینی کرده است که مرگ رئیسی تأثیری در سیاست‌های کلی حکومت از جمله برنامه هسته‌ای و سیاست‌های منطقه‌ای نخواهد داشت اما دنی سیتینوویچ پژوهشگر مسائل خاورمیانه در «شورای آتلانتیک» معتقد است مرگ رئیسی «ضربه به خامنه‌ای» است و در سیاست‌های داخلی ایران «بسیار مهم» است. او می‌نویسد: «خلائی که بعد از مرگ رئیسی ایجاد شده، در شرایطی که حکومت با سقوط شدید اعتماد عمومی روبرو است، نگرانی رژیم از بی‌ثباتی سیاسی را افزایش می‌دهد.»

او معتقد است مرگ ابراهیم رئیسی برای خامنه‌ای گران تمام می‌شود زیرا به باور او خامنه‌ای «انتخاب رئیسی به عنوان رئیس جمهور را مهندسی کرد تا مطمئن شود حکومت، هویت ایدئولوژیک خود را بعد از دوره حسن روحانی، و در آینده برای جانشینی رهبری، حفظ می‌کند.»

راب مک‌ایر سفیر پیشین بریتانیا در تهران که عضو «پروژه

● خبرگزاری دولتی ترکیه «آنا تولی» می‌نویسد با حذف رئیسی از صحنه سیاست داخلی، شانس مجتبی خامنه‌ای پسر علی خامنه‌ای برای جایگزینی پدرش به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و با یکدست شدن دولت، سناریوهای گذار پس از خامنه‌ای راحت‌تر تحقق پیدا می‌کند.

● یک پژوهشگر مسائل خاورمیانه در «شورای آتلانتیک» معتقد است مرگ رئیسی «ضربه به خامنه‌ای» است و در سیاست‌های داخلی ایران «بسیار مهم» است. او می‌نویسد: «خلائی که بعد از مرگ رئیسی ایجاد شده، در شرایطی که حکومت با سقوط شدید اعتماد عمومی روبرو است، نگرانی رژیم از بی‌ثباتی سیاسی را افزایش می‌دهد.»

● راب مک‌ایر سفیر پیشین بریتانیا در تهران که عضو «پروژه استراتژی ایران» در «شورای آتلانتیک» است می‌نویسد، «سقوط هلی‌کوپتر [موجودیت] رژیم را تهدید نمی‌کند، اما همزمان با تلاش برای رویارویی با تهدیدات خارجی، بلا تکلیفی داخلی را به شدت افزایش خواهد داد.»

● هفته‌نامه «اکونومیست» مرگ ابراهیم رئیسی را آغازگر یک «جنگ قدرت بزرگ» در جمهوری اسلامی دانسته و می‌نویسد «در میان یک جنگ منطقه‌ای، درگیری در خانه [ایران] بین روحانیون و نهادهای نظامی در جریان است.»

مرگ ابراهیم رئیسی آنهم در سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر به همراه حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی بازتاب گسترده‌ای در فضای بین‌المللی داشته است. کارشناسان دیدگاه‌های مختلفی را درباره پیامدهای احتمالی مرگ وی برای نظام جمهوری اسلامی بیان می‌کنند اما تقریباً همگی آنها معتقدند رئیسی اگرچه مهره سرسپرده علی خامنه‌ای بود ولی مرگ وی در معادلات قدرت بر سر جانشینی رهبر جمهوری اسلامی تأثیر مستقیم خواهد داشت.

تابوت ابراهیم رئیسی در مراسم تشییع جنازه وی در قم برخی تحلیلگران مرگ رئیسی را به نفع مجتبی خامنه‌ای می‌دانند زیرا معتقدند تنها رقیب پسر رهبر جمهوری اسلامی برای جانشینی پدرش بود. اما شماری دیگر می‌گویند مجتبی تنها گزینه رهبری احتمالی در آینده نیست و حتا افرادی مثل علیرضا اعترافی رئیس حوزه‌های علمیه، صادق آملی لاریجانی و همچنین حسن خمینی نوه خمینی نیز خودشان را در قد و قامت رهبری رژیم می‌بینند هرچند که با وجود بحران‌های داخلی و بین‌المللی سرنوشت جمهوری اسلامی در کل مشخص نیست و چه بسا همین افراد را نیز برای رقابت بر سر چنین مقام بی‌سرنجامی به تأمل وادارد.

آنا تولی: سناریوی گذار پس از خامنه‌ای راحت‌تر تحقق پیدا می‌کند

خبرگزاری دولتی ترکیه «آنا تولی» در مقاله‌ای به قلم حقی اویغور استاد دانشگاه و کارشناس روابط بین‌الملل با تیتیر «ادعای سوء قصد یا سانحه را چگونه باید خواند؟» با اشاره به درگیری‌های جمهوری اسلامی و اسرائیل نوشت، «اگر این حادثه خرابکاری مربوط به اسرائیل باشد، انکار آن بسیار آسان خواهد بود، تنها در طرف از پشت پرده این حادثه آگاه خواهند شد و شاید این حادثه برای مدتی، تنش فزاینده را کاهش دهد.»

وی اشاره کرده «کمت ایرانی برای رئیسی عزادار خواهد شد زیرا آنها او را به عنوان قاضی مرگ به یاد خواهند آورد.» وی

مراسم تشییع جنازه کشته‌شدگان سقوط هلی کوپتر خامنه‌ای «نماز میت» خواند؛ پوتین و اردوغان نیامدند



سوغواری حامیان نظام برای رئیس



مراسم تشییع جنازه رئیس و سایر کشته‌های سانحه هلی کوپتر

مراسم شرکت نخواهد کرد زیرا حضور بین‌المللی در این مراسم پیش‌بینی نشده است. خبرگزاری «تاس» گزارش داد، ویاچسلاو ولودین رئیس مجلس روسیه (دوما) به تهران سفر خواهد کرد. دولت ترکیه هم اعلام کرد که هاکان فیدان وزیر خارجه و جودت ییلماز معاون رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری این کشور در مراسم شرکت می‌کنند.

علاوه بر اسماعیل هنیه از رهبران گروه تروریستی حماس، گفته شد ملا عبدالغنی برادر معاون اقتصادی نخست وزیر و امیرخان متقی وزیر خارجه حکومت طالبان نیز در ایران مراسم حضور خواهند یافت. رهبران مذهبی فرقه «ناتوری کارت» از ارتدکس‌های یهودی ضد اسرائیل نیز برای شرکت در مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی و همراهانش به تهران رفتند. در این میان، مقامات و رسانه‌های حکومت عبارات و الفاظ مختلفی را در مورد سید ابراهیم رئیسی که به «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» مشهور است به کار می‌برند؛ از «شهید خدمت»، «شهید مغتنم» تا «شهید جمهور!» سایر وزرا و مقامات و مداحان مدام می‌گویند، «مردم بزرگترین دغدغه رئیس جمهور شهید بودند!» این در حالیست که دو سه روز پیش از مرگ وی بازنشستگان و مستمری‌بگیران در اعتراضات خود شعار می‌دادند «رئیس بی‌عرضه، برگرد برو به حوزه!»

هلی‌کوپتر حامل ابراهیم رئیسی که علاوه بر دو خلبان و یک مهندس پرواز، حسین امیرعبداللّه‌ای وزیر خارجه جمهوری اسلامی، محمد آل‌هاشم امام جمعه تبریز و مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی و محافظان رئیس‌سرنشین آن بودند، روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت در ارتفاعات جنگل‌های ارسباران در ورزقان سقوط کرد.

مشخص نیست چرا با وجود شرایط نامساعد جوی این پرواز انجام شد. محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفته بود، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.»

در دانشگاه تهران برگزار شد و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر تابوت آنها «نماز میت» خواند. هشت تابوت مقابل خامنه‌ای قرار داشت که شامل جسد سید ابراهیم رئیسی رئیس پیشین قوه قضائیه و رئیس دولت سیزدهم، حسین امیرعبداللّه‌ای وزیر خارجه دولت سیزدهم، سید محمدعلی آل‌هاشم امام جمعه تبریز، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی، مهدی موسوی سرتیم حفاظت رئیس، سرهنگ خلبان سید طاہر مصطفوی، سرهنگ خلبان محسن دریانوش (کمک خلبان) و سرگرد بهروز قدیمی کمک فنی پرواز بود.

پشت سر خامنه‌ای در صف اول نماز علاوه بر یک محافظ، احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد (پدر همسر رئیسی)، صادق آملی لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدی گلپایگانی رئیس دفتر خامنه‌ای، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه حضور داشتند اما خبری از حسن روحانی، محمود احمدی‌نژاد و محمد خاتمی به عنوان رؤسای پیشین دولت نبود.

اینکه کدام مقامات از کدام کشورها و در چه سطحی در این مراسم شرکت کرده‌اند به نوعی عیار و اعتبار جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی نیز نشان می‌دهد اما به نظر می‌رسد حتا رؤسای جمهوری کشورهایه‌ای که خود را دوست جمهوری اسلامی می‌دانند از حضور در این مراسم خودداری کردند.

کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برخی منابع دیگر شایعه کردند ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه با اسکورت چهار فروند هواپیمای سوخو ۳۵- به تهران سفر می‌کند اما این خبر تکذیب شد. دمیتری پسکوف سخنگوی ریاست جمهوری روسیه گفت که هیأت روسی در این

● مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللّه‌ای و سایر کشته‌شدگان در سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر روز چهارشنبه دوم خردادماه با حضور مقامات ارشد نظام در دانشگاه تهران برگزار شد و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بر تابوت آنها «نماز میت» خواند.

● پشت سر خامنه‌ای در صف اول نماز علاوه بر یک محافظ، احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد (پدر همسر رئیسی)، صادق آملی لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدی گلپایگانی رئیس دفتر خامنه‌ای، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه حضور داشتند اما خبری از حسن روحانی، محمود احمدی‌نژاد و محمد خاتمی به عنوان رؤسای پیشین دولت نبود.

● اینکه کدام مقامات از کدام کشورها و در چه سطحی در این مراسم شرکت کرده‌اند به نوعی عیار و اعتبار جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی نیز نشان می‌دهد اما به نظر می‌رسد حتا رؤسای جمهوری کشورهایه‌ای که خود را دوست جمهوری اسلامی می‌دانند از حضور در این مراسم خودداری کردند.

● کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برخی منابع دیگر شایعه کردند ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه با اسکورت چهار فروند هواپیمای سوخو ۳۵- به تهران سفر می‌کند اما این خبر تکذیب شد.

● دولت ترکیه هم اعلام کرد هاکان فیدان وزیر خارجه و جودت ییلماز معاون رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری این کشور در مراسم شرکت می‌کنند.

● علاوه بر اسماعیل هنیه از رهبران گروه تروریستی حماس، گفته شد ملا عبدالغنی برادر معاون اقتصادی نخست‌وزیر و امیرخان متقی وزیر خارجه حکومت طالبان نیز در ایران مراسم حضور خواهند یافت.

مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللّه‌ای و سایر کشته‌شدگان در سانحه مشکوک سقوط هلی‌کوپتر روز چهارشنبه دوم خردادماه ۱۴۰۳ با حضور مقامات ارشد نظام

«کنفرانس کادیز»؛ جمع اضداد با هدف مقابله با «خودزنی اپوزیسیون»



حضور فعالان سیاسی از طیف‌های مختلف اپوزیسیون در کنفرانس کادیز مورد بررسی قرار گرفت

بیشتر منتقدان کنفرانس کادیز معتقدند این نشست «جمع اضداد» بود و تجربه شکست «جرج تاون» تکرار خواهد شد، اما حاضرین در کنفرانس بر اساس آنچه از سخنان آنان منتشر شده است به اتفاق معتقدند این تجربه فرصتی جهت همکاری بیشتر اپوزیسیون از طیف‌های مختلف برای یک هدف مشترک که همانا سرنگونی جمهوری اسلامی است به وجود می‌آورد.

کیهان لندن برای بررسی آنچه در کنفرانس کادیز گذشت و برخی انتقاداتی که نسبت به آن مطرح شده، با الهیار کنگرلو، شهلا انتصاری، عبدالستار دوشوکی و پانته‌آ مدیری گفتگو کرده است.

کنگرلو: حرکت با «جمع اضداد» ایجاد می‌شود

دکتر الهیار کنگرلو از چهره‌های حاضر در این کنفرانس در باره انتقادات مطرح شده در مورد تکرار «جرج تاون» معتقد است، «تا جایی که از شکست‌های قبلی درس گرفته و در تلاش بعدی به کار گرفته شود، حتی اگر به هدف نرسد شکست محسوب نمی‌شود. برای همین نشست جرج تاون یا ققنوس را شکست نمی‌دانم؛ نشست کادیز را هم شکست نمی‌دانم؛ تمام تلاش‌های این چهل سال را که هنوز به هدف نرسیده شکست نمی‌دانم چون از همه آنها درس می‌گیرم.»

وی در مورد دستاوردهای کنفرانس کادیز توضیح داد، «طیف‌های مختلفی آن را برگزار کردند، بیشتر تفکرات سیاسی در آن حضور داشتند، از اعضای سابق سازمان مجاهدین تا طرفداران مشروطه و جمهوریخواهان استخواندار. در شهری که کنفرانس برگزار شد همه دنیا برای تفریح می‌روند اما آن پنجاه، شصت نفری که به کنفرانس آمده بودند سه روز در هتلی بودند کنار اقیانوس اما نتوانستند از هتل بیرون بروند و تماماً به مسائل ایران و اختلافاتشان پرداختند، اختلافات را به صورت کاملاً متمنانه مطرح کردند؛ در جرج تاون کسی را ندیدم اختلاف‌اش را مطرح کند. جمع اضداد دلیل حرکت است، بنابراین در هر قسمتی که می‌خواهیم حرکت ایجاد کنیم باید اضداد را کنار هم قرار دهیم. ما خواستیم

در آینده] می‌توانیم کشور را اداره کنیم و اگر نسبت به آنها رفتار فکرنکرده داشته باشیم قطعاً بازی را خواهیم باخت.»

شماری از فعالان و کنشگران سیاسی ایرانی از ۲۶ تا ۲۹ آوریل ۲۰۲۴ بر اساس بیانیه‌ای که پیش از آن به کیهان لندن نیز ارسال شده بود، «با هدف ارزیابی و آسیب‌شناسی نیروهای مخالف جمهوری اسلامی» در شهر ساحلی کادیز در جنوب غربی اسپانیا در یک کنفرانس سه روزه شرکت کردند.

برگزارکنندگان این کنفرانس در این بیانیه تأکید کرده بودند به دنبال راهکارهایی برای «کاهش تنش و برخورد‌های غیرمتمنانه در میان اپوزیسیون» هستند و چنین استدلال کردند که «سرخوردگی» حاصل از «فروکش کردن جنبش ملی زن، زندگی، آزادی» و برنامه‌ریزی اتاق‌های فکر جمهوری اسلامی عامل «پرخاشگری» اپوزیسیون، «خودزنی و فرسایش درونی» آن شده است و طیف‌های سیاسی مختلف در این کنفرانس جمع می‌شوند تا «فضای گفتگو و همکاری میان نیروهای مخالف حکومت» به وجود آورند.

در کنفرانس کادیز فعالان سیاسی مختلفی حضور داشتند که کمتر سابقه داشت با توجه به دیدگاه‌ها و اختلافات فکری و نظری برای گفتگو و تبادل نظر در یکجا جمع شوند. اغلب آنها برای شرکت در این نشست به کادیز رفته بودند از حضور در این کنفرانس ابراز رضایت کرده‌اند اما انتقادات زیادی نیز نسبت به آن از سوی کسانی مطرح شده که در آن حضور نداشته‌اند.

از حسن اعتمادی فعال سیاسی و شهرام همایون مدیر تلویزیون «کانال یک» به عنوان دو تن از برگزارکنندگان کنفرانس کادیز نام برده می‌شود و خودشان نیز در گفتگوهایی که انجام داده‌اند چنین موضوعی را به مخاطبان منتقل می‌کنند.

در این کنفرانس «رفتار اجتماعی اپوزیسیون» و «ترفند‌های اختلاف انگیز» جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت

● برگزارکنندگان کنفرانس کادیز در بیانیه‌ای تأکید کرده بودند به دنبال راهکارهایی برای «کاهش تنش و برخورد‌های غیرمتمنانه در میان اپوزیسیون» هستند.

● اغلب آنها برای شرکت در این نشست به کادیز رفته بودند از حضور در این کنفرانس ابراز رضایت کرده‌اند اما انتقادات زیادی نیز نسبت به آن مطرح شده است، هرچند اغلب منتقدان به کنفرانس دعوت نشده و یا در آن حضور نداشته‌اند.

- کیهان لندن برای بررسی آنچه در کنفرانس کادیز گذشت و برخی انتقاداتی که نسبت به آن مطرح شده، با الهیار کنگرلو، شهلا انتصاری، عبدالستار دوشوکی و پانته‌آ مدیری گفتگو کرده است.

● دکتر کنگرلو با بیان اینکه حرکت با «جمع اضداد» ایجاد می‌شود، با اشاره به نشست «جرج تاون» معتقد است، «تا جایی که از شکست‌های قبلی درس گرفته و در تلاش بعدی به کار گرفته شود، حتی اگر به هدف نرسد شکست محسوب نمی‌شود.»

● شهلا انتصاری معتقد است کنفرانس کادیز «بهترین برای پرورش دموکراسی» بود اما عبدالستار دوشوکی عنوان می‌کند که خشت اول کنفرانس کادیز کج نهاده شد. او درباره منابع مالی این کنفرانس می‌گوید، «من سال‌هاست آقای شهرام همایون را می‌شناسم، سال‌هاست در برنامه‌هایی با حضور خود او انتقاد می‌کردیم که حامیان مالی نشست‌های دیگر که افراد و گروه‌هایی برگزار می‌کردند چه کسانی هستند و چرا شفافیت مالی ندارند! حالا که از خود آقای همایون در مورد منابع مالی کنفرانس سؤال می‌شود ایشان منتقدان را متهم می‌کند که وابسته به جمهوری اسلامی هستند.»

● فرزانه روستایی روزنامه‌نگار و از برنامه‌سازان «کانال یک» و از شرکت‌کنندگان کنفرانس کادیز در «کالبدشکافی» این نشست با انتقاد از شعار «مرگ بر سه فاسد، ملا، چپی، مجاهد» می‌گوید: «باید به مجاهدین خلق ترحم کرد نه اینکه آنها را تحریم کرد، اگر به مجاهدین خلق ترحم کنیم

کنفرانس انتقاد کرده‌اند و گروهی دیگر اهمیت را در مبهم بودن منابع مالی این کنفرانس می‌دانند. در شبکه‌های اجتماعی همچنین مطرح شد که در میان حاضرین افرادی هم بودند که شهرت و سابقه خوبی در فعالیت‌های سیاسی آنها وجود ندارد.

اختلاف بر سر همکاری با سازمان مجاهدین

فرزانه روستایی روزنامه‌نگار و از برنامه‌سازان «کانال یک» و از شرکت‌کنندگان کنفرانس کادیز در «کالبدشکافی» این نشست با انتقاد از شعار «مرگ بر سه فاسد، ملا، چپی، مجاهد» می‌گوید: «باید به مجاهدین خلق ترحم کرد نه اینکه آنها را تحریم کرد، اگر به مجاهدین خلق ترحم کنیم [در آینده] می‌توانیم کشور را اداره کنیم و اگر نسبت به آنها رفتار فکرنکرده داشته باشیم قطعاً بازی را خواهیم باخت.» وی تأکید می‌کند، «سپاهی، چپ، راست، مجاهد هر کسی هستی شعار باید این باشد: ما تو رو کم داریم و اصلاً بدون تو نمیشه.»

در شرایطی که منتقدان کنفرانس کادیز مطرح می‌کنند این نشست به همان دلایلی که جرج تاون شکست خورد به نتیجه نخواهد رسید، حجت کلاشی فعال سیاسی مشروطه‌خواه در یکی از مصاحبه‌های خود با «کانال یک» می‌گوید: «مهمترین چیزی که در این کنفرانس بود، این است که جریان مشروطه‌خواه با اعتماد به نفس بسیار عالی با سطح برخورد حساب شده و قدرت گفتگوی خوب، حوصله و منطق درخشان توانست بشنود و صحبت کند.» وی این کنفرانس را «پروژه‌ای» دانست «که بیشتر جمهوری اسلامی را ضعیف و مردم را متشکل‌تر می‌کند.» وی با تأکید بر اینکه «اتحاد به هر قیمتی» امکان‌پذیر نیست عنوان کرد، «باید قبل از اینکه به اتحاد برسیم مبنای درست برای اتحاد پیدا کنیم... ما برای وحدت و اتحاد به کنفرانس نرفتیم بلکه از پرنسپ‌های خود دفاع کردیم.» کلاشی برخلاف فرزانه روستایی تأکید کرد، «مجاهدین و تجزیه‌طلبان باید خط قرمز اپوزیسیون باشند.»

به نظر می‌رسد آنچه سبب شدت گرفتن انتقادات به نشست کادیز به ویژه از سوی حامیان شاهزاده رضا پهلوی شد، ریشه در سوابق برخی شرکت‌کنندگان در حمایت از سازمان مجاهدین دارد؛ از جمله حسن اعتمادی که تعداد زیادی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی یک فایل صوتی از او مربوط به یک نشست آنلاین را به اشتراک گذاشتند که در آن می‌گوید، «شما خواهید دید در فردای براندازی جمهوری اسلامی یک‌شبه رادیکال‌ترین سازمان‌های سیاسی از دل چپ‌ها و از همین مجاهدین درخواهد آمد... الان تنها فرصتی بود که طرفداران نظام پادشاهی دست به دست چپ‌ها و گروه‌های قومی بدهند التماس کنند که با مجاهدین همکاری کنند.»

یکی دیگر از حاضرین در کنفرانس کادیز، کمال جعفری یزدی از امضاکندگانی «بیانیه ۱۴ نفر» و از مخالفان پادشاهی و همچنین پهلوی است. او بیشتر در اینستاگرام در مقایسه «پهلوی» با خامنه‌ای و رجوی نوشته بود که مملکت «با خامنه‌ای و پهلوی و رجوی» هرگز درست نمی‌شود و «دیگر شاه و شاهزاده و آقا و آقا‌زاده و آخوند و آخوندزاده» نباید در آینده نقشی داشته باشند «تا جبران صد سال استبداد و دیکتاتوری و علی‌الخصوص ۴۵ سال خیانت و یغما بشود.» با اینهمه برگزارکنندگان و حاضران نشست کادیز امیدوارند بتوانند مسیری نو برای توسعه همکاری طیف‌های مختلف اپوزیسیون ایجاد کنند. منتقدان اما بر این باورند که این کنفرانس نمی‌تواند نسخه‌ای برای دستیابی به اهدافی که در بیانیه‌ی برگزاری آن اعلام شده پیدا کند.

به کیهان لندن در مورد منابع مالی کنفرانس کادیز می‌گوید، «بر اساس حدس خودم تلویزیون کانال یک را بخشی از مردم ایران نگاه می‌کنند، و شهرام همایون توانسته برنامه‌هایی را تهیه کند که علاقمندان به آن برای آن فداکاری می‌کنند؛ تمامی مخارج این کنفرانس را طرفداران تاریخی کانال یک پرداختند؛ گمان می‌کنم شاید چیزی حدود ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار دلار خرج ماهانه چنین تلویزیونی است. آقای همایون بطور شخصی میلیاردر نیست و ثروت او در واقع حمایتی است که از طرفداران تلویزیون کانال یک دارد. برای تلویزیونی که ماهانه ۵۰۰ هزار دلار خرج دارد برگزاری یک کنفرانس که بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار دلار خرج شده در حدود بودجه دو هفته تلویزیون است که کاملاً توانایی آن را دارند، به‌خصوص که اهداف این کنفرانس در راستای اهداف تلویزیون است.» در مقابل اما عبدالستار دوشوکی عنوان می‌کند، «من سال‌هاست آقای شهرام همایون را می‌شناسم، سال‌هاست در برنامه‌هایی با حضور خود او انتقاد می‌کردیم که حامیان مالی نشست‌های دیگر که افراد و گروه‌هایی برگزار می‌کردند چه کسانی هستند و چرا شفافیت مالی ندارند! حالا که از خود آقای همایون در مورد منابع مالی کنفرانس سؤال می‌شود ایشان منتقدان را متهم می‌کند که وابسته به جمهوری اسلامی هستند. این نشست‌ها به اعتقاد من مردم را سرخورده می‌کند.»

مدیری: راهی بجز کنار آمدن با هم نداریم

دعوت‌شدگان به کنفرانس کادیز و برگزارکنندگان آن تلاش کردند از طریق برنامه‌هایی که تقریباً همه آنها از «کانال یک» پخش شده به بیان دستاوردهای این نشست سه روزه و دلایل خود برای توجیه یا قانع کردن منتقدان بپردازند. پانته‌آ مدیری، خبرنگاری که به کادیز رفته بود و گرداندن بخشی از نشست آن را بر عهده داشت و پس از آن نیز برخی از سخنرانی‌های آن را تنظیم کرد که به عنوان مستند از «کانال یک» پخش شد، به کیهان لندن می‌گوید، «کمیته برگزارکننده از تشکل «ما هستیم» بود و روی این مسئله تأکید می‌شد که منابع مالی آن شخصی بوده است.» او توضیح داد، «در این کنفرانس هدف توافق نبود بلکه مسئله اساسی گفتگو بین افراد بود، هرچند بحث بر سر نقش پنجاه و هفتی‌ها زیاد بود اما تلاش شد این صحبت‌ها طوری نباشد که افراد احساس کنند مقابل هم باید وارد سبک شوند. گفتمان حامیان پادشاهی قوی‌تر و صدای آنها بلندتر بود؛ کسی حمله به پادشاهی‌خواهی نکرد حتا مخالفان، مانند آقای [حسن] اعتمادی بیشتر از جانب آنها بی صحبت کرد که علاقه‌ای به پادشاهی ندارند، اما افرادی مثل الهیار کنگرلو، حجت کلاشی، میترا جشنی و سایرین بودند که حامی گفتمان پادشاهی‌خواهی بودند. اگر توافقی هم بود سر این مسئله بود که هرکسی به تمامیت ارضی، مردم ایران و پرچم ایران باور دارد می‌شود با او دور یک میز نشست.»

وی افزود، «به عنوان یک خبرنگار احساسم این است که راهی بجز کنار آمدن با هم و قوی‌تر کردن احزاب نداریم. یکی از مسائلی که در کنفرانس مطرح شد، برنامه‌های سپاه پاسداران برای تفرقه انداختن بین اپوزیسیون بود؛ به نظر باید شدیداً مراقب این مورد بود.»

یکی از موضوعات اصلی منتقدان کنفرانس کادیز نشست حامیان گفتمان پادشاهی‌خواهی در کنار چهره‌های سیاسی بود که منتسب به «جریان پنجاه و هفتی‌ها» هستند و بر اساس سابقه در مخالفت با پادشاهی‌خواهان و شاهزاده رضا پهلوی سنگ تمام گذاشته‌اند. برخی به حضور چهره‌های نزدیک به جریان اصلاح‌طلب و سازمان مجاهدین در این

افراد را که با هم اختلاف دارند اما اختلاف انفجاری ندارند ابتدا با هم جمع کنیم تا یواش یواش جمع مستان که اختلافات‌شان عمیق‌تر است برسند.»

انتصاری: تمرین برای پرورش دموکراسی

شهلا انتصاری فعال سیاسی جمهوریخواه که او نیز برای حضور در این کنفرانس به شهر کادیز رفته بود، می‌گوید «من به نمایندگی از تعدادی مبارزین داخل ایران که فعالیت‌خیابانی دارند، در این کنفرانس حضور داشتم تا پیام و مطالبات آنها را مطرح کنم، که اولین خواسته‌شان این بود که اپوزیسیون خارج کشور فراجحی و فراجزبی عمل کند؛ آنها می‌گویند در ایران دشمن مشترک داریم که جمهوری اسلامی است و برای براندازی آن نیاز به کمک و همراهی یکدیگر داریم و برای ایجاد دموکراسی باید همه گروه‌ها در مبارزه با دشمن مشترک و فردای ایران سهیم باشند. آنها می‌گویند در خیابان‌های ایران افراد نمی‌پرسند فرد بغل‌دستی‌شان پادشاهی‌خواه، جمهوریخواه یا سوسیالیست است بلکه به دنبال این هستند که در مبارزه خیابانی با کمک هم موفق شوند.»

انتصاری در ادامه افزود، «طی سه روزی که در کادیز بودم دیدم که همه دوستانی که حضور داشتند هدف‌شان همگرایی بود تا یک راهکار مشترک برای مبارزه با جمهوری اسلامی پیداکنند اگرچه افراد نظرات مختلفی داشتند و همه نظرات مستقل خودشان را داشتند اما جنبه‌های همگرایی و همکاری را در کنفرانس یافتیم.»

این فعال سیاسی افزود، «ایران یک جامعه متکثر است؛ یکی از دلایلی که جمهوری اسلامی مشروعیت خودش را از دست داده تمامیت‌خواهی آن است؛ بنابراین اگر هدف اپوزیسیون ایران‌گرا رسیدن به فردای بهتر، آزادی و رفاه بیشتر برای مردم است، پس طبق قواعد دموکراسی باید آراء مخالف را تحمل کنیم؛ فکر می‌کنم این جمع اضا در کادیز تمرینی برای پرورش دموکراسی است.»

دوشوکی: خشت اول کنفرانس کادیز کج نهاده شد

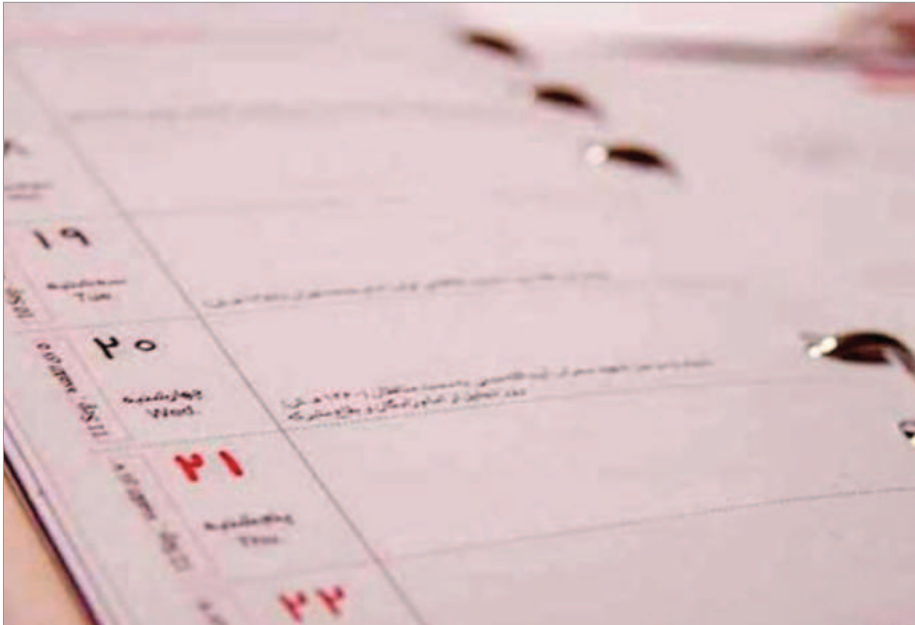
اما عبدالستار دوشوکی فعال سیاسی به عنوان منتقد کنفرانس کادیز می‌گوید، «واقعیت آن است که به قول آن ضرب‌المثل فارسی، خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج؛ در بیش از ۲۰ سال گذشته کنفرانس‌های زنجیره‌ای زیادی داشتیم که تقریباً اکثر آنها به شکست انجامید یا موفق نبودند. در مورد این کنفرانس اساس این بود که طرفداران پادشاهی در کنار جمهوریخواهان کنار هم باشند و مدارا کنند؛ اما در این کنفرانس کسانی شرکت کردند که پادشاهی‌خواهان را متهم می‌کنند که اصلاً اعتقادی به دموکراسی ندارند؛ یکی از شرکت‌کنندگان این کنفرانس مدعی است شعار «مرگ بر سه فاسد» از اتاق فکر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و سفارت روسیه بیرون آمده؛ اینها کسانی هستند که به اساس مشروطه‌خواهی حمله می‌کنند. در کادیز جمع اضا‌دای بودند که تاریخ ثابت کرده ایجاد ائتلاف و اتحاد با آنها امکان‌پذیر نیست.»

منابع مالی کنفرانس کادیز

یکی از مسائل مطرح شده در شبکه‌های اجتماعی و همچنین از سوی منتقدان در مورد کنفرانس کادیز مربوط به هزینه‌ها و تأمین مالی آن است. برگزاری یک نشست با حضور دست‌کم ۶۰ نفر به مدت سه روز آنهم در هتلی بزرگ در یک شهر ساحلی و توریستی اسپانیا هزینه‌های زیادی دارد.

دکتر کنگرلو پیشتر در یک مصاحبه گفته بود «مهم نیست منبع مالی کنفرانس از کجا تأمین شده بود.» وی در پاسخ

ادامه جنجال «تعطیلی شنبه»: از خط و نشان امامان جمعه تا احتمال رفتن لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام!



● حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان چاپ تهران نمایندگان موافق تعطیلی شنبه را متهم کرده که «در پی آن بوده‌اند که با گرفتن تأیید برخی از مراجع، شورای نگهبان را در اعلام مغایرت مصوبه با مبانی اسلامی یا قانون اساسی، تحت فشار قرار بدهند!»

● امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه «به جامعه مؤمنین برخورد» گفت: «اجازه بدهید از مجلس بابت تعطیلی روز شنبه‌ها گلایه کنیم. شاید دلایل خود را داشته باشند، اما شورای نگهبان فرصت دارد آن را حل و فصل کند.»

● آیت‌الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید نیز کار را تا آنجا پیش برده که برای یک مصوبه اقتصادی «بیانیه» صادر کرده و مدعی شده «شنبه روز تعطیلی دشمن است!»

اعتراضات از سوی محافظی از جمهوری اسلامی به مصوبه مجلس درباره تعطیلی روز شنبه به علت همزمانی این تعطیلی با «شب‌ات» یهودیان ادامه دارد و شماری از امامان جمعه روز گذشته، ۲۸ اردیبهشت، انتقاد و اعتراض خود را علیه این مصوبه که برای اجرا می‌بایست به تأیید شورای نگهبان نیز برسد اعلام کردند.

تعطیلی روزهای شنبه به عنوان دومین روز تعطیل در تقویم ایران هفته گذشته از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصویب و برای بررسی و تأیید به شورای نگهبان رفت. مطرح شدن این لایحه طی ماه‌های گذشته با حاشیه‌های زیادی همراه شد و بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی با تعطیلی روزهای شنبه به دلیل همزمانی با «شب‌ات» یهودیان به شدت مخالفت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد بخشی از حکومت حاضر نیستند زیر بار تعطیل شدن شنبه‌ها برود و جوسازی علیه این لایحه به امید رد آن در شورای نگهبان آغاز کرده‌اند. این در حالیست که نمایندگان گفته‌اند که نظر سه مرجع تقلید و دفتر علی خامنه‌ای را هم برای تعطیلی روزهای شنبه جویا شده‌اند و آنها «ایراد شرعی» به تعطیلی روزهای شنبه وارد ندانسته‌اند.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران از جمله منتقدان سرسخت تعطیلی روز شنبه، در مطلبی نوشته «عصر چهارشنبه و بعد از تصویب لایحه که صبح همان روز صورت گرفته بود، برادر عزیزمان آقای، ولی اسماعیلی، رئیس محترم کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با خبرنگاری تسنیم با اشاره به تصویب تعطیلی شنبه‌ها در صحن مجلس، اظهار داشت: «از دفاتر ۳ مرجع تقلید و همچنین دفتر رهبر انقلاب درباره تعطیلی شنبه‌ها استفتاء کرده‌ایم و هر سه مرجع تقلید و همچنین دفتر رهبر انقلاب با تعطیلی شنبه‌ها مشکلی نداشتند. این مسئله به معنای آن است که این مصوبه از نظر شرعی مشکلی ندارد!» همان روز معلوم شد که اظهارات ایشان درباره موافقت دفتر رهبر معظم انقلاب واقعیت ندارد! و برخی از مراجع محترم نیز تأکید کردند که به هیچ استفتائی پاسخ شفاهی نمی‌دهند بلکه پاسخ حضرات تنها هنگامی معتبر است که به صورت کتبی و با مهر مرجع مورد سؤال باشد که معلوم شد چنین فتوایی با این خصوصیات صادر نشده است!»

او در بخش دیگری از این یادداشت نوشته «سؤال این است که چرا برخی از نمایندگان موافق مصوبه تعطیلی شنبه‌ها در اقدامی که تاکنون سابقه نداشته و چه بدانند و چه نخواستند»

اسلامی ایران نیز به رسمیت شناخته شود. دنیای خارج که چشمان‌شان به ایران اسلامی باز است در این مورد چگونه دآوری می‌کنند و آیا این نشانه غلبه فرهنگ غربی نیست؟» پیش از این نیز خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مطلبی به قلم محمدتقی تقی‌پور طرح تعطیلی شنبه‌ها را «حربه صهیونیسم» اعلام کرده بود.

حسین نوری که به عنوان پژوهشگر ادیان در ایران فعالیت دارد در گفتگو با «جوان آنلاین» هشدار داده بود که تعطیلی روزهای شنبه «نرمالیزاسیون کردن فرهنگ صهیونیسم» است! قابل توجه اینکه پس از تأیید این مصوبه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، برخی نمایندگان مخالف در حال تخریب مصوبه هستند.

جواد کریمی قدوسی نماینده مخالف تعطیلی شنبه در شبکه «ایکس» نوشته «تعطیلی شنبه‌ها در مصوبه اخیر مجلس مبتنی بر رسوخ و نفوذ فرهنگی دشمن در کشور صاحب الزمان است بنده مخالف بودم و به آن رای ندادم.»

لایحه مربوط به تعطیلی شنبه ماه‌ها بود در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گرفتار شده بود اما در نهایت با فشار فعالان اقتصادی و تجار تصویب شد.

تعطیلی روزهای شنبه در تبصره ۳ لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس این لایحه «تمامی دستگاه‌های اجرایی اعم از ستادی و استانی به استثنای واحدهای نظامی، انتظامی و امنیتی و بخش عملیاتی واحدهای خدمت‌رسانی از قبیل بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی، مراکز بهزیستی، بانک‌ها و اماکن ورزشی موظفند ساعات کار خود را در پنج روز هفته از روز یکشنبه تا پنجشنبه تنظیم نمایند. فهرست کامل بخش عملیاتی واحدهای خدمات رسانی موضوع این تبصره طرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسط سازمان اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

حمیدرضا صالحی عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی اما مصوبه مجلس شورای اسلامی را «فرصتی تازه برای

باشند و ندانند، مصداق روشنی از «دور زدن قانون» است، نمایندگان یادشده قبل از اعلام نظر شورای نگهبان درباره مصوبه مورد اشاره، به دفتر رهبر معظم انقلاب و شماری از مراجع محترم تقلید مراجعه کرده و از آن بزرگواران درباره مصوبه تعطیلی شنبه‌ها نظر خواسته‌اند! که البته معلوم شد ادعای موافقت دفتر رهبر معظم انقلاب خلاف واقع است و آنچه از قول مراجع محترم نقل کرده‌اند نیز سندیت ندارد! نمایندگان محترم مجلس می‌دانند که مصوبات مجلس برای تأیید عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی باید به شورای نگهبان برود؛ بنابراین چرا این روال تعریف‌شده قانونی را نادیده گرفته‌اند؟! آیا- خدای نخواست- در پی آن بوده‌اند که با گرفتن تأیید برخی از مراجع، شورای نگهبان را در اعلام مغایرت مصوبه با مبانی اسلامی یا قانون اساسی، تحت فشار قرار بدهند؟! در پایان یادداشت حسین شریعتمداری آمده «از شورای محترم نگهبان این انتظار در میان است که مانند همیشه درباره مصوبه مورد اشاره نیز بیرون از برخی نظرات غیرکارشناسانه اعلام نظر فرمایند.»

تعدادی از امامان جمعه نیز روز گذشته در خطبه‌های خود به موضوع تعطیلی شنبه پرداختند و بطور مستقیم و غیرمستقیم از شورای نگهبان خواستار رد این مصوبه شدند.

محمدجواد حاج علی اکبری امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه «به جامعه مؤمنین برخورد» گفت: «اجازه بدهید از مجلس بابت تعطیلی روز شنبه‌ها گلایه کنیم. شاید دلایل خود را داشته باشند، اما شورای نگهبان فرصت دارد آن را حل و فصل کند.»

آیت‌الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید نیز کار را تا آنجا پیش برده که برای یک مصوبه اقتصادی «بیانیه» صادر کرده و مدعی شده «شنبه روز تعطیلی دشمن است!»

در این بیانیه آمده «در چنین روزهایی که دشمن صهیونیست فزون از هفت ماه، به نسل‌کشی پرداخته و هزاران شهروند غزه را به خاک و خون کشیده است آیا صلاح است در چنین شرایط روز تعطیلی دشمن که شنبه است، در جمهوری



اعتصاب صنف لوازم آرایشی و بهداشتی مقابل سازمان امور مالیاتی - دوشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

افزایش اعتراضات و اعتصابات در هفته سوم اردیبهشت

در هفته‌های گذشته نیز فعالان صنف طلا و جواهر اعتصاب کردند. این اعتصابات در چند شهر از جمله تهران، اصفهان، تبریز، ارومیه، مشهد، قم و بروجرد برای بیش از دو هفته در جریان بود. علت این اعتصاب نیز قوانین جدید مالیاتی و دستورالعمل ثبت سرمایه در سامانه معرفی شده از سوی دولت بود. طلافروشان مجبور بودند سرمایه، معاملات و ریز اطلاعات و مشخصات خریداران را در این سامانه ثبت کنند. این اعتصاب با عقب‌نشینی دولت روبرو شد و وزارت صنعت، معدن و تجارت «صمت» با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد نیازی نیست طلافروشان «سرمایه غیر در گردش» را در سامانه جامع تجارت ثبت کنند اما همچنان مجبور می‌شدند اطلاعات معاملات را برای آنچه «شفافیت در حوزه معاملات طلا» عنوان شده، ثبت کنند.

اینهمه در حالیست که گزارش‌ها و ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد این اعتصاب همچنان از سوی بخش قابل توجهی از فعالان صنفی در جریان است.

در هفته‌ای که گذشت اعتراضات و اعتصابات صنفی دیگری نیز برگزار شد. از جمله کارکنان بخش تولید پالایشگاه تبریز دومین هفته از اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند.

کارکنان بخش تولید شرکت پالایش نفت تبریز که تعداد آنها به بیش از ۶۰۰ نفر می‌رسد، به پرداخت حقوق متناسب با دیگر پالایشگاه‌ها، معوقات، حق معیشت و نیز پرداخت کارانه خود اعتراض دارند. بخشی از نیروهای پیمانکاری پتروشیمی «نگین مکران» در چابهار نیز از روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ در اعتراض به عدم پرداخت معوقات حقوق و دستمزد چهار ماهه خود دست به اعتصاب زدند.

«شرکت سازه پیمانکاری» و «شرکت آوای جهان‌بین» دو شرکت پیمانکاری فعال در پتروشیمی «نگین مکران» از بهمن‌ماه گذشته تا کنون و به مدت چهار ماه دستمزد صدها کارگر شاغل در این پتروشیمی را پرداخت نکردند.

کارگران اعتصاب‌کننده گفته‌اند که «حراست پتروشیمی تهدید کرده همه ما را به جرم اخلال در نظم شرکت تحویل سپاه خواهد داد.»

شماری از بانزشتگان و مالباختگان بانک ملت روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه در مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران دست به اعتراض زدند. همچنین در روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت‌ماه جمعی از شهروندانی که اتومبیل «پژو پارس» را پیش خرید کرده بودند در مقابل ساختمان سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان در تهران دست به تجمع زدند.

شرکت «ایران خودرو» با عمل نکردن به تعهداتش اتومبیل خریداران را تحویل نداد و حالا با اعلام افزایش قیمت تمام شده اتومبیل پول بیشتری را از خریداران طلب کرده است.

● فعالان صنف لوازم آرایشی و بهداشتی روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت مقابل سازمان امور مالیاتی تجمع کردند. این اعتصاب در روزهای بعد با پایین کشیدن کرکره مغازه‌ها در چند شهر از جمله تهران و مشهد ادامه داشت.

● کارکنان بخش تولید شرکت پالایش نفت تبریز که تعداد آنها به بیش از ۶۰۰ نفر می‌رسد، به پرداخت حقوق متناسب با دیگر پالایشگاه‌ها، معوقات، حق معیشت و نیز پرداخت کارانه خود اعتراض دارند.

● بخشی از نیروهای پیمانکاری پتروشیمی «نگین مکران» در چابهار نیز از روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ در اعتراض به عدم پرداخت معوقات حقوق و دستمزد چهار ماهه خود دست به اعتصاب زدند.

● شماری از بانزشتگان و مالباختگان بانک ملت روز سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه در مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در روزهای گذشته صنف لوازم آرایشی و بهداشتی در چند شهر ایران و در اعتراض به قانون مالیات بر ارزش افزوده اعتصاب کردند. اعتراضات و اعتصابات دیگری از جمله از سوی کارکنان بخش تولید پالایشگاه تبریز و کارگران پتروشیمی نگین مکران در چابهار برگزار شده است.

صنف لوازم آرایشی و بهداشتی از دوشنبه هفته جاری در اعتراض به افزایش رقم قانون مالیات بر ارزش افزوده اعتصاب کردند. شمار زیادی از فعالان این صنف روز دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳ مقابل سازمان امور مالیاتی در تهران تجمع کردند. این اعتصاب در روزهای بعد با پایین کشیدن کرکره مغازه‌ها در چند شهر از جمله تهران و مشهد ادامه داشت.

مالیات بر ارزش افزوده به معنای افزوده شدن یک رقم بر قیمت تمام شده کالا و خدمات است که خریدار این رقم را به علاوه قیمت کالا پرداخت می‌کند. این مالیات از خریداران گرفته و مستقیم به دولت پرداخت می‌شود. رقم مالیات بر ارزش افزوده سال گذشته ۹ درصد بود و امسال با یک درصد افزایش به ۱۰ درصد رسیده است. به این معنا که اگر قیمت یک کالا دو میلیون تومان است و با این قیمت در فروشگاه به فروش می‌رسد، هنگام خرید، خریدار باید دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان پرداخت کند؛ ۲۰۰ هزار تومان مازاد معادل ۱۰ درصد از قیمت کالا و همان رقم مالیات بر ارزش افزوده است. هرچند فروشندگان قرار نیست این مالیات را پرداخت کنند اما به دلیل اینکه قدرت خرید مردم به خاطر تورم و کاهش ارزش پول ملی پایین آمده، اصناف مختلف با کاهش تقاضا روبرو هستند و معتقدند رقم ۱۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده سبب کاهش تمایل مردم به خرید خواهد شد و فعالان صنفی با رکود در کسب و کار و کاهش درآمد روبرو می‌شوند.

→ تجارت خارجی ایران» ارزیابی کرده و گفته «ممکن است بعضی‌ها بگویند روابط بانکی ایران با دنیا قطع است و تعطیلی شنبه کمکی به ما نمی‌کند، به نظر این صحبت غیرکارشناسی است، تعطیلی شنبه می‌تواند در این رابطه هم کورسوی امیدی باشد و در سال آینده حجم مبادلات تجاری ما به بیش از مقدار فعلی برسد.»

عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی گفته «به هر دلیلی اقتصاد ما عقب‌مانده است، اگر به دنبال این هستیم که از این به بعد راه اشتباه را نرویم و راه درست را برای نجات اقتصاد کشور انتخاب کنیم، باید بتوانیم از تمام ظرفیت‌های کشور استفاده کنیم و ارزش افزوده ایجاد کنیم که یکی از مواردی که می‌تواند فرصت بیشتری برای کشور فراهم کند، همین تعطیلی شنبه بود که واقعا حرکت بزرگ، یک صدا و شجاعانه‌ای از طرف مجلس بود.»

علی اصغر جمعه‌ای، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران نیز گفته «تصمیم مجلس درباره تعطیلی روز شنبه به عنوان دومین روز تعطیلی آخر هفته آگاهانه و مسئولانه بود. امیدوارم شورای نگهبان هم با این تغییر همراه باشد.»

علی اصغر جمعه‌ای گفته «همراهی شورای نگهبان نشان می‌دهد که آنها شرایط جهانی را درک کرده‌اند و به خواست فعالان اقتصادی و ملت ایران درباره برقراری بهینه روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پاسخ داده‌اند. همراهی نمایندگان مجلس با واقعیت‌های اقتصاد جهانی سبب می‌شود روابط اقتصادی کشور با کشورهای دنیا در بستر زمانی مناسبی اتفاق بیافتد.»

اکنون به نظر می‌رسد با موجی از مخالفت‌ها که حتی به تریبون‌های نماز جمعه و صدور بیانیه از سوی یکی از مراجع تقلید کشید شده، این لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شود.

در اینباره احسان ارکانی عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی گفته «اگر شورای نگهبان تأیید کند، مصوبه رسمی شده و برای اجرا ابلاغ می‌شود. اگر تأیید نشود، تعیین تکلیف به عهده مجلس بعدی است که یا مصوبه را تغییر داده و روز پنجشنبه را به عنوان روز دوم تعطیل انتخاب کند یا با پافشاری بر مصوبه فعلی، موضوع به مجمع تشخیص ارسال شود.»

پیش از این اتاق بازرگانی ایران در بیانیه‌ای به لزوم تعطیلی شنبه تأکید و از مخالفان انتقاد کرده و نوشته بود: «اسباب نگرانی است که نمایندگان محترم مردم در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در تازه‌ترین تصمیم خود با بی‌توجهی به پیشنهاد منطقی، کارشناسانه و مبتنی بر منافع ملی که توسط فعالان اقتصادی و صاحبان کسب و کار در مورد تعیین روز شنبه به عنوان دومین روز تعطیلات پایان هفته ارائه شده بود.» اتاق بازرگانی تهران تأکید کرده بود که «تصمیم اخیر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در صورت تأیید نهایی و تبدیل به قانون جاری کشور، قطع ارتباط اقتصاد کشور با بازارهای بین‌المللی را به چهار روز در هفته افزایش می‌دهد.»

این بیانیه افزوده بود: «سالیان متمادی است که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، بی‌توجهی به پیشنهادات فعالان اقتصادی را با بهانه‌هایی چون تفاوت مطالبات، یکدست نبودن خواسته‌ها و ناهماهنگی نظرات توجیه می‌کنند اما تصمیم اخیر نشان داد که این بی‌توجهی از عدم باور قلبی و ذهنی به فعالان عرصه تولید و تجارت و بی‌اعتنایی نهادینه شده به آن در حکمرانی اقتصادی کشور نشأت می‌گیرد که طی دهه‌های گذشته خلاف تمام توصیه‌ها، همواره موانع متعددی در برابر توسعه بخش خصوصی و سپردن امور اقتصادی به دست مردم ایجاد کرده است.»

مرگ رئیسی از ورزش تا مدارس را تعطیل کرد و فعالیت‌های کشور را به تعویق انداخت! تشدید تهدیدهای امنیتی علیه شهروندان



مراسم تشییع رئیسی و دیگر کشته‌شدگان حادثه سقوط بالگرد، تبریز اول خردادماه ۱۴۰۳

که باید با افرادی که با انتشار مطالبی درباره کشته شدن رئیسی اقدام به «توهین» یا «مخدوش ساختن امنیت روانی جامعه و تشویش اذهان عمومی» می‌کنند، به شدت برخورد شود.

پلیس فتای نیروی انتظامی هم مردم را تهدید کرده که «با دقت تمام در حال رصد فضای مجازی هستیم». این نهاد سرکوب اعلام کرده کاربران شبکه‌های اجتماعی از انتشار هرگونه محتوایی که به هر نحوی باعث تحریک و تشویش احساسات عمومی می‌شود خودداری کنند.

گزارش‌های دیگری نیز از تشدید فضای امنیتی و افزایش احضارها خبر می‌دهند. شقایق محمدی همسر محمدحسین مرادمند بازیکن تیم «تاج» (استقلال) تهران پس از انتشار قسمتی از شعر حافظ در استوری اینستاگرام خود که در آن آمده است «خوش باش که ظالم تَبَرَد راه به منزل»، از تماس و تهدید به بازداشت خود خبر داده است.

شقایق محمدی در استوری دیگری با اشاره به تهدید و احضار خود توسط نهادهای امنیتی، نوشته که «چیزی جز آزادی که حق همه انسان‌ها است، آرزویی در سر در ندارم». وی اعلام کرده «بدون ذره‌ای تردید فردا در ساعت و آدرس تعیین شده توسط شما حضور خواهم داشت».

«کمپین حقوق بشر در ایران» روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که حاکمیت جمهوری اسلامی نباید از مرگ ابراهیم رئیسی برای سرکوب و خشونت بیشتر علیه جامعه مدنی و مخالفان صلحجوی مردمی سوء استفاده کند. هادی قائمی مدیر کمپین حقوق بشر ایران گفته است «در حالی که دولت تلاش دارد تا قدرت خود را حفظ کند، جامعه بین‌المللی باید مراقب هرگونه تشدید احتمالی سرکوب جامعه مدنی در ایران باشد و به آن واکنش نشان دهد».

هادی قائمی تأکید کرده که «رئیسیتون نظامی بود که مردم را به خاطر جرأت انتقاد از سیاست‌های حکومت زندانی، شکنجه و کشتار می‌کرد. مرگ او این امکان را برای حاکمیت فراهم کرده تا از پاسخگویی به جنایات بسیاری که تحت دولت او صورت گرفته بگریزد».

شروین اسبقیان معاون وزارت ورزش و جوانان نیز اعلام کرد که بنا به دستور وزیر، مسابقات ورزشی کشور در هفته جاری لغو شده است. او افزود که «برنامه جدید مسابقات از سوی ادارات کل استانی و فدراسیون‌ها اعلام خواهد شد». همچنین طی اطلاعیه‌ای از امروز تا اطلاع ثانوی همه سینماهای کشور تعطیل هستند و نمایش تمامی فیلم‌ها و تئاترهای کمدی و غیرکمدی نیز لغو شده است. قرار است انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری برای تعیین رئیس چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی روز هشتم تیرماه برگزار شود. پیش از این اعلام شده بود کنکور سراسری در هفتم و هشتم تیرماه برگزار خواهد شد. اکنون سازمان سنجش در اطلاعیه‌ای از به تعویق افتادن زمان کنکور نیز خبر داده است. تعویق امتحانات مدارس هم پیشتر اعلام شده بود.

در این اطلاعیه آمده که «با توجه به برگزاری انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ هشتم تیرماه، برگزاری آزمون مذکور به دلیل همزمانی با انتخابات ریاست جمهوری به روزهای ۲۱ و ۲۲ تیرماه سال ۱۴۰۳ موکول شد». برگزاری مراسم تشییع و تدفین ابراهیم رئیسی و دیگر همراهانش در حالی برگزار می‌شود که بجز بخش اندکی از حکومتی‌ها، دیگر شهروندان از مرگ ابراهیم رئیسی به عنوان یکی از مقاماتی که در چهار دهه گذشته، از عضویت در «هیئت مرگ» تا ریاست قوه قضاییه و ریاست دولت سیزدهم، در اعدام و سرکوب مردم ایران نقش موثر داشته شادمان بوده و با طنز و تمسخر با مرگ او و برگزاری مراسم‌اش برخورد می‌کنند.

در آنسو اما مقامات امنیتی و قضایی در حال تهدید گسترده شهروندان در رابطه با اظهارات‌شان در شبکه‌های اجتماعی هستند. در همین رابطه محمد موحدی آزاد دادستان کل کشور روز دوشنبه با انتشار بخشنامه‌ای شهروندان را برای اظهار نظرهایشان در شبکه‌های اجتماعی تهدید کرد.

در این بخشنامه به دادستان‌های سراسر کشور گفته شده

● جسد سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» از امروز صبح در شهرهای مختلف ایران گردانده می‌شود و جمهوری اسلامی طی یک «نمایش» تبلیغاتی او را در پنج شهر تشییع می‌کند.

● در حالی که بازار بورس از دیروز تا اطلاع ثانوی تعطیل شده، سازمان سنجش نیز در اطلاعیه‌ای از به تعویق افتادن زمان کنکور خبر داده است. امتحان مدارس نیز به تعویق افتاده است.

با مرگ ابراهیم رئیسی بخش زیادی از فعالیت‌ها از جمله در ورزش و هنر تعطیل شده است. مدارس ایران فردا چهارشنبه دوم خردادماه به دلیل تشییع اجساد مقامات که در سقوط هلی‌کوپتر روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ کشته شدند، تعطیل اعلام شده و نوبت دوم کنکور سراسری نیز به تعویق افتاده است. مقامات امنیتی و قضایی شهروندان را در رابطه با اظهار نظر درباره مرگ رئیسی تهدید کرده‌اند و همزمان سرعت اینترنت در برخی شهرها کم شده است. جسد سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» از امروز صبح در شهرهای مختلف ایران گردانده می‌شود و جمهوری اسلامی طی یک «نمایش» تبلیغاتی او را در پنج شهر تشییع می‌کند.

محسن منصوری معاون اجرایی دولت سیزدهم که اکنون به عنوان «مسئول کمیته تشییع» رئیسی فعال است، گفته مراسم تدفین ابراهیم رئیسی شامگاه جمعه چهارم خرداد در «حرم امام رضا» در مشهد انجام می‌گیرد. اما مراسم تشییع جسد او از صبح امروز سه‌شنبه اول خردادماه از تبریز آغاز شد و سپس به قم منتقل و پس از تشییع در «حرم حضرت معصومه» به تهران برده شد. صبح چهارشنبه دوم خرداد نیز قرار است در مصالای تهران مراسم تشییع دیگری برگزار شود. در صبح پنجشنبه سوم خرداد مراسم تشییع در بیرجند برگزار و پس از آن جسد به مشهد منتقل می‌شود. پیشتر علی خامنه‌ای به همین مناسبت ۵ روز عزای عمومی اعلام کرده بود.

همزمان اعلام شده روز چهارشنبه اول خردادماه کشور «تعطیل سراسری» است. محسن منصوری همچنین اعلام کرده که «با هماهنگی وزیر آموزش و پرورش همه امتحانات دانش‌آموزان از سه‌شنبه تا پایان هفته لغو شد. زمان برگزاری آزمون‌های جایگزین توسط آموزش و پرورش اعلام می‌شود». استاندار آذربایجان شرقی نیز امروز سه‌شنبه و همزمان با برگزاری مراسم تشییع رئیسی، کلیه ادارات و دستگاه‌های اجرایی شهرستان تبریز را تعطیل اعلام کرد.

بیژن عبدالهی رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی و تجهیز مجالس هم درباره لغو برگزاری مراسم عروسی گفته که «تا این لحظه متوقف نشده و دستوری در اینباره وجود نداشته» اما «به سالن‌داران و تالارهای مجالس اعلام کردیم تا مراسم‌ها و عروسی‌های خود را با حداقل سروصدا برگزار کنند؛ بیرون سالن‌ها چراغانی نباشد، آتش‌بازی نداشته باشند، موسیقی در صورت امکان کامل حذف شود». در واقع می‌خواهند که مردم مراسم جشن و عروسی خود را با حذف شادی و موسیقی به عزا تبدیل کنند!

رضا عیوضلو عضو هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار نیز روز گذشته از تعطیلی تمام بازارهای بورس خبر داد و افزود: «برای روزهای آینده متعاقبا اطلاع‌رسانی خواهد شد».

«پسر عمه منوچهر بختیاری» مهندس پرواز هلی کوپتر رئیسی بود؛ توصیه امنیتی‌ها به نظام: از هیچ احتمالی نباید به سادگی گذشت



سرگرد بهروز قدیمی مهندس پرواز

خانم‌های و یا پوستری از قاسم سلیمانی بر در دیوارها نیست و دست‌کم در تصاویر منتشر شده چنین نشانه‌هایی از رژیم در گوشه و کنار خانه مشخص نیست.

پیش از اینها در محافل غیررسمی مطرح شده بود که در خانواده منوچهر بختیاری افراد نظامی زیاد است، هرچند که خود او نیز به عنوان عضوی از سپاه پاسداران سابقه حضور در جنگ ایران و عراق را دارد.

بعضی کاربران در رسانه‌های اجتماعی نوشته‌اند نباید این شایعات برای خانواده بختیاری در حالی که پدر و مادر پویا هر دو در زندان هستند، دردسر بیشتری درست کرد اما بعضی دیگر در پاسخ نوشته‌اند به نظر می‌رسد این خانواده از حکومت واهمه‌ای ندارند و واقعیات را می‌گویند.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی بررسی علت سقوط هلی کوپتر حامل رئیسی و دیگر مقامات رژیم را آغاز کرده‌است. اگرچه در شرایطی که شفافیت لازم وجود ندارد و هرگز از سوی رژیم نه تنها به درستی اطلاع‌رسانی نمی‌شود بلکه مقامات مسئول دروغ گفته و پنهانکاری نیز می‌کنند، این شایعات مربوط به دخالت کادر پرواز در سقوط هلی کوپتر قابل راست‌آزمایی نیست، با این حال دو چهره امنیتی نظام درباره این قبیل احتمالات از جمله خرابکاری و دستکاری اظهار نظر کرده‌اند. حسام‌الدین آشنا مشاور پیشین حسن روحانی خطاب به مسئولان نظام نوشت، «شما را به حرمت همه شهیدان سوگند می‌دهیم که در بررسی حادثه بالگرد، از هیچ احتمالی به سادگی نگذرید.»

علی ربیعی مشهور به «عباد» عضو سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در یادداشتی تأکید کرد «مسائل فنی و خبرهای متناقضی که منتشر شد، نیازمند بحث‌های کارشناسی دقیق است.»

پیش از این محمد آقامیری عضو شورای اسلامی شهر تهران روز سه‌شنبه اول خرداد در جلسه این شورا گفته بود، «گزارش و صحبت‌هایی شده که ممکن است این حادثه صرفاً سانحه به خاطر آب و هوا نباشد و مسائل دیگری در کار باشد. دستگاه‌های امنیتی با دقت بررسی کنند.»

بوده و از این زاویه مطرح کرده‌اند که کادر پرواز جانفشانی کردند تا شرفی شماره‌ای از مقامات بلندپایه نظام را از سر مردم کم کنند. شایعه‌ای که اگرچه راست‌آزمایی آن به ویژه در شرایط کنونی ناممکن است اما به فضای عدم اطمینان در حکومت دامن زده و سبب می‌شود تا هیچکدام از مقامات رژیم به رانندگان و خلبان‌ها و حتا محافظانی که آنها را جایجا می‌کنند، اعتماد نداشته باشند!

در این میان، یک مورد خاص باور آنها را می‌رساند که معتقدند کادر پرواز با اقدام خود این سانحه را رقم زده است تقویت می‌کند. صبا بختیاری عمه پویا بختیاری از جانب‌اختگان آبان ۹۸ سه‌شنبه شب اول خرداد با هشتگ «پاینده ایران» در «ایکس» نوشت «تکنیسین پرواز» یعنی بهروز قدیمی «پسر عمه ما بود، یاد و نامش گرمی، روحش شاد.»

به این خبر بلافاصله واکنش‌های بسیاری در رسانه‌های اجتماعی نشان داده شد؛ برخی نوشتند بعید است فردی که با حکومت زاویه داشته باشد به عنوان مهندس پرواز هلی کوپتری استخدام شود که مقامات عالی نظام را جایجا می‌کنند. از سوی دیگر، منابع داخلی نیز تأیید کردند که خلبان دوم این پرواز یعنی سرهنگ آبنوش اهل چهارمحال و بختیاری است. استانی که اعتراضات علیه رژیم در سال‌های اخیر در آنجا بسیار چشمگیر بوده و ده‌ها کشته و زخمی و زندانی داشته است. اگرچه شماری حامیان نظام در واکنش به خبر صبا بختیاری احتمال اقدام شجاعانه کادر پرواز را «توهمت براندازها» خوانده‌اند اما با توجه به اینکه بختیاری‌ها از اقوامی هستند که به ملی‌گرایی و وطن‌دوستی شهرت دارند و از مخالفان سرسخت جمهوری اسلامی به شمار می‌روند، به نظر می‌رسد این مورد خاص برای هواداران حکومت و حتا برخی مقامات سؤال‌برانگیز شده است.

بر اساس تصاویری که خبرگزاری‌های رسمی حکومت از دیدار فرماندهان ارشد ارتش و سپاه با خانواده کادر پرواز هلی کوپتر منتشر کرده‌اند، دیده می‌شود که اگرچه مذهبی به نظر می‌رسند اما در منزل آنها برخلاف ظاهر منازل کشته‌شدگان سپاه پاسداران، خبری از قاب عکس خمینی یا

صبا بختیاری عمه پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸ سه‌شنبه شب اول خرداد با هشتگ «پاینده ایران» در «ایکس» نوشت «تکنیسین پرواز» یعنی بهروز قدیمی «پسر عمه ما بود، یاد و نامش گرمی، روحش شاد.» برخی احتمال داده‌اند این سانحه عمدی بوده و کادر پرواز جانفشانی کردند تا شرفی شماره‌ای از مقامات بلندپایه نظام را از سر مردم کم کنند. شایعه‌ای که اگرچه راست‌آزمایی آن به ویژه در شرایط کنونی ناممکن است اما به فضای عدم اطمینان در حکومت دامن زده و سبب می‌شود تا هیچکدام از مقامات رژیم به رانندگان و خلبان‌ها و حتا محافظانی که آنها را جایجا می‌کنند، اعتماد نداشته باشند! در مقابل اما بعضی از حامیان نظام در واکنش به توییت صبا بختیاری احتمال اقدام کادر پرواز را «توهمت براندازها» خوانده‌اند.

شماری کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند نباید با این شایعات برای خانواده بختیاری در حالی که پدر و مادر پویا هر دو در زندان هستند، دردسر بیشتری درست کرد اما بعضی دیگر در پاسخ نوشته‌اند به نظر می‌رسد این خانواده از حکومت واهمه‌ای ندارند و واقعیات را می‌گویند.

بر اساس تصاویری که خبرگزاری‌های رسمی حکومت از دیدار فرماندهان ارشد ارتش و سپاه با خانواده کادر پرواز هلی کوپتر منتشر کرده‌اند، دیده می‌شود که اگرچه مذهبی به نظر می‌رسند اما در منزل آنها برخلاف ظاهر منازل کشته‌شدگان سپاه پاسداران، خبری از قاب عکس خمینی یا خانم‌های و یا پوستری از قاسم سلیمانی بر در دیوارها نیست و دست‌کم در تصاویر منتشر شده چنین نشانه‌هایی از رژیم در گوشه و کنار خانه مشخص نیست.

در این میان، حسام‌الدین آشنا مشاور پیشین حسن روحانی خطاب به مسئولان نظام نوشت، «شما را به حرمت همه شهیدان سوگند می‌دهیم که در بررسی حادثه بالگرد، از هیچ احتمالی به سادگی نگذرید.» علی ربیعی مشهور به «عباد» عضو سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در یادداشتی تأکید کرد «مسائل فنی و خبرهای متناقضی که منتشر شد، نیازمند بحث‌های کارشناسی دقیق است.»

چهار روز پس از سقوط هلی کوپتر حامل ابراهیم رئیسی در ارتفاعات ورزقان، عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی به همراه حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش (سه‌شنبه اول خرداد) برای ابراز تسلیت به خانواده کادر پرواز این هلی کوپتر به خانه‌ی آنها رفتند.

سرهنگ سید طاهر مصطفوی (خلبان اول)، سرهنگ محسن دریانوش (کمک خلبان) و سرگرد بهروز قدیمی (مهندس پرواز) کادر پرواز هلی کوپتری بودند که در یک سانحه مشکوک در ارتفاعات استان آذربایجان شرقی سقوط کرد و تمام هشت سرنشین آن (که در خبرهای اولیه ۹ تن اعلام شده بود) کشته شدند.

کادر پرواز هلی کوپتر «بل ۴۱۲-» که در جنگ‌های ارسباران سقوط کرد همگی از پرسنل نیروی هوایی ارتش بودند. سناریوها و فرضیه‌های مختلفی به صورت غیررسمی از سوی مردم و کاربران در شبکه‌های اجتماعی و محافل خصوصی در ارتباط با علت این سانحه مطرح شده است. در این میان برخی احتمال داده‌اند که این سانحه عمدی

محکومیت ۱۵ شهروند زن بهائی ساکن اصفهان به حبس، جزای نقدی و محرومیت‌های اجتماعی



مکاتبات دولتی با بهائیان را بررسی کرده‌اند. در این گزارش اشاره شده بود که بهائیان بزرگترین اقلیت دینی غیرمسلمان در ایران هستند و تعدادشان در زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی انقلاب ۳۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شد. «دیده‌بان حقوق بشر» در این گزارش ۳۸ صفحه‌ای می‌نویسد در سال ۱۹۸۳ میلادی، مقامات جمهوری اسلامی تمامی فعالیت‌های تشکیلاتی و اجتماعی بهائیان را ممنوع کردند و در عمل پیروی از این دین را جرم تعریف کردند.

این سازمان در گزارش خود اعلام کرد که جمهوری اسلامی سرکوب بهائیان را در قوانین و سیاست‌های خود نهادینه کرده و از طریق نیروهای امنیتی و مقامات قضایی این سرکوب را دنبال می‌کند.

حکومت ایران بیش از چهار سال است که از گورستان خاوران برای دفن اجباری بهائیان استفاده کرده است. بدون اجازه دادن به حضور خانواده‌ها و یا رعایت آداب کفن و دفن بهائی. هتک حرمت قبور یک جنبه دائمی از کارزار ۴۵ ساله حکومت ایران برای سرکوب سیستماتیک بهائیان است که در پی سال‌ها آزار و اذیت در ارتباط با آرامستان‌ها صورت می‌گیرد.

جامعه جهانی بهایی در اسفند ۱۴۰۲ گزارش داده بود که قبور جدید بیش از ۳۰ درگذشته بهائی در گورستان جمعی خاوران تهران، توسط مقامات حکومت ایران ویران و تخریب شده است. مسئولین نشانه‌های روی قبرها را برداشته و با لودر و بولدورز قبور را صاف کرده بودند تا حالت قبر نداشته باشد. این کار همچنین به نحوی انجام شده بود که به نظر برسد هیچ قبری در آن محل وجود نداشته است. پیکر این بهائیان تنها در چند ماه پیش‌تر به خاک سپرده شده بودند، در حالی که در تخریب آرامستان‌های بهائیان در گذشته، مکان‌هایی هدف قرار می‌گرفتند که ←

مریم خورسندی، فیروزه راستی‌نژاد و فرخنده رضوان پی، هر کدام به ۵ سال حبس، پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی، پنج سال محرومیت از خدمات اجتماعی و دو سال منع خروج از کشور محکوم شده‌اند. مجازات در نظر گرفته شده برای این شهروندان بهایی به اتهام «فعالیت آموزشی و تبلیغی مغایر با شرع اسلام» عنوان شده است.

این پانزده شهروند بهائی در تاریخ دوازدهم اردیبهشت ماه سال جاری به شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان احضار شده بودند. در تاریخ بیستم فروردین ماه، کیفرخواست پرونده این شهروندان بهائی با اتهامات «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» و «مشارکت در انجام فعالیت تبلیغی و آموزشی انحرافی مغایر با شرع مقدس اسلام» توسط شعبه هجدهم بازپرسی دادسرای اصفهان صادر شد.

از میان این شهروندان رویا آزادخوش، آرزیتا رضوانی خواه، سارا شکیب، ساناز راسته، شعله آشوری، شورانگیز بهامین، فیروزه راستی‌نژاد، مریم خورسندی، مژگان پورشفیع، نسرین خادمی و نوشین همت در سال ۱۴۰۰ بازداشت و پس از مدتی با تودیع وثیقه آزاد شده بودند.

همچنین پیش‌تر منازل مژده بهامین، فرخنده رضوان پی، بشری مطهر و سمیرا شکیب مورد تفتیش نیروهای امنیتی قرار گرفته بود.

«دیده‌بان حقوق بشر» نیز پیش از این گزارشی درباره آزار و اذیت ایرانیان بهایی در روز دوشنبه سیزدهم فروردین با عنوان «چکمه روی گردن» منتشر کرد.

این گزارش مبتنی بر صدها مدرک و شهادت از نقض حقوق بشر توسط مقامات جمهوری اسلامی علیه ایرانیان بهائی است که در چهاردهه گذشته توسط این سازمان و همچنین گروه‌های حقوق بشری ایرانی جمع‌آوری شده است. برای نگارش این گزارش، پژوهشگران «دیده‌بان حقوق بشر» ده‌ها مورد از مقررات حکومتی و اسناد دادگاه‌ها و

● بر اساس حکمی که توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان صادر و به این شهروندان ابلاغ شده، مژگان پورشفیع اردستانی، نسرین خادمی قهقرخی، آرزیتا رضوانی خواه، شعله آشوری، مژده بهامین، بشری مطهر، سارا شکیب، سمیرا شکیب، رویا آزادخوش، نوشین همت، شورانگیز بهامین، ساناز راسته، مریم خورسندی، فیروزه راستی‌نژاد و فرخنده رضوان پی، هر کدام به ۵ سال حبس، پرداخت ۵۰ میلیون تومان جزای نقدی، پنج سال محرومیت از خدمات اجتماعی و دو سال منع خروج از کشور محکوم شده‌اند.

پانزده شهروند بهائی ساکن بهارستان اصفهان توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان مجموعاً به سال‌ها حبس، ۷۵۰ میلیون تومان جزای نقدی و ممنوعیت خروج از کشور و محرومیت‌های اجتماعی محکوم شدند.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پانزده شهروند بهائی ساکن بهارستان اصفهان به نام مژگان پورشفیع اردستانی، نسرین خادمی قهقرخی، آرزیتا رضوانی خواه، شعله آشوری، مژده بهامین، بشری مطهر، سارا شکیب، سمیرا شکیب، رویا آزادخوش، نوشین همت، شورانگیز بهامین، ساناز راسته، مریم خورسندی، فیروزه راستی‌نژاد و فرخنده رضوان پی، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان مجموعاً به ۷۵ سال حبس، ۷۵۰ میلیون تومان جزای نقدی و ممنوعیت خروج از کشور و محرومیت‌های اجتماعی محکوم شدند.

بر اساس حکمی که روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳ توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اصفهان صادر و به این شهروندان ابلاغ شده، مژگان پورشفیع اردستانی، نسرین خادمی قهقرخی، آرزیتا رضوانی خواه، شعله آشوری، مژده بهامین، بشری مطهر، سارا شکیب، سمیرا شکیب، رویا آزادخوش، نوشین همت، شورانگیز بهامین، ساناز راسته،

تحریم ۱۰ شخص و نهاد جمهوری اسلامی توسط اتحادیه اروپا همزمان با «ابراز همدردی» برای مرگ «قصاب تهران»



مایش پهبادهای سپاه و ارتش در رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

نیز از جوزپ بورل پرسید: «آیا می‌توانی دوباره به چشمان زنان شجاع و مبارزان آزادی ایران نگاه کنی؟ آیا می‌توانید دوباره به چشمان خانواده فلودروس یا جلالی نگاه کنید؟ من می‌توانم. شرم بر شما!»

راب روز نماینده مستقل پارلمان اروپا نیز ابراز همبستگی اتحادیه اروپا را «توهین به مردم ستمدیده ایران» خواند و چارلی وایمرز نماینده سوئد در پارلمان اروپا در پست‌های متعدد تسلیت‌گویندگان از جمله جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا را خطاب قرار داده و نوشت که به اسم او تسلیت نگوید.

انتقادات علیه مقامات ارشد اتحادیه اروپا برای تسلیت به جمهوری اسلامی زیاد است. آسیتا کانکو نماینده پارلمان اروپا از حزب «اتحاد جدید فلامان» گفت از ابراز همدردی اتحادیه اروپا «شوکه شده» و تنو فرانکن وزیر سابق مهاجرت بلژیک «تسلیت اروپایی‌ها به خاطر مرگ یک قصاب و یک قاتل زنجیره‌ای بی‌رحم» را محکوم کرد. وی نیز گفت: «شما از طرف من صحبت نمی‌کنید.»

در سقوط هلی‌کوپتر در ارتفاعات استان آذربایجان شرقی بوده است.

اعمال این تحریم‌ها در شرایطی رسانه‌ای شده که انتقاد به مقامات اروپایی به دلیل ابراز همدردی با جمهوری اسلامی و ارسال پیام‌های تسلیت برای مرگ ابراهیم رئیسی موج گسترده‌ای از انتقادات به همراه داشت.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با انتشار پیامی سانحه هلی‌کوپتر را «غم‌انگیز» خواند و گفت، «اتحادیه اروپا با خانواده‌های قربانیان و شهروندان ایرانی متأثر از این حادثه ابراز همدردی می‌کند.»

همچنین وزارت خارجه فرانسه با صدور بیانیه‌ای درگذشت رئیسی، امیرعبداللهیان و هیئت همراه را تسلیت گفت و با خانواده «قربانیان این سانحه ابراز همدردی» کرد.

خیرت ویلدرس سیاستمدار هلندی در واکنش به پیام چارلز میشل رئیس شورای اروپا نوشت: «از طرف من تسلیت نگوی!» همسو با وی دیوید لگا نماینده سوئدی پارلمان اروپا

● خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه ۲۲ ماه مه (دوم خرداد) به نقل از «منابع آگاه» که نخواستند نامشان فاش شود نوشت این اقدام به حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های نیابتی شبه‌نظامی آن در خاورمیانه و منطقه دریای سرخ و همچنین حمایت نظامی تهران از روسیه مربوط است.»

● رهبران اتحادیه اروپا پیش از این توافق کرده بودند که تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را پس از حمله موشکی و پهبادی به اسرائیل افزایش دهد هرچند پس از آن حملات تحریم‌هایی را اعمال کرده بودند.

● این گزارش مشخص نکرده است چه افراد و نهادهای جمهوری اسلامی به فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا اضافه شده‌اند.

کشورهای اتحادیه اروپا توافق کردند ۱۰ شخص حقیقی و حقوقی در جمهوری اسلامی را به فهرست تحریم‌های خود اضافه کنند.

خبرگزاری رویترز روز چهارشنبه ۲۲ ماه مه (دوم خرداد) به نقل از «منابع آگاه» که نخواستند نامشان فاش شود نوشت این اقدام به حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های نیابتی شبه‌نظامی آن در خاورمیانه و منطقه دریای سرخ و همچنین حمایت نظامی تهران از روسیه مربوط است.»

رهبران اتحادیه اروپا پیش از این توافق کرده بودند که تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را پس از حمله موشکی و پهبادی به اسرائیل افزایش دهند هرچند پس از آن حملات تحریم‌هایی را اعمال کرده بودند. این گزارش مشخص نکرده است چه افراد و نهادهای جمهوری اسلامی به فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا اضافه شده‌اند.

جوزپ بورل رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا اوایل اردیبهشت اعلام کرده بود که این اتحادیه به دنبال حملات موشکی و پهبادی جمهوری اسلامی به اسرائیل، بطور اصولی با گسترش تحریم‌ها علیه تهران موافقت کرده است با اینهمه بورل با قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا مخالف است.

وی ادعا می‌کند هنوز بر سر اینکه کدام مبنای قانونی می‌تواند اساس افزودن سپاه به تحریم‌های اتحادیه اروپا به عنوان یک گروه تروریستی باشد، توافقی حاصل نشده است. اعلام خبر تصمیم اروپا برای افزایش تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در شرایطی بود که جمهوری اسلامی سرگرم برگزاری مراسم تشییع جنازه ابراهیم رئیسی و همراهان وی

چندین دهه قدمت داشتند.

پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، جامعه بهائی تهران صاحب ۸۰,۰۰۰ مترمربع زمین آرامستان در منطقه خاوران تهران و یک و نیم میلیون مترمربع زمین آرامستان در کبیرآباد بود. هر دو ملک در دهه ۶۰ توسط حکومت تازه تأسیس جمهوری اسلامی مصادره و حداقل ۱۵,۰۰۰ قبر در آرامستان واقع در منطقه خاوران تخریب شدند.

آرامستان خاوران تهران محل به خاک سپرده شدن هزاران قربانی سیاسی است که در دهه ۱۹۸۰ توسط جمهوری اسلامی کشته شده و در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند. تلاش برای دریافت مبالغ گزاف از بهائیان داغدار برای استفاده از آرامستان متعلق به خودشان در تهران و دفن

متوفی آن‌ها در گور دسته‌جمعی دهه ۱۹۸۰ تلاشی برای پاک کردن خاطره هزاران قربانی سیاسی و وارد کردن آسیب‌های بیشتر به جامعه ستمدیده بهائیان ایران است. شهروندان بهائی در ایران از آزادی‌های مرتبط به باورهای دینی محروم هستند، این محرومیت سیستماتیک در حالی است که طبق ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هر شخصی حق دارد از آزادی دین و تغییر دین با اعتقاد و همچنین آزادی اظهار آن به طور فردی یا جمعی و به طور علنی یا در خفا برخوردار باشد.

بهائیان از سال ۱۹۷۹ بطور سیستماتیک در ایران مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، از جمله با بازداشت خودسرانه،

محکومیت به حبس با اتهامات بی‌اساس، محرومیت از تحصیل و امرار معاش، مصادره و تخریب خانه‌هایشان، مورد تهمت و افترا قرار گرفتن از طریق نفرت‌پراکنی و هتک حرمت آرامستان‌هایشان که همه بخشی از کارزار حکومت برای تخریب جامعه بهائی ایران بوده است.

بر اساس منابع غیررسمی در ایران بیش از سیصد هزار نفر بهائی وجود دارد اما قانون اساسی جمهوری اسلامی فقط اسلام، مسیحیت، یهودیت و دین زرتشت را به رسمیت شناخته و مذهب بهائیان را به رسمیت نمی‌شناسد. به همین دلیل طی سالیان گذشته همواره حقوق بهائیان در ایران به صورت سیستماتیک و خشن و در ابعاد ضد بشری نقض شده است.

الهه محمدی روزنامه‌نگار جایزه آزادی مطبوعاتی «خوزه گوزو» را به یک خبرنگار اسپانیایی و خبرنگاران فلسطینی تقدیم کرد



الهه محمدی

فاجعه‌ی سیل و ناکارآمدی مسئولان در مشهد مقامات به دنبال مقصر می‌گردند!

● زینب رحیمی خبرنگار محیط زیست در ایران روز جمعه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که «فرماندار تربت حیدریه مردم رو تهدید کرده که اگر کسی درباره سیل رعب و وحشت ایجاد کنه، باهاش برخورد می‌شه.»

● رییس سازمان مدیریت بحران کشور روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ادعا کرده است که اغلب ساختمان‌های درگیر سیل در مشهد بدون مجوز ساخته شده بودند!

● اگر بند گلستان روی رودخانه چهل‌بازه که ۱۵۰ سال قدمت دارد و اکنون ترک خورده «شکسته شود همه بلوار وکیل‌آباد تا ارتفاع دو متر به زیر آب می‌رود. در حال حاضر حریم رودخانه چهل‌بازه در حال خرید و فروش است و بعضی از دستگاه‌ها برای تغییر کاربری این اراضی به مسکونی پافشاری می‌کنند.»

● یک فعال محیط زیست و کارشناس شهرسازی با اشاره به بسته شدن راه‌های نفوذ آب در مسیرهای پیشین به دلیل ساخت و سازهای بی‌رویه و عدم رعایت اصول شهرسازی می‌گوید: «دو سامانه بارشی دیگر نیز در پیش است و امکان دارد بافت مرکزی مشهد هم درگیر صدمات شدیدتری شود. حرم مطهر هم یکی از اماکنی است که در معرض خطر است و همین الان هم چون قعر این بستر قرار دارد، در حرم فاضلاب در می‌آید.»

در حالی که ۱۶ استان کشور همچنان گرفتار سیل و آبرفتگی هستند دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان «خراسان رضوی» ادعا کرده است «شناسایی مقصران احتمالی این حادثه در دستور کار قرار دارد.»

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان «خراسان رضوی» با اشاره به سیل و جاری شدن سیلاب در این استان گفت: «شناسایی مقصران احتمالی حادثه مزبور بر اساس کار کارشناسی و بازدیدهای میدانی و فیلم‌هایی که از حادثه وجود دارد و مستندات موجود در دستگاه‌های متولی برای اقدامات پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه، در دستور کار قرار دارد.»

محمدحسین درودی تأکید کرده است: «با مقصران اعم از نهادهای عمومی یا غیرعمومی و اشخاص حقوقی و حقیقی احتمالی بدون تبعیض برخورد خواهد شد و در همین راستا با پیگیری‌های صورت گرفته مدیر بحران، بی‌اطلاع از آخرین وضعیت با ارائه استعفا مسئولیت را تحویل داد.» دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان «خراسان رضوی» به برکنارشدن مدیر بحران شهرداری مشهد پس از

بخشی از جنایات توسط عکاسان و خبرنگاران خبرگزاری‌های «رویترز» و «آسوشیتدپرس» مستقر در غزه ضبط شده بود. این مؤسسه در گزارش خود پرسیده بود، در شرایطی که معمولاً صبح‌های شنبه در آن مناطق اوضاع آرام است این خبرنگاران به آن زودی در آنجا چه می‌کردند؟ آیا با حماس هماهنگی شده بود؟ آیا عکس‌هایی که آنها در سرویس‌های خبری خود منتشر کرده‌اند، حضور آنها را در خاک اسرائیل به همراه تروریست‌هایی که به غیرنظامیان حمله کردند تأیید می‌کند؟ آیا عکاس- خبرنگارانی که برای رسانه‌های دیگر مانند «سی‌ان‌ان» و «نیویورک تایمز» کار می‌کنند، به این رسانه‌ها اطلاع داده بودند که در آنجا هستند؟ با نگاهی به تصاویر مربوط به آدم‌ربایی و هجوم حماس به کیبوتس اسرائیل، به نظر می‌رسد که نه تنها مرزهای فیزیکی، بلکه مرزهای اخلاق در روزنامه‌نگاری نیز زیر پا گذاشته شده است.

الهه محمدی و نیلوفر حامدی در جریان جنبش ملی ۱۴۰۱ به اتهام «تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» دستگیر شده بودند. هر دوی آنها اواخر دی‌ماه ۱۴۰۱ با وثیقه‌ی ۱۰ میلیاردتومانی از زندان اوین آزاد شدند. بازداشت این دو خبرنگار بازتاب زیادی در رسانه‌ها و فضای سیاسی بین‌المللی داشت. سازمان «اصل ۲۱» ایتالیا که روزنامه‌نگاران فعال در زمینه آزادی بیان را در برمی‌گیرد نهم خرداد ۱۴۰۲ به محمدی و حامدی را به عنوان اعضای افتخاری خود پذیرفت.

اصل ۲۱ قانون اساسی ایتالیا آزادی بیان را در این کشور تضمین می‌کند. در این مراسم که در دفتر این نهاد در شهر رم برگزار شد، علاوه بر جوزپه جولیتی مدیر «اصل ۲۱»، رئیس افتخاری این نهاد باربارا اسکاراموچی و ویتوریو دی تراپانی، رئیس اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیا، حضور داشتند. کارت‌های عضویت افتخاری این دو روزنامه‌نگار را احمد رأفت خبرنگار با سابقه ایرانی- ایتالیایی و همکار کیهان لندن و کیهان لایف که از دهه هفتاد میلادی عضو اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیا است، به نیابت نمادین از سوی این دو خبرنگار از الیزا مارینگولا سخنگو و عضو هیات مدیره «اصل ۲۱» دریافت کرد.

کارزار حمایت از این دو روزنامه‌نگار در ایتالیا از مدت‌ها پیش با اهدای شهروندی افتخاری شهر ایورثا به الهه محمدی و مونتالدو پیه‌مونته به نیلوفر حامدی آغاز شد و در روزهای بعد با اهدای عضویت افتخاری اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران ایتالیایی ادامه یافت.

● الهه محمدی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب که دی‌ماه ۱۴۰۲ از زندان آزاد شده بود، جایزه آزادی مطبوعات «خوزه گوزو» را به پابلو گونزالس روزنامه‌نگار اسپانیایی و وائل الدحود و دیگر روزنامه‌نگاران فلسطینی تقدیم کرد.

● وی در پیامی به انجمن روزنامه‌نگاران گالیسیا و باشگاه مطبوعاتی فرول، برگزارکنندگان این جایزه نوشت: «به عنوان یکی از برندگان این جایزه، مایلم آن را به پابلو گونزالس روزنامه‌نگار شجاع اسپانیایی که در فوریه ۲۰۲۲ در حال پوشش فاجعه انسانی در مرز لهستان و اوکراین بازداشت شد، تقدیم کنم. در این دوران پرچالش فکرم همراه اوست.»

● او در ادامه افزود: «همچنین این جایزه را به وائل الدحود و همه روزنامه‌نگاران فلسطینی تقدیم می‌کنم که برای جلب توجه نسبت به وضعیت غزه فداکاری‌های بزرگی انجام داده‌اند.»

الهه محمدی روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب که دی‌ماه ۱۴۰۲ از زندان آزاد شده بود، جایزه آزادی مطبوعات «خوزه گوزو» را به پابلو گونزالس روزنامه‌نگار اسپانیایی و وائل الدحود و دیگر روزنامه‌نگاران فلسطینی تقدیم کرد.

● وی در پیامی به انجمن روزنامه‌نگاران گالیسیا و باشگاه مطبوعاتی فرول، برگزارکنندگان این جایزه نوشت: «به عنوان یکی از برندگان این جایزه، مایلم آن را به پابلو گونزالس، روزنامه‌نگار شجاع اسپانیایی که در فوریه ۲۰۲۲ در حال پوشش فاجعه انسانی در مرز لهستان و اوکراین بازداشت شد، تقدیم کنم. در این دوران پرچالش فکرم همراه اوست.»

● او در ادامه افزود: «همچنین این جایزه را به وائل الدحود و همه روزنامه‌نگاران فلسطینی تقدیم می‌کنم که برای جلب توجه نسبت به وضعیت غزه فداکاری‌های بزرگی انجام داده‌اند.»

تقدیم جایزه از سوی محمدی به خبرنگاران فلسطینی با واکنش‌هایی در فضای مجازی روبرو شده است. برخی کاربران اشاره کردند که شماری از روزنامه‌نگاران فلسطینی در پوشش خبرنگار و عکاس با تروریست‌های حماس در جنایت «هفت اکتبر» همدست بودند یا روابط بسیار نزدیکی با رهبران حماس داشتند.

مؤسسه غیردولتی «هانیست ریپورتینگ» که محتوای ضدیهودی در شبکه‌های اجتماعی را رصد می‌کند، آبان ۱۴۰۲ گزارش داده بود تروریست‌های حماس در روز «هفتم اکتبر» تنها کسانی نبودند که جنایات جنگی این گروه را در جریان تجاوز مرگبار به جنوب اسرائیل مستند می‌کردند بلکه

تکذیب سیل اشاره کرده است.

روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه، پس از بارش شدید باران در مشهد و وقوع سیل، در پی تماس یکی از خبرنگاران روزنامه خراسان با مدیر بحران شهرداری مشهد، وی شرایط بحرانی در شهر را انکار کرد. مدیر بحران شهرداری مشهد همچنین ماشین‌هایی را که در سیل گرفتار شده و آب آنها را برده بود «کارتنی» خواند و گفت که آنها آهنی نبوده‌اند! کلیدی به خبرنگار روزنامه «خراسان» گفته بود: «سیل؟ کدام سیل؟ بارندگی، سیل نیست. همه جا در اختیار و کنترل است. مقداری آب جمع شده است و سیل نیست.»

زینب رحیمی خبرنگار محیط زیست در ایران روز جمعه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که «فرماندار تربت حیدریه مردم رو تهدید کرده که اگر کسی درباره سیل رعب و وحشت ایجاد کنه، باهش برخورد می‌شه.»

جاری شدن سیل در روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ در شهر مشهد صحنه‌های آخ‌الزمانی به وجود آورد. منابع محلی از کشته شدن دست‌کم ۱۲ شهروند و زخمی شدن ده‌ها تن دیگر خبر داده‌اند. مقامات رسمی جان باخت هشت تن را تأیید کرده‌اند.

مجید دبیران عضو شورای اسلامی شهر مشهد هم با اشاره به مفقود شدن ۱۲ نفر در سیل روز چهارشنبه گفته «برخی از مفقودی‌ها بچه‌هایی هستند که مدارسشان تعطیل شده بود.»

فعالان محیط زیست معتقدند کوه‌خواری‌های غیرقانونی در ارتفاعات جنوب مشهد دلیل اصلی جاری شدن سیلاب ویرانگر روز گذشته در این شهر بوده است. از اوایل دهه هشتاد خورشیدی گزارش‌هایی درباره تراشیدن کوه‌های جنوب مشهد و ساختمان‌سازی در این مناطق منتشر شده بود.

در همین ارتباط روزنامه سازندگی نوشت: «یکی از بزرگترین مشکل‌ها در بزرگراه کلانتری و میدان انقلاب بوده که دو فوتی هم در آن نقطه داشتیم. بزرگراه کلانتری یکی از مسیلهای اصلی عبور است. یکی از مشکلات میدان انقلاب این است که بسیار به کوه نزدیک است و وقتی آب به جریان می‌افتد اگر در همان نقطه مدیریت نشود، وارد بزرگراه و بعد زیرگذر می‌شود و شرایط مشابه آنچه روز چهارشنبه اتفاق افتاد، می‌افتد.»

موسی‌الرضا حاجی‌بیگلو دیگر عضو شورای اسلامی شهر مشهد دلیل وقوع سیل در مرکز استان «خراسان رضوی» را «ساخت و سازهای غیرمجاز و ساخت کمربند جنوبی» عنوان کرده است.

با این‌همه رییس سازمان مدیریت بحران کشور روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ادعا کرده است که اغلب ساختمان‌های درگیر سیل در مشهد بدون مجوز ساخته شده بودند!

ازسوی دیگر مدیرعامل جمعیت «هلال احمر» استان «خراسان رضوی» با اشاره به وارد شدن خسارت به ۳۳ نقطه روستایی و ۵ نقطه شهری اعلام کرده است که سیل در سطح استان از جمله در فریمان همچنان ادامه دارد.

محسن ذاکریان روز شنبه ۲۹ اردیبهشت با اعلام این مطلب به روزنامه «هم‌میهن» گفت: «گل و لای در همان ساعت‌های اولیه سیل در شهر مشهد تخلیه و از روز گذشته هم توزیع جیره‌های غذایی، موکت و پتو و همچنین شستشوی منازل آغاز شد. در مرحله دوم امدادسانی، تثبیت منطقه انجام می‌شود، چون حادثه در داخل شهر مشهد رخ داده، دستگاه‌های خدمت‌رسان زیادی هستند که به سرعت خسارت‌ها را جبران می‌کنند.»

به گفته وی سیل در سطح استان از جمله در فریمان همچنان ادامه دارد. وی افزود: «ما صبح روز گذشته هم در



کامل دفن و روی آن ساخت‌وساز شده و به یک کانال خروجی تبدیل شده که آب را از مشهد خارج می‌کند؛ به این ترتیب در بافت مرکزی مشهد هم خطر شدیدی وجود دارد و اگر مدیریت شهری فکری برای آن نداشته باشد و به دوران ترسالی برگردیم که زمانش مشخص نیست، مشهد خسارت زیادی می‌بیند.»

وی با بیان اینکه منطقه سیدی روی دامنه کوه است و به‌دلیل ساخت و سازهایی که در آن انجام شده، بستر کوه را آسفالت و بت‌ریزی کردند و به همین دلیل امکانی برای نفوذ آب و جاری شدن آن باقی نمانده افزود: «سیل از این منطقه شدت گرفت و وارد کلانتری شد و زیرگذرهایی که خروجی مناسبی ندارند، درگیر آب شدند. دو سامانه بارشی دیگر نیز در پیش است و امکان دارد بافت مرکزی مشهد هم درگیر صدمات شدیدتری شود. حرم مطهر هم یکی از امکانی است که در معرض خطر است و همین الان هم چون قعر این بستر قرار دارد، در حرم فاضلاب در می‌آید.»

این فعال محیط زیست با بیان اینکه احتمال شکسته شدن بند گلستان روی رودخانه چهل‌بازه مشهد وجود دارد تأکید کرد که این موضوع «مثل یک بمب ساعتی عمل می‌کند. بند گلستان بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد و حالا ترک خورده است. این بند روی رودخانه چهل‌بازه قرار گرفته و از دو روز پیش در حال رها کردن آب پشت آن هستند، اما میزان آبی که رها می‌شود کم است و می‌گویند ما آب را در تابستان نیاز داریم. مدیریت آن هم با آستان قدس است. اگر این بند شکسته شود همه بلوار وکیل‌آباد تا ارتفاع دو متر به زیر آب می‌رود. در حال حاضر حریم رودخانه چهل‌بازه در حال خرید و فروش است و بعضی از دستگاه‌ها برای تغییر کاربری این اراضی به مسکونی پافشاری می‌کنند.»

روزنامه «خراسان» نیز روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت در گزارشی با عنوان «سیل سوء مدیریت جان گرفت» به پیگیری خبرنگار خود از مسئولان استان درباره سیل و انکار آنها درباره ابعاد تخریب‌ها اشاره کرد و نوشت: «سیلی که می‌توان رد پای ضعف در مدیریت بحران، بسته نشدن معابر در معرض سیل و اصلاح نشدن نقاط مستعد آبگرفتگی در شهر را در آن دید.»

وبسایت «خبرآنلاین» نیز در گزارشی اعلام کرده که «عدم آماده‌باش کامل شهرداری و آتش‌نشانی علیرغم هشدار هواشناسی در روز حادثه بسیار مشهود بوده است.»

فریمان سیل داشتیم، در کلات، سرخس و سبزوار هم احتمال تداوم بارندگی‌ها وجود دارد، حدود ۶۵ تا ۷۰ خانوار در فریمان آسیب دیده و هنوز عملیات تخلیه گل‌ولای در حال انجام است. در مجموع ۳۳ نقطه روستایی و ۵ نقطه شهری و ۵۶۳ خانواده از سیل آسیب دیدند، یعنی خانه‌هایشان تخریب یا دچار خسارت شد.»

وی توضیح داده است: «در حال حاضر امدادسانی در این استان وارد مرحله دوم شده است. تا جایی که ما اطلاع داریم آبگرفتگی در سطح شهر مشهد رفع شده است، ۱۸۲۷ نفر امدادسانی و ۲۳۳ نفر هم اسکان اضطراری شدند یا به نقاط امن منتقل شدند. برای ۷۸۵ نفر هم اقام غذایی توزیع شد. ۵۴۰ نفر موکت و پتو گرفتند و ۲۰۴ خانه هم از آب تخلیه شدند. در حال حاضر ۲۵ تیم در مشهد و به‌طور کلی ۷۰۰ تیم در کل استان مشغول به فعالیت هستند، این تیم‌ها با توجه به مشکل منطقه فعالیت می‌کنند؛ برخی به دنبال مفقودی هستند، تیم دیگر در حال آبگرفتگی هستند و جای دیگر امدادسانی می‌کنند.»

در همین ارتباط یک فعال محیط‌زیست نسبت به وجود بمب ساعتی «بند گلستان» در مشهد و ادامه خطرناک ساخت و سازهای غیرمجاز در ارتفاعات جنوبی این شهر هشدار داده است. محمود ارجمندی فعال محیط زیست و کارشناس شهرسازی به‌روزنامه «هم‌میهن» گفت: «ساخت کمربند جنوبی مشهد یک پروژه طولانی‌مدت است و هدف مدیریت شهری از اجرای آن، روان‌شدن ترافیک در حاشیه شهر مشهد بود، اما ترافیک داخل مشهد هم با اجرای این پروژه سنگین شده است. شش سال پیش آقای پژمانفر، نماینده مشهد و شورای شهر وقت هم قول دادند که پروژه خرید و فروش املاک ارتفاعات جنوبی و تخریب این محدوده برای همیشه متوقف شود. شهرداری هم درختکاری‌هایی انجام داد و فضای سبز ایجاد شد، اما با آمدن شورای شهر جدید روند ساخت‌وسازها شدت گرفته است.»

به گفته وی «منطقه سیدی همیشه مسیر پخش سیلابی بوده که از داخل شهر مشهد عبور می‌کرد و به‌سمت کال قره‌خان می‌رفت، اما امروز این کانال به صورت کامل دفن و به یک کانال بسیار باریک در زیرزمین تبدیل شده است. کال قره‌خان یک کانال فصلی سیلابی بود و ۱۰۰ سال پیش برای جمع‌آوری سیلاب احداث شده بود تا این آب را از ارتفاعات جنوبی جمع و به‌سمت کشف‌رود برد. سرچشمه این کانال در بلوار فلسطین مشهد است، اما امروز به صورت

برکناری مدیر بحران شهرداری مشهد پس از تکذیب وقوع سیل!



مجید دبیریان عضو شورای اسلامی شهر مشهد هم با اشاره به مفقود شدن ۱۲ نفر در سیل روز چهارشنبه گفته «برخی از مفقودی‌ها بچه‌هایی هستند که مدارسشان تعطیل شده بود.»

فعالان محیط زیست معتقدند کوه‌خواری‌های غیرقانونی در ارتفاعات جنوب مشهد دلیل اصلی جاری شدن سیلاب ویرانگر روز گذشته در این شهر بوده است. از اوایل دهه هشتاد خورشیدی گزارش‌هایی درباره تراشیدن کوه‌های جنوب مشهد و ساختمان‌سازی در این مناطق منتشر شده بود. در همین رابطه مجید دبیریان عضو شورای اسلامی شهر مشهد گفته که «ارتفاع آب سرازیر شده و فقدان آب‌بندها این حجم از خسارت را به بار آورده و مسئولین می‌توانستند تدابیر بیشتری برای جلوگیری از سیل اتخاذ کنند.»

موسی الرضا حاجی بیگلر عضو دیگر شورای اسلامی شهر مشهد گفته «قطعاً یکی از نکات اساسی سیل که تعدادی از شهروندان به رحمت خدا رفتند و تردد را دچار مشکل کرد، مربوط به ساخت و سازهای غیرمجاز و ساخت کمربند جنوبی در کوهشاد بوده. کوه‌ها را تراش دادند و جاده‌ای در کوه احداث کردند. ما بارها تذکر دادیم که اتفاقی که در این مناطق شکل گرفته خارج از نظر شورا بوده است.»

اکنون با گذشت دو روز از سیل بی‌سابقه در مشهد منابع محلی و خبرنگاران از سوء مدیریت مقامات شهری در مدیریت پس از وقوع سیل خبر می‌دهند.

روزنامه «خراسان» روز پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت در گزارشی با عنوان «سیل سوء مدیریت جان گرفت» به پیگیری دیروز خبرنگارش از مسئولان استان درباره سیل و انکار آنها درباره ابعاد تخریب‌ها اشاره کرد و نوشت: «سیلی که می‌توان رد پای ضعف در مدیریت بحران، بسته نشدن معابر در معرض سیل و اصلاح نشدن نقاط مستعد آبگرفتگی در شهر را در آن دید.»

وبسایت «خبرآنلاین» نیز در گزارشی اعلام کرده که «عدم آماده‌باش کامل شهرداری و آتش‌نشانی علی‌رغم هشدار هواشناسی در روز حادثه بسیار مشهود بوده است.» در این گزارش آمده که «در میدان انقلاب نکات ایمنی و پیش‌بینی‌های لازم جهت پیشگیری از بحران لحاظ نشده و با مسدود شدن مسیر قدیمی در آن محدوده، سیلاب وارد میدان شد.»

سیل باعث واژگونی و روان شدن ماشین‌ها با جریان آب شده گفته بود «نه بابا، اینجوریا نیست. ماشین‌های کارتنی را آب برده، نه ماشین آهنی مردم!»

سخنان حسن کلیدری با واکنش‌های زیادی از سوی کاربران روبرو شد. در حالی که پیش از این نیز گزارش شده بود که کوه‌خواری در کوهستان‌های جنوب مشهد سبب بروز سیل هولناک دو روز پیش شده، اکنون کاربران می‌گویند جمهوری اسلامی برای بعد از سیل هم نتوانسته مدیریت بحران خوبی در جهت امدادسانی به مردم انجام دهد و مدیران حتی سیل را نیز تکذیب می‌کنند.

در تصاویر تبلیغاتی منتشرشده از شهر مشهد همچنین محسن داوری فرماندار مشهد با کت و شلوار میان سیلاب ایستاده و ماشین‌ها را آنهم به شکلی غلط «هدایت» می‌کند! این اقدام فرماندار مشهد با تمسخر و خشم کاربران روبرو شده و برخی آن را تصویری از «مدیریت جهادی» حکومت توصیف کرده‌اند: کاملاً ناپیشی و بی‌فایده!

زینب رحیمی خبرنگار محیط زیست در ایران، روز جمعه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که «فرماندار تربت حیدریه مردم رو تهدید کرده که اگر کسی درباره سیل رعب و وحشت ایجاد کنه، باهاش برخورد می‌شه.»

جاری شدن سیل در روز چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ در شهر مشهد صحنه‌های آخرازمانی به وجود آورد. منابع محلی از کشته شدن دست‌کم ۱۰ شهروند و زخمی شدن ده‌ها تن دیگر خبر داده‌اند. مقامات رسمی جان باخت هشت تن را تأیید کرده‌اند.

بارش سیل‌آسا در مشهد از حدود ساعت دو و نیم بعد از ظهر روز چهارشنبه آغاز شد و در کمتر از یکساعت سبب جاری شدن سیلاب گشت. شمار زیادی از شهروندان از جمله دانش‌آموزانی که از مدرسه به خانه می‌رفتند گرفتار جریان شدید آب شدند که در خیابان‌ها و کوچه‌ها جاری شده بود.

در یکی از حوادث رخ داده در پی وقوع این سیل یک منزل مسکونی در منطقه «سیدی» به دلیل حجم سیلاب فرو ریخت و یک مادر و چهار کودکش زیر آوار جان باختند. در حادثه دیگری دو سرنشین یک اتومبیل در میان سیل روان گرفتار شدند و در اتومبیل جان خود را از دست دادند.

● رئیس گروه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران شهرداری مشهد: «سیل؟ کدام سیل؟ بارندگی، سیل نیست. همه جا در اختیار و کنترل است. مقداری آب جمع شده است و سیل نیست.»

● وی در پاسخ به خبرنگاران درباره واژگونی و روان شدن اتومبیل‌ها با جریان آب گفته بود «نه بابا، اینجوریا نیست. ماشین‌های کارتنی را آب برده، نه ماشین آهنی مردم!»

● مجید دبیریان عضو شورای اسلامی شهر مشهد با اشاره به مفقود شدن ۱۲ نفر در سیل روز چهارشنبه گفته «برخی از مفقودی‌ها بچه‌هایی هستند که مدارسشان تعطیل شده بود.»

رئیس گروه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران شهرداری مشهد، به دلیل تکذیب وقوع سیل عزل شد. او روز گذشته در گفتگو با خبرنگاران سیل را که در برابر چشم همه جاری شده تکذیب کرده و گفته بود «یک آبگرفتگی جزئی» است! وی همچنین مدعی شد که اتومبیل‌هایی که با آب برده شده‌اند و ویدئوهای آنها در رسانه‌های اجتماعی پخش شده، «آهنی» نبوده‌اند و «ماشین‌های کارتنی را آب برده!» به گزارش رسانه‌های داخلی ساعاتی پیش با دستور استاندار و رئیس ستاد مدیریت بحران استان «خراسان رضوی» به شهردار مشهد، حسن کلیدری رئیس گروه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران شهرداری مشهد در پی ایجاد حواشی اخیر عزل شد.

محمدرضا قلندر شریف شهردار مشهد در اینباره گفته مدیر بحران شهرداری مشهد «در پی مصاحبه نامناسب، غیرصمیمی و غیرکارشناسی» از سمت خود عزل شده است. شهردار مشهد افزوده که جایگزین وی تا ساعتی دیگر معرفی خواهد شد.

حسن کلیدری رئیس گروه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران شهرداری مشهد در یک گفتگو که فایل صوتی آن منتشر شده، وقوع سیل در شهرستان مشهد را تکذیب کرده و گفته «نه، نه، نه. سیلی در کار نیست. آبگرفتگی جزئی است.» کلیدری به خبرنگار روزنامه «خراسان» هم گفته بود: «سیل؟ کدام سیل؟ بارندگی، سیل نیست. همه جا در اختیار و کنترل است. مقداری آب جمع شده است و سیل نیست.» او همچنین در پاسخ به خبرنگاران که گفته بودند شدت

«محیط زیست» سومین عامل مهاجرت‌های داخلی پس از فقر و بیکاری



تاب‌آوری پایین قرار گرفته است. همچنین بر اساس رتبه‌بندی این شاخص تنها ۱۵ کشور در گروه کشورهای با تاب‌آوری بالا قرار دارند. ۲۳ کشور در گروه تاب‌آوری متوسط و ۱۴۲ کشور در گروه کشورهای با تاب‌آوری پایین قرار دارند.

بر اساس این شاخص اقلیم کشورها و سرمایه‌گذارانی که در گروه کشورهای با تاب‌آوری پایین قرار دارند، در برابر رویدادهای شدید آب و هوایی مانند آتش‌سوزی جنگل‌ها، امواج گرما، سیل، خشکسالی و توفان آسیب‌پذیرتر هستند.

بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران نیز زمستان ۱۴۰۱ اعلام کرد که از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ بطور متوسط سالانه یک میلیون نفر مهاجر داخلی داشتیم. این عدد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است و در مدت ۷ سال است که نمی‌دانیم در این زمینه در کشور چه اتفاقاتی افتاده است.

در این میان جمعیت مناطق حاشیه‌ای که بیشتر تحت تاثیر تغییرات اقلیمی قرار دارند، به مناطق مرکزی تزیق می‌شوند. بهرام صلواتی در ادامه افزوده بود که بر اساس آمارها در

سال ۲۰۲۲ تعداد چند هزار بلایای طبیعی رخ داده است و در ایران نیز بر اساس استانداردها، پنج بلای طبیعی رخ داده است. مدیر رصدخانه ایران با تأکید بر اینکه در ۴۱ بلای طبیعی شناخته شده در دنیا، ۳۲ مورد آن در ایران شناسایی شده است، گفته بود که این عدد نشان‌دهنده بلاخیز بودن کشور است. کمبود آب، شامل تنش آبی، کم‌آبی و بحران آب است. مفهوم تنش آب نسبتاً جدید است. تنش آب مشکل در یافتن منابع آب شیرین برای استفاده است، که علت آن تخلیه منابع است. بحران آب وضعیتی است که در آن آب قابل آشامیدن و غیر آلوده در یک منطقه کمتر از تقاضای آن است.

علی سلاجقه رئیس سازمان محیط زیست نیز پیشتر به خبرنگاری «ایلنا» گفته بود که «تغییر اقلیم و بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از آن در همه کشورها از جمله ایران بروز پیدا کرده و به مشکلات مختلفی از جمله مهاجرت اقلیمی دامن زده است.»

مهدی زرغامی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تبریز نیز خرداد سال ۱۴۰۱ آمار از مهاجرت درون‌کشوری به دلیل مشکلات اقلیمی ارائه کرده و گفته بود که تحت تاثیر شرایط اقلیمی، ۱۰ هزار خانواده ایرانی سال گذشته از زایل خارج شدند؛ این عددی است که شرکت حمل‌ونقل و ترابری ثبت کرده است.

مهاجرت را برمی‌گزینند.»

در بهمن‌ماه ۱۴۰۲ نیز داریوش گلعلی‌زاده رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست گزارش داد طی دو سال اخیر ۸۰۰ هزار نفر از استان‌های مرکزی و جنوبی کشور به دلیل تغییرات اقلیمی به استان‌های شمالی مهاجرت کرده‌اند.

رئیس مرکز ملی تغییر اقلیم سازمان محیط زیست افزوده که «متأسفانه ما در حوزه تغییر اقلیم در حال حرکت به سمت یک فروچاله هستیم و اگر سازگاری نداشته باشیم با توجه به تحریم‌ها و محدودیت‌های موجود آسیب جدی متوجه کشور خواهد شد.»

روزنامه «جهان‌صنعت» بهمن‌ماه گذشته در گزارشی درباره مهاجرت اقلیمی نوشته بود که ورود مهاجران جدید به یک منطقه به معنای تامین منبع آب، مسکن و... برای آنهاست. وضعیتی که بازار کار، بازار مسکن، ذخایر آبی و... را تحت تاثیر قرار داده و با چالش‌هایی مواجه می‌کند.»

این گزارش افزوده بود «چنانچه تا کنون مقامات دولتی بارها گفته‌اند تهران دیگر ظرفیت ورود مهاجران جدید را ندارد. شهرهای شمالی کشور نیز که اکنون یکی از مقاصد مهاجرتی هستند با بحران آب و فرونشست زمین دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نتیجه آن می‌شود که به مرور زمان، مقصد مهاجرتی نیز با چالش‌های دیگری مواجه می‌شوند. به عبارتی مشکلات حل نمی‌شود، بلکه فقط به منطقه‌ای دیگر منتقل شده و بر حجم آن هم افزوده شده تا جایی که به گره کور تبدیل می‌شود.»

رصدخانه مهاجرت ایران سال ۱۴۰۱ در گزارشی وضعیت تاب‌آوری اقلیمی ایران را مورد بررسی قرار داد. بر اساس این گزارش شاخص تاب‌آوری داده‌های ۱۸۰ کشور را شامل می‌شود، عوامل کلیدی همچون آسیب‌پذیری، آمادگی برای افزایش سرمایه گذارهای آب‌وهوایی و توانایی اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) کشورها برای انطباق را در نظر می‌گیرد. این شاخص کشورها را در سه گروه تاب‌آوری طبقه‌بندی می‌کند: تاب‌آوری بالا (نمره بین ۶۰ تا ۱۰۰)، تاب‌آوری متوسط (نمره بین ۴۵ تا ۵۹.۹) و تاب‌آوری پایین (نمره پایین‌تر از ۴۵). بر اساس امتیازات این شاخص، ایران با کسب امتیاز ۳۶ در رتبه هفتاد و دوم این شاخص و در میان کشورهای با

● رقم مهاجرت‌های سالانه ایران در سال‌های اخیر حدود یک میلیون بوده و در یک دهه اخیر مهاجرت به مقصد بیرون از مناطق و به استان‌های دیگر افزایش محسوسی داشته است.

● استان‌های خوزستان، لرستان، سیستان و بلوچستان و ایلام مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور هستند.

● در حالی که اغلب مهاجران به تهران افراد جوان جویای شغل هستند، مهاجران از تهران بیشتر قشر سالمندان و گروه‌های حساس به آلودگی هوا هستند.

جمعیت‌شناسان هشدار می‌دهند که «محیط زیست» سومین عامل مهاجرت در ایران است. بر اساس آمارها سالانه یک میلیون مهاجرت داخلی وجود دارد که مقصد یک چهارم آنها تهران و حومه پایتخت است. همچنین خوزستان، لرستان، سیستان و بلوچستان و ایلام مهاجرفرست‌ترین استان‌های کشور هستند.

جمعیت‌شناسان معتقدند با تشدید اثرات تغییرات اقلیمی در سال‌های اخیر، انگیزه و مقصد مهاجرت‌ها نیز دستخوش تغییر شده و عدم تعادل جمعیتی در جغرافیای ایران را تشدید کرده است. اکنون «محیط زیست» به سومین عامل مهاجرت درون‌کشوری پس از فقر و بیکاری تبدیل شده است.

رسول صادقی عضو هیئت علمی جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران درباره مهاجرت‌های داخلی گفته نابرابری منطقه‌ای ایران باعث شده است چرخه مهاجرت‌های داخلی همواره وجود داشته باشد اما در سال‌های اخیر حجم این مهاجرت به دلایل محیط زیستی تشدید شده است.

این استاد دانشگاه رقم مهاجرت‌های سالانه ایران در سال‌های اخیر را حدود یک میلیون اعلام کرده و افزوده که روند مهاجرت‌های داخلی ایرانیان که پیش از این غالباً درون‌منطقه‌ای بود، با تغییر همراه بوده و در یک دهه اخیر مهاجرت به مقصد بیرون از مناطق و به استان‌های دیگر افزایش محسوسی داشته است.

عضو هیئت علمی جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران با ارائه آماری از مقاصد مهاجرتی درون‌کشوری گفته حدود یک چهارم مهاجرت‌ها به مقصد مناطق پیرامونی تهران انجام می‌شود، اما تهران به یک مبدأ مهاجران نیز تبدیل شده است که معمولاً به مقصد استان البرز و استان‌های شمالی کشور انجام می‌شود.

در حالی که اغلب مهاجران به تهران افراد جوان جویای شغل هستند، به گفته رسول صادقی، مهاجران از تهران «بیشتر از قشر سالمندان و گروه‌های حساس به آلودگی هوا هستند.» او همچنین با بیان اینکه «استان‌های خوزستان، لرستان، سیستان و بلوچستان و ایلام مهاجرفرست‌ترین استان‌های ایران هستند» گفته «دشواری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیستی مهمترین انگیزه‌ها را برای مهاجرت افراد در ایران فراهم می‌کنند. دشواری‌های محیط زیستی با به خطر انداختن سلامت و معیشت مردم باعث مهاجرت جمعیت‌ها به مناطق دیگر می‌شود.»

این جمعیت‌شناس همچنین با بیان اینکه «مهاجرت‌های اکولوژیکی رو به ازدیاد است و این امر عدم تعادل جمعیتی در ایران را تشدید می‌کنند» گفته «مطالعات نشان می‌دهد مشکلات محیط زیستی وقتی سلامت افراد را به خطر می‌اندازد، به سرعت به مهاجرت منجر می‌شود. اما وقتی این مشکلات معیشت مردم را تهدید می‌کند، افراد ابتدا به دنبال راهکارهایی برای سازگاری اقتصادی با شرایط محیطی جدید می‌روند و در صورتی که این راهکارها نتیجه‌بخش نباشد،

فاجعه قیمت‌های نجومی در بازار مسکن دولت می‌گوید تا تمام کارگران را خانه‌دار نکنیم، آرام نمی‌نشینیم!



مسکن در دولت سیزدهم، رکورد بیشترین رشد اجاره‌بها را در تاریخ ثبت داده‌های رسمی از اجاره، به ثبت رسانده است. ارقام رسمی مربوط به تورم اجاره مسکن در تهران نشان می‌دهد از سال ۱۴۰۰ تا پایان ۱۴۰۲، اجاره‌بها سالانه به ترتیب ۴۵ درصد، ۴۴ درصد و ۵۲ درصد جهش کرده است. روند افزایش قیمت‌ها در بازار اجاره حتی در زمستان گذشته که فصل رکود در این بازار بود ادامه یافت. در روزهای گذشته نیز گزارش‌ها از افزایش پرسرعت اجاره، همزمان با آغاز فصل جابجایی مستأجران، حکایت دارد. از سوی دیگر دولت در حالی مدعی از پاننشست تا خانه‌دار کردن کارگران است که حتی با افزایش رقم «حق مسکن» کارگران در ردیف‌های درآمدی امسال این قشر خودداری کرده است.

در همین رابطه سمیه گلپور رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور با اشاره به «کنسل شدن افزایش حق مسکن کارگران» گفته که «متأسفانه امسال هم شاهد عدم اجرای صحیح ماده ۴۱ قانون کار در فرآیند تعیین دستمزد کارگران بودیم.»

سمیه گلپور همچنین به افزایش قابل توجه تورم و اثر آن بر زندگی کارگران اشاره کرده و گفته «نوسانات نرخ ارز در کشور ما باعث عدم کنترل تورم شده است، این نوسانات اثرات خود را به روی زندگی کارگران و سفره معیشت آنها گذاشته است. واقعیت این است که مردم ما در بخش حقوق‌بگیر و مزدبگیر به ریال حقوق می‌گیرند و هزینه‌های معیشتی و قیمت‌ها متناسب با افزایش نرخ دلار تغییر می‌کند.» یکی از مهمترین نتایج ناتوانی خانوارها در تأمین هزینه اجاره‌بها، افزایش مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای و سکونت در این بافت فرسوده به دلیل قیمت‌های پایین اجاره مسکن در این مناطق نسبت به مناطق دیگر شهرها است.

جمعیت بدمسکن در ایران که بر اساس آمارهای رسمی در میانه دهه ۹۰ رقمی معادل ۱۹.۵ میلیون نفر اعلام شده بود، در یک برآورد جدید به ۲۳ میلیون نفر افزایش یافته است. آمارها نیز نشان می‌دهد که اوایل دهه ۹۰ و حدود ۱۳ سال پیش مساحت پهنه‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی ۷۴ هزار هکتار بوده اما در حال حاضر به

در حالی که خرید خانه برای دهک‌های پایین درآمدی به رویایی دست نیافتنی تبدیل شده، حتی تأمین اجاره‌بهای مسکن نیز برای اقشار کم‌درآمد امکان‌پذیر نیست.

آمارها از افزایش حدود ۵۰ درصدی اجاره‌بهای مسکن در یک سال حکایت دارد اما گزارش‌های میدانی بر دو برابر شدن رقم اجاره خانه در محلات مختلف کلانشهرها تأکید دارد. مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچوقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

ابوالفضل نوروزی مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی بطور میانگین حدود ۳۱ درصد از مردم ایران مستأجر و بقیه مالک‌اند و ۸ درصد هم در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند و در شهر تهران ۵۱ درصد شهروندان مستأجران هستند.

این آمارها به این معناست که یک سوم از جمعیت کشور و بیش از نیمی از جمعیت تهران برای تأمین هزینه اجاره‌بها با مشکلاتی جدید روبرو هستند.

وبسایت «اکو ایران» به تازگی در گزارشی به شتاب پرسرعت اجاره‌بها در سال‌های گذشته پرداخته و نوشته مقایسه رشد «قیمت مسکن» و «اجاره‌بها» در بازه سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد در برخی مراکز استان‌ها، رشد اجاره از رشد قیمت پیشی گرفته است.

این گزارش تأکید کرده که هرچند در بیشتر مراکز استان‌ها، این «رشد قیمت» بود که سرعت بیشتری نسبت به «رشد اجاره» داشت اما در سه مرکز استان، رشد اجاره‌بها شتاب بیشتری داشت.

بر اساس این گزارش یکی دیگر از نکات آمارهای رسمی اینست که در چند سال اخیر رشد اجاره در شهرهای کوچک، بیشتر از شهرهای متوسط و حتی کلانشهرها بوده است؛ البته به اعتقاد برخی کارشناسان، یکی از دلایل «پیشی گرفتن سرعت رشد اجاره از رشد قیمت مسکن» در این استان‌ها، می‌تواند کاهش قدرت خرید و به تبع آن افزایش تقاضای اجاره باشد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده که «بازار اجاره

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که «استطاعت خانوارهای کم‌درآمد در سطحی است که با تسهیلات بانکی هم امکان ورود به بازار مسکن برایشان فراهم نخواهد شد.»

● مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچوقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

● مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی: بطور میانگین حدود ۳۱ درصد از مردم ایران مستأجر و بقیه مالک‌اند و ۸ درصد هم در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند و در شهر تهران ۵۱ درصد شهروندان مستأجران هستند.

قیمت‌های نجومی در بازار مسکن سبب شده خرید خانه برای اقشار کم‌درآمد به رویایی دست‌نیافتنی تبدیل شود و یک سوم جمعیت کشور که مستأجر هستند حتی برای تأمین هزینه اجاره‌بها نیز با بحران روبرو باشند. در حالی که طرح‌های دولت برای حل مشکلات بازار مسکن و حمایت از مستأجران همگی با شکست روبرو بوده، معاون وزیر راه و شهرسازی در ادعایی توخالی گفته «تا تمام کارگران را خانه‌دار نکنیم، آرام نمی‌نشینیم!»

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با تحلیل آنچه «ابرجالش مسکن» در ایران خوانده تلاش کرده به این پرسش پاسخ دهد که «آیا با عرضه مسکن می‌توان مشکل گروه‌های کم‌درآمد و اقشار کم‌برخوردار را در این زمینه حل کرد؟» این مرکز معتقد است که استطاعت خانوارهای کم‌درآمد در سطحی است که با تسهیلات بانکی هم امکان ورود به بازار مسکن برایشان فراهم نخواهد شد. در این گزارش توان تملک خانوارهای شهری ۵ دهک نخست درآمدی، زیر ۵۰ مترمربع اعلام شده است.

گزارش مربوطه نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ زمان تقریبی انتظار برای خرید خانه در اقشار کم‌درآمد ۱۳۳/۵ سال بوده است. با توجه به افزایش تورم در بازار مسکن طی دو سال گذشته، رقم انتظار برای خانه‌دار شدن در اقشار کم‌درآمد به بیش از یک و نیم قرن رسیده است!

فاجعه‌ای که «نباید نوشته می‌شد»



نوشته است. احمد رأفت در حاشیه «همایشگاه کتاب تهران بدون سنسور در لندن» با عظمت اژدری گفتگویی انجام داده است.

در ششمین «همایشگاه کتاب تهران بدون سنسور» که ۲۵ آوریل آغاز شد و تا ۱۰ ژوئن ادامه پیدا خواهد کرد، امسال در برخی شهرها «انجمن خانواده‌های جانبازان پرواز پی‌اس ۷۵۲» نیز با کتاب‌هایی که منتشر ساخته حضور دارد. «نباید نوشته می‌شد» که در ۳ جلد منتشر شده است، خاطرات خانواده‌های ۱۶۶۷+۱۱ جانبازته پرواز پی‌اس ۷۵۲ شرکت هواپیمایی «اوکراین اینترنشنال» است. پروازی که سحرگاه ۱۸ دی ۱۳۹۸، سه دقیقه پس از حرکت از فرودگاه بین‌المللی تهران با شلیک دو موشک به فاصله ۲۴ ثانیه از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آسمان شهریار سقوط کرد.

یکی از مسافران این پرواز، غنیمت اژدری متولد شیراز و خبرنگار بود. او در حوزه محیط زیست فعالیت می‌کرد. غنیمت پس از فوق لیسانس برای تحصیل در مقطع دکترا به کانادا رفته بود. ۱۸ دی ۱۳۹۸ پس از گذراندن تعطیلات زمستانی در کنار خانواده در شیراز راهی کانادا بود، ولی هرگز به مقصد نرسید.

خواهر غنیمت، عظمت اژدری خاطرات خود از لحظه‌ای که خبر سرنگونی هواپیمای اوکراینی و جان باختن خواهرش را شنید در جلد اول «نباید نوشته می‌شد» با عنوان «سکوت»

۱۶۷ هزار هکتار افزایش یافته است.

یک سال پیش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش داد که بدمسکنی در سال ۸۴ شامل ۲۴ درصد کل خانوارهای ایرانی بود و این میزان در ابتدای دهه ۹۰ معادل ۳۳ درصد خانوارها، در سال ۹۸ معادل ۳۶ درصد و در سال ۱۴۰۰ تا ۵۵ درصد افزایش یافته است.

بدمسکنی یکی از بحران‌های ناشی از افزایش پرسرعت تورم در بازار مسکن است. آمارها نشان می‌دهد قیمت مسکن در طی ۱۳ سال، ۴۰ برابر شده است. در سال ۹۰ قیمت هر مترمربع مسکن تهران یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان بود اما میانگین قیمت مسکن در پایتخت یک سال پیش به ۷۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید. در فروردین‌ماه امسال میانگین قیمت مسکن در تهران ۸۱ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان اعلام شد.

روزنامه «تجارت» بهمن‌ماه گذشته در مطلبی تورم پرسرعت اجاره‌بهای مسکن را عاملی برای بدمسکن شدن خانوارها ارزیابی کرده و نوشته بود که «جمعیت قابل توجهی ساکن بافت ناکارآمد و حاشیه‌های کلان‌شهرها هستند. هرچند آمار اعلامی درباره این پدیده دقیق نیست و نرخ‌های متفاوتی برای آن ذکر می‌شود، اما در برخی کلان‌شهرها جمعیت ساکن بافت ناکارآمد و بدمسکن گاهی تا یک‌سوم کل جمعیت می‌رسد.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز آبان‌ماه گذشته نسبت به افزایش جمعیت بدمسکن به تورم اجاره‌بها نوشته بود که سکونت در «خانه‌های غیررسمی و مناطق ممنوعه شهرها»، در حال پیشروی است. پیش‌تر، این مدل اجباری تامین مسکن، عمدتاً در تهران و شهرهای بزرگ وجود داشت؛ اما مطابق یک پژوهش رسمی، سکونتگاه‌های غیررسمی به شهرهای کوچک هم سرایت کرده و تعداد «بد مسکن»‌ها رو به افزایش است.

این گزارش افزوده بود که «۷ درصد جمعیت کشور در پهنه سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند. بررسی‌ها درباره خط تولید فقر مسکن در کشور نشان می‌دهد، وضعیت اقتصادی خانوارها از یکسو و تورم مسکن و اجاره از سوی دیگر باعث شده است دهک‌های پایین جامعه در غیاب سیاست‌های کاهنده تب قیمت‌ها، به فضاهای غیرقابل سکونت شهرها برای سکونت پناه ببرند.»

در چنین شرایطی مقامات دولت به جای اقداماتی حمایتی از افشار مستأجر، با وعده‌های توخالی نمک بر زخم افشار کم‌درآمد می‌باشند. ارسلان مالکی معاون وزیر راه و شهرسازی مدعی شده که تا تمام کارگران متقاضی مسکن را خانه‌دار نکنیم، آرام نمی‌نشینیم.

معاون وزیر راه و شهرسازی تحقق این وعده را با دادن زمین، نه به کارگران، بلکه به صاحبان صنایع امکان‌پذیر دانسته است!

او گفته «تا کنون برای ۱۴۰ هزار واحد مسکن کارگری زمین تامین شده و هر منطقه‌ای که بتوانیم زمین را تامین کنیم نسبت به ارایه زمین برای مسکن کارگران اقدام می‌کنیم. اما این اراضی به پیمانکاران تعلق نمی‌گیرد بلکه اگر مدیران صنایع بتوانند در مناطقی که اراضی تامین شده برای کارگران مسکن بسازند، با آنها نهایت همکاری را خواهیم داشت.»

با ساختار موجود در اقتصاد و مدیریت کشور، مشخص است که این زمین‌ها به رانت‌خواری و دلالتی بخش‌های مدیریت صنایع تبدیل خواهد شد.

از سوی دیگر مسئله زمین تنها بخشی از بحران مسکن است و افزایش هزینه ساخت نیز مسئله دیگری است که دولت درباره آن همواره سکوت می‌کند.

اوضاع رئیسی و امیر عبداللهیان!



رقص نور از پنجره‌های در فرانکفورت تا پاریس از واقعیت خیالی به واقعیتی تازه...



دور نیست و هنرمند خواسته یا ناخواسته اتفاقاتی را که در اطراف وی رخ می‌دهد بازتاب می‌دهد. هنرمندانی که در ایران هستند مدام از زمانه حرف می‌زنند و آثارشان نیز بعضاً نشان‌دهنده زمانی است که در آن زیست می‌کنند.

«سیمین پاریس» نمایشگاه‌های بسیاری طی این دو سال برگزار کرده که تعدادی از آنها بسیار موفق بوده‌اند. هنرمندان بسیاری در یک سال گذشته از ایران برای نمایش آثارشان به پاریس آمده و آثارشان توسط مجموعه‌داران و هنردوستان خریداری شده است.

شهرزاد دورقی اضافه می‌کند: «ما با گالری‌های تهران نیز برای پیدا کردن و شناخت هنرمندان همکاری می‌کنیم و سپس هنرمندان را انتخاب کرده و برای آنها در پاریس نمایشگاه برگزار می‌کنیم. آثار آنان را در «آرت فرها» شرکت داده و سعی می‌کنیم آنها را به جامعه بین‌المللی معرفی کنیم. تمام هدف ما این است که نسل هنرمندان جوان و گمنام ایرانی را که تعدادشان هم کم نیست در عرصه بین‌المللی معرفی کنیم تا شناخته شوند. امیدواریم که گالری «سیمین پاریس» بتواند نقطه اتکای هنرمندان جوان باشد. این جنبش و فعالیت و شوری که در آثار بچه‌های ایران است ما را گاه مشتاق می‌کند که بیشتر در مورد خود هنرمند صحبت کنیم تا آثارشان؛ اینکه چطور آنجا زندگی می‌کنند، ریشه‌های خلافت‌شان از کجا می‌آید و یا با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند و غیره.»

در این دو سال هنرمندانی هم بوده‌اند که آثارشان در فرانسه با استقبال زیادی روبرو شده. بسیار مقاله در مورد آنها در نشریات هنری فرانسه منتشر شده است. یکی از هنرمندان ایرانی که آثارش توسط «سیمین گالری» معرفی شده، در بخش هنری بازی‌های المپیک تابستان امسال برای همکاری با یک هنرمند شناخته شده فرانسوی به پاریس دعوت شده است.

رد می‌شویم. من تلاشم این است که مخاطب را برای یک لحظه از زمان واقعی خودش خارج کنم و برای کوتاه‌مدت روبروی تابلو متوقف کنم و او را به یک چالش تازه بکشانم. به عنوان مثال تابلویی که از روی قاب عکس نقاشی شده است. این یک قاب عکس کوچک بود که من آن را از یک فروشگاه آنتیک‌فروشی خریدم. عکس خانواده‌ای گمنام را در سال‌های حدود ۱۸۷۰ یا ۸۰ نشان می‌دهد. من در این تابلو ابعاد عکس را بزرگ کرده و آن را نقاشی کرده‌ام، اما مخاطب در لحظه اول متوجه آن نمی‌شود و آن را یک قاب عکس بزرگ می‌پندارد و در حقیقت زمانی که به تصویر نزدیک می‌شود آنجا کشف می‌کند که حتی قاب هم نقاشی شده است. فکر می‌کنم ببیند در واقعیت خیالی خود وارد یک واقعیت تازه می‌شود.»

این هنرمند درباره دیگر آثار این نمایشگاه می‌گوید: «تابلوهای دیگر پرده‌های بوم نقاشی هستند که در آتلیه من برای جلوگیری از نور روی پنجره نصب شده‌اند. پنجره‌هایی که با پرده‌های بوم نقاشی بسته شده‌اند و ما نور و سایه‌ها را از خلال آن می‌بینیم. درواقع مخاطب در آتلیه نقاش ایستاده و به جهان بیرون نگاه می‌کند. این نور فکر می‌کنم که نور امیدبخش هم می‌تواند باشد.»

گالری «سیمین پاریس» با مدیریت لیلا وارسته و با همکاری رضا قبادی و شهرزاد دورقی از سال ۲۰۲۲ بطور جدی شروع به فعالیت کرده است. هدف این سه نفر که هر یک تجربه‌های بسیاری در زمینه هنرهای تجسمی دارند، کمک به هنرمندان ایرانی و بیشتر هنرمندان جوان و گمنام داخل ایران است. آنها سعی می‌کنند آثار ارزشمند هنرمندان معاصر ایرانی را به دنیا و خصوصاً کشور فرانسه معرفی کنند. شهرزاد دورقی می‌گوید: «زمانی که گالری را به راه انداختیم به سیاست فکر نمی‌کردیم و تنها هدف‌مان هنر بود اما متوجه شدیم که هنر از مسائل سیاسی و اجتماعی

● احمد رفیع متولد سال ۱۹۶۱ در تهران است و با وقوع انقلاب ۵۷ و شرکت در جنگ «ایران و عراق» ایران را با دو تجربه تاریخی ترک کرد و ساکن کشور آلمان شد. وی درباره این نمایشگاه توضیح می‌دهد که مجموعه‌ای از نقاشی به روی کتاب وبوم است.

● «اینقدر نقاشی می‌بینیم که دیگر اشباع شده‌ایم به خصوص نقاشی‌هایی که فقط به زیبایی کوتاه‌مدت می‌پردازند، معمولاً خیلی سریع از آنها رد می‌شویم. من تلاشم این است که مخاطب را برای یک لحظه از زمان واقعی خودش خارج کنم و او را به یک چالش تازه بکشانم.»

● گالری «سیمین پاریس» با مدیریت لیلا وارسته و با همکاری رضا قبادی و شهرزاد دورقی از سال ۲۰۲۲ بطور جدی شروع به فعالیت کرده است. هدف این سه نفر که هر یک تجربه‌های بسیاری در زمینه هنرهای تجسمی دارند، کمک به هنرمندان ایرانی و بیشتر هنرمندان جوان و گمنام داخل ایران است. آنها سعی می‌کنند آثار ارزشمند هنرمندان معاصر ایرانی را به دنیا و خصوصاً کشور فرانسه معرفی کنند.

کتابیون حلاجان - گالری «سیمین پاریس» نمایشگاهی از آثار «احمد رفیع» هنرمند نقاش ساکن فرانکفورت را به مدت چهار روز در ماه مه ۲۰۲۴ در پاریس به نمایش گذاشت. مجموعه حاضر در این نمایشگاه نقاشی رنگ روغن به روی بوم و جلد کتاب بود. مجموعه‌ی نقاشی‌های او بر روی جلد کتاب‌های تاریخ هنر آلمان قبل از سال ۱۹۰۰ بسیار تأمل‌برانگیز است و قرار است برای موزه تاریخ هنر برلین خریداری شود.

این نمایشگاه اولین حضور این هنرمند در پاریس است. آثار او بسیار مورد توجه هنردوستان ایرانی و فرانسوی قرار گرفت و بسیاری از آثار به فروش رسیدند. زمان، زندگی و نور در این مجموعه از آثار او بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. احمد رفیع هنرمند کمتر شناخته شده‌ای بین ایرانیان است. او متولد سال ۱۹۶۱ در تهران است و با وقوع انقلاب ۵۷ و شرکت در جنگ «ایران و عراق» ایران را با دو تجربه تاریخی ترک کرد و ساکن کشور آلمان شد.

احمد رفیع درباره این نمایشگاه توضیح می‌دهد که مجموعه‌ای از نقاشی به روی کتاب وبوم است. وی ادامه می‌دهد: «یک بخش از آن کتاب‌هایی قدیمی هستند. کتاب‌هایی که ورق خورده و خوانده شده‌اند و تاریخی را با خود حمل می‌کنند. نقاشی‌های روی آن نیز مربوط به تاریخ خود کتاب هستند. کتاب‌ها اینجا به عنوان حامل تصویر انتخاب شده‌اند که من بعنوان بوم از آنها استفاده کرده‌ام.»

احمد رفیع اضافه می‌کند: «درواقع نقاشی روی جلد این کتاب‌ها چشم را گول می‌زند، وقتی تصویر را می‌بینید وارد یک جهان خیالی می‌شوید! اما زمانی که متوجه می‌شوید نقاشی است، آنجا اتفاقی تازه‌ای بین تصویر و ببیننده می‌افتد.»

احمد رفیع در ادامه می‌گوید: «اینقدر نقاشی می‌بینیم که دیگر اشباع شده‌ایم به خصوص نقاشی‌هایی که فقط به زیبایی کوتاه‌مدت می‌پردازند، معمولاً خیلی سریع از آنها

«رستاخیز شهرياران ايران» ميرزاده عشقی در لندن به روی صحنه رفت



«رستاخیز شهرياران ايران» از ميرزاده عشقی اولین اپرای ایرانی به حساب می‌آید، اگرچه بر مبنای معيارهای جهانی باید آنرا یک «موزیکال» و یا «اپرت» به حساب آورد. ميرزاده عشقی این اثر را در ۲۲ سالگی پس از بازدید از ویرانه‌های کاخ مدائن، در عراق امروزی، در جریان سفرش به ترکیه در سال‌هایی که در شهر استانبول اقامت داشت خلق کرد.

«رستاخیز شهرياران ايران» برای اولین بار توسط خود ميرزاده عشقی زاده‌ی همدان که نام اصلی‌اش «سیدمحمدرضا کردستانی» است، در اصفهان روی صحنه برده شد ولی با استقبال مواجه نشد. در یکی از اجراهای بعدی «رستاخیز شهرياران ايران» در تهران، نقش شیرین را روی صحنه ملوک ضرابی بر عهده داشت. گویا این نقش را در همان سال‌ها قمرالملوک وزیری هم در اجرای دیگری ایفا کرده است.

در دانشگاه سواس لندن سولماز نراقی و حسین حدیثی «رستاخیز شهرياران ايران» را روی صحنه بردند. در جریان این برنامه مهدی رازی و پژمان اکبرزاده، دو پژوهشگر موسیقی، از ميرزاده عشقی و اپرا در ایران سخن گفتند.



هشتمین «نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» در لندن



یافت. سفری ۲۵ هزار کیلومتری که در مخالفت با سانسور و بزرگداشت آزادی بیان هر سال با استقبال کتابخوانان ایرانی مواجه می‌شود. احمد رأفت در گفتگو با تینوش نظم‌جو مدیر «انتشارات ناگجا» در پاریس گزارشی از این نمایشگاه در لندن تهیه کرده است.

برپا شد. در دور روز این نمایشگاه ۱۴ کتاب تازه با حضور نویسندگان و ناشران آنها رومانی یا معرفی شدند. این نمایشگاه سیار که سفر خود را از ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) آغاز کرده به ۲۴ شهر در اروپا و آمریکای شمالی سفر می‌کند و تا ۱۰ ژوئن (۲۱ خرداد) ادامه خواهد

«نمایشگاه کتاب تهران بدون سانسور» که ۹ سال پیش برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ میلادی در شهر لندن با حضور ۴ ناشر برگزار شد، امسال هشتمین دوره خود را برگزار می‌کند. این نمایشگاه در روزهای ۱۷ و ۱۸ ماه مه (۲۸ و ۲۹ اردیبهشت) با حضور ۱۱ ناشر در پایتخت بریتانیا نیز

مهدی تاج پس از کنگره فیفا: به خاطر اسرائیل سالن را ترک کردیم، اما نماینده فلسطین ماند



● همزمان با افشای یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد مالی در فوتبال ایران، مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی، روز جمعه ۲۸ اردیبهشت‌ماه، درباره ترک کنگره «فیفا» در نوبت سخنرانی نماینده فدراسیون اسرائیل، گفت: «به رؤسای فدراسیون الجزایر و فلسطین گفتم در صورتی که نماینده اسرائیل بخواهد صحبت کند باید جلسه را ترک کنیم. البته دوست فلسطینی ما گفت که باید بمانیم و جواب آنها را جلوی چشم‌شان بدهیم».

● رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی در ادامه عنوان کرد، «سالن کنگره را ترک کردیم چون صحبت‌های نماینده اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم. اعتقاد من این است که اسرائیل باید از کلیه فعالیت‌های فوتبالی حذف شود و این باید مشمول نمایندگانش در همه رده‌های فوتبالی در سطح باشگاهی، ملی و مدیریتی باشد.»

همزمان با افشای یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد مالی در فوتبال ایران، مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی، روز جمعه ۲۸ اردیبهشت‌ماه، درباره ترک کنگره «فیفا» در نوبت سخنرانی نماینده فدراسیون اسرائیل، گفت: «به رؤسای فدراسیون الجزایر و فلسطین گفتم در صورتی که نماینده اسرائیل بخواهد صحبت کند باید جلسه را ترک کنیم. البته دوست فلسطینی ما گفت که باید بمانیم و جواب آنها را جلوی چشم‌شان بدهیم.»

افشای فساد گسترده در فوتبال ایران؛ برکناری رئیس کمیته داوران و مسئول برگزاری لیگ فوتبال



خداداد افشاریان رئیس کمیته داوران

- پس از افشای اسناد فساد گسترده در فوتبال ایران، شامل پرداخت رشوه، تبانی، تأثیرگذاری داوران در نتایج مسابقات و موارد دیگر در فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی، خداداد افشاریان رئیس کمیته داوران و سهیل مهدی مسئول برگزاری لیگ فوتبال از سمت خود کنار رفتند. - گفت می‌شود در این پرونده پای تعدادی از مدیران عالی‌رتبه فدراسیون فوتبال در میان است. مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی که خودش متهم به فساد مالی است اکنون پیگیر ارتباط مدیران فدراسیون با این پرونده فساد شده است.

پس از افشای اسناد فساد گسترده در فوتبال ایران، شامل پرداخت رشوه، تبانی، تأثیرگذاری داوران در نتایج مسابقات و موارد دیگر در فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی، خداداد افشاریان رئیس کمیته داوران و سهیل مهدی مسئول برگزاری لیگ فوتبال از سمت خود کنار رفتند.

خرگزاری‌های رسمی از حضور رؤسا و مدیران ارشد فدراسیون فوتبال در دادگاه فساد در فوتبال خبر دادند هرچند هنوز ابعاد دقیق این فساد مشخص نیست.

یکی از موارد این فسادها مربوط به باشگاه «مس رفسنجان» از تیم‌های فوتبال استان کرمان است. مالک این باشگاه شرکت مس است و شماری از مدیران و معاونان سابق این شرکت به فساد متهم شده‌اند.

گفته می‌شود در این پرونده پای تعدادی از مدیران عالی‌رتبه فدراسیون فوتبال در میان است. مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی که خودش متهم

میلیون‌ها مظلوم را فراموش نمی‌کنیم. بسیار تلخ است وقتی که اسرائیل همکاران من را در فدراسیون فلسطین تهدید به دستگیری می‌کند؛ قلدری در این حد مثال‌زدنی است.»

مهدی تاج در دیدار با رئیس فدراسیون فوتبال فلسطین در حاشیه کنگره فیفا نیز ضمن محکومیت عملیات اسرائیل علیه حماس در غزه، گفت فلسطین را «پاره تن خودمان می‌دانیم». وی افزود: «اینهم برای فرد من نیست بلکه تمام مسئولان و ملت جمهوری اسلامی چنین برداشتی دارند.»



دیدار مهدی تاج و رئیس فدراسیون فوتبال فلسطین در حاشیه کنگره فیفا

رژیم غاصب جنایاتی را انجام داده و می‌دهد که در تاریخ همواره بی‌سابقه بوده است که بشریت چنین چیزی را ندیده بود.»

نه فقط فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی بلکه سایر فدراسیون‌های ورزشی از جمله کشتی، جودو، کاراته، تکواندو، شطرنج و سایر رشته‌های ورزشی نیز توسط کسانی اداره می‌شود که در اسرائیل ستیزی گوی سبقت را از یکدیگر می‌ربایند تا جایی که بارها ورزشکاران ایرانی به دلیل اجبار به خودداری از مسابقه با ورزشکاران اسرائیلی محروم شدند یا فعالیت فدراسیون‌های کشور به حالت تعلیق درآمده است.

تاج در ادامه توضیح داد، «ولی من به محض ورود مسئول اسرائیل و زمانی که او خواست توضیح بدهد به همراه همکارانم بلند شدیم و سالن را ترک کردیم. نماینده عراق هم پس از ما بلند شد و همزمان نمایندگان لبنان، موزامبیک و الجزایر هم سالن را ترک کردند.»

رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی در ادامه عنوان کرد، «سالن کنگره را ترک کردیم چون صحبت‌های نماینده اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم. اعتقاد من این است که اسرائیل باید از کلیه فعالیت‌های فوتبالی حذف شود و این باید مشمول نمایندگانش در همه رده‌های فوتبالی در سطح باشگاهی، ملی و مدیریتی باشد. ما در سمت درست تاریخ،

رستمی دارنده عنوان قهرمانی پرورش اندام جهان در فیزیک بانوان، مجید فلاح قهرمان کیک بوکسینگ و موی تای جهان، رضا مجدی مربی بین‌المللی پرورش اندام و وانشا رودبارکی مربی و داور کاراته حضور داشتند.

در این دیدار، ندا رستمی ورزشکار ایرانی ساکن کشور سوئیس مدال طلای خود را به شهبانو فرح پهلوی هدیه کرد. او در همین ارتباط می‌گوید: «افتخار این را دارم که به همراه همسرم رضا مجدی در حضور ملکه مهربان، شهبانوی نازنین، مادر ایرانزمین علیاحضرت فرح پهلوی باشیم. من از مدت‌ها پیش به این فکر افتاده بودم که به پاس قدردانی از خدماتی که شهبانو به ملت ایران به‌خصوص به زنان و کودکان کشورمان کرده‌اند، با شرکت در یک تورنمنت بزرگ جهانی بتوانم قهرمان جهان بشوم و مدال قهرمانم را تقدیم به شهبانو کنم.»

ندا رستمی قهرمان پرورش اندام و رضا مجدی مربی بین‌المللی پرورش اندام در دیدار با شهبانو فرح پهلوی

ندا رستمی قهرمان پرورش اندام و عضو «انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران» مدال اش را به شهبانو هدیه کرد



ندا رستمی در دیدار با شهبانو فرح پهلوی

وی سپس توضیح می‌دهد: «در یک کار تیمی با رضا مجدی همسرم در بازه زمانی هشت ماهه تمرینات و رژیم غذایی رو با دقت دنبال کردیم و سرانجام موفق به کسب مقام اول و قهرمانی در رشته فیزیک بانوان شدم. امروز شهبانوی نازنین منت گذاشتند و در یک دیدار پرمهر و دوستانه این هدیه را از من پذیرفتند. از طرف خودم و همسرم باید اضافه کنم که نام خاندان پهلوی بر قلبمان حک شده است. تندرستی این خاندان و بازگشت به ایران پادشاهی نیز آرزوی قلبی ماست.»

مجدید فلاح نیز از این دیدار به عنوان خاطره انگیزترین روز زندگی خود یاد می‌کند. او می‌گوید که خدمات شهبانو در احیای فرهنگ، هنر و ادبیات ایران بر هیچکس پوشیده نمانده است. او همچنین از تلاش‌های وانشا رودبارکی برای این دیدار به‌یادماندنی قدردانی کرد. او در ادامه یادآوری کرد که تاریخ زخم‌خورده ایران گواه جانفشانی زنان و مردانی است که همواره مقابل ضحاک زمان خود ایستاده‌اند.

مجدید فلاح در پایان خاطرنشان کرد که اعضای «انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران» به نجات ایران می‌اندیشند و «شاهزاده رضا پهلوی تنها آلترناتیو ماست.»

● **جمعی از اعضای «انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران» با شهبانو فرح پهلوی در پاریس دیدار کردند.** در این دیدار ندا رستمی دارنده عنوان قهرمانی پرورش اندام جهان در فیزیک بانوان، مجید فلاح قهرمان کیک بوکسینگ و موی تای جهان، رضا مجدی مربی بین‌المللی پرورش اندام و وانشا رودبارکی مربی و داور کاراته حضور داشتند.

● **در این دیدار، ندا رستمی ورزشکار ایرانی ساکن کشور سوئیس مدال طلای خود را به شهبانو فرح پهلوی هدیه کرد.** او در همین ارتباط می‌گوید: «افتخار این را دارم که به همراه همسرم رضا مجدی در حضور ملکه مهربان، شهبانوی نازنین، مادر ایرانزمین علیاحضرت فرح پهلوی باشیم. من از مدت‌ها پیش به این فکر افتاده بودم که به پاس قدردانی از خدماتی که شهبانو به ملت ایران به‌خصوص به زنان و کودکان کشورمان کرده‌اند، با شرکت در یک تورنمنت بزرگ جهانی بتوانم قهرمان جهان بشوم و مدال قهرمانم را تقدیم به شهبانو کنم.»

● **جمعی از اعضای «انجمن ورزشکاران آزادخواه ایران» با شهبانو فرح پهلوی در پاریس دیدار کردند.** در این دیدار ندا

➔ **به فساد مالی است اکنون پیگیر ارتباط مدیران فدراسیون با این پرونده فساد شده است.**

برخی منابع داخلی گزارش دادند، نهادهای نظارتی به فدراسیون فشار آورده‌اند همانطور که چهار «ایجنت» و دلال فوتبال را تا اطلاع ثانوی از فوتبال محروم کرد، سریعاً مدیران درگیر در پرونده را کنار بگذارد و در اطلاعیه‌ای اعلام کند اگر ثابت شود نقشی در ماجرا نداشته‌اند، دوباره به محل کار خود برمی‌گردند.

هر کدام از این دلال‌ها و مدیران با یک یا چند باند سیاسی و اقتصادی ارتباط دارند که سر بعضی از آنها به سرداران سپاه پاسداران می‌رسد. تعداد زیادی از سرداران سپاه بطور مستقیم در فوتبال ایران دخالت دارند، از مدیریت باشگاه‌ها تا عضویت در هیأت مدیره‌ها. بعضی از آنها پشت پرده در نقل و انتقال بازیکنان سهم دارند و برخی در عزل و نصب‌ها دخالت می‌کنند.

در این پرونده نام شماری از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ورزشی نیز مطرح شده است. به نظر می‌رسد آنها در پوشش خبرنگار نقش واسطه را داشته‌اند.

یکی از افراد مطلع از این پرونده به روزنامه «جام جم» می‌گوید: «در این پرونده یکی از مسئولان فدراسیون فوتبال که پایش گیر است، منکر شده و گفته خبری نداشته و اگر هم زد و بندی صورت گرفته، از جانب او نبوده، اما یکی دیگر از مسئولان بطور کامل پذیرفته که در جریان تخلفات و رشوه‌ها بوده است. به همین جهت دادگاه تا حدودی به یافته‌های خوبی رسیده است. یکی دیگر از مسئولان سازمان لیگ هم که درگیر ماجراست نکته‌هایی را تایید کرده است...»

گفته شده معاون سابق تیم مس رفسنجان عامل لو رفتن خیلی از اتفاقات پشت پرده بوده است. او اعتراف کرده رشوه زیادی پرداخت شده و پای آدم‌های زیادی در میان است. البته در بین اعترافاتش به این نکته نیز اشاره کرده که در بعضی باشگاه‌ها هم این اتفاقات انجام شده و باید به پرونده آنها هم رسیدگی شود. در واقع ماجرا گسترده‌تر از این حرف‌هاست و احتمال دارد با تکمیل اطلاعات، پای افراد، مدیران و چهره‌های رسانه‌ای دیگری به پرونده باز شود.

در حال حاضر مدیرعامل و معاون سابق این باشگاه رفسنجانی با قید وثیقه آزاد هستند، ولی دادگاه این پرونده در هفته جاری تشکیل شد و تمام آنها که درگیر بوده‌اند مقابل قاضی حاضر شده و توضیحات خود را ارائه داده‌اند.

منابع غیررسمی گزارش دادند در این پرونده پای تعدادی از مربی‌ها و بازیکنان فوتبال نیز در میان است. به عنوان مثال محمد ربیعی سرمربی سابق مس رفسنجان که اکنون سرمربی تیم ذوب‌آهن اصفهان است متهم شده طی سه سال به یک «جادوگر» حدود ۷۵۰ سکه از حساب باشگاه مس رفسنجان پرداخت کرده است.

لیگ فوتبال ایران سال‌هاست آلوده به خرافات شده و رقم‌های کلانی برای «جادوگر» و «دعانویس» جابجا می‌شود تا آنها با جادو و جنبل باعث باخت تیم رقیب شوند!

بسیاری از تحلیلگران می‌گویند فساد سیستماتیک در فوتبال ایران نمی‌تواند بدون اطلاع مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال اتفاق افتاده باشد. زد و بند بازیکنان و داروان برای تغییر نتایج، دخالت در نقل و انتقال بازیکنان، تغییر زمان بازی‌ها، داوری‌های مشکوک و اعلام پنالتی‌ها یا نادیده گرفتن خطاها تنها بخشی از مسائلی است که فوتبال ایران با آن دست به گریبان شده است.

در همین ارتباط منابع داخلی گزارش دادند مهدی تاج پذیرفته که مشکلاتی وجود دارد و حتا قبول کرده در بحث داوری، بعضی اشتباهات نه سهوی که عمدی است!

مادر سیاوش محمودی:

ما به لنگیدن یک جای کار عادت کرده‌ایم!

لیلی مهدوی مادر جانباخته میهن سیاوش محمودی پس از سقوط هلی‌کوپتر مقامات جمهوری اسلامی و کشته شدن آنها در یک استوری در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «روزگار عجیبی شده است؛ حتی وقتی می‌خندیم، منظورمان چیز دیگریست، وقتی همه چیز خوب است می‌ترسیم، ما به لنگیدن یک جای کار عادت کرده‌ایم!»

فشار نیروهای امنیتی به خانواده‌های دادخواه: از مرگ مقامات نظام شادی نکنید!

فواد چوبین دایی آرتین رحمانی نوجوانی که ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در جریان خیزش ملی و حمله مأموران سرکوبگر رژیم به بازار ایذه کشته‌شد، در شبکه «ایکس» خبر داده است که مأموران اطلاعات هنگامه چوبین و روجا چوبین، مادر و خواهر آرتین را تهدید کرده و گفته‌اند: «این آخرین اخطار است؛ اگر استوری بگذارید، شادی کنید به خاطر حادثه رئیس جمهور به اون بچه‌ها تون هم رحم می‌کنیم، همشون رو می‌کشیم.» آرتین فقط ۱۶ سال داشت و پیش از پیوستن به اعتراضات علیه رژیم در اینستاگرام خود نوشته بود: «این سرزمین برایم هیچ سودی نداشت ولی می‌ذارم سر زمین براش».

مادر دادخواه حمیدرضا روحی:

چه می‌کند آه مادران داغدار...

پس از اعلام خبر کشته شدن سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» و حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه‌اش به همراه چند تن دیگر از مقامات رژیم، بسیاری از خانواده‌های دادخواه که سوگوار عزیزان خود هستند در رسانه‌های اجتماعی به اشکال مختلف واکنش نشان داده و خشنودی خود را از اینکه مقامات جنایتکار حکومت به چنین شکلی به فنا رفته‌اند، پنهان نکرده‌اند.



گوهر عشقی:

شادی مردم ستم‌دیده به عالم نشان می‌دهد از خونخواران جز نام بد و ننگ ابدی چیزی باقی نخواهد ماند

گوهر عشقی مادر ستار بهشتی در واکنش به مرگ ابراهیم رئیسی به همراه مصرع «خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل» در اکانت ایکس خود یادداشتی منتشر کرد که متن کامل آن به شرح زیر است: «فرزندان عزیزم!

بار کج به منزل می‌رسد. سرنوشت حگام جبار تاریخ، می‌تواند درس عبرت همگان شود. حتی اگر عمر هزار ساله داشته باشند، دست آخر فراموشی و چند مشت خاک سرد جایگاه آنان است.

فرزندانم! همانطور که قبلاً گفتیم، آنانی که آزادی، جوانی و زندگی این مردم را تباه کردند، باید آنقدر همانند تا در برابر چشمان همگان در دادگاه‌های مردمی محاکمه و مجازات شوند!

شادی این مردم ستم‌دیده از نبودن شما، به همه اهل عالم نشان می‌دهد ظلم و ستم در اعماق تاریخ دفن خواهد شد و از خونخواران و مستبدان چیزی جز نام بد و ننگ ابدی باقی نخواهد ماند. نباید فراموش کنیم مبارزه علیه جور و استبداد همچنان ادامه دارد و در گرو درگیری‌های درونی و جنگ قدرت باندهای مافیایی حاکمیت خواهد ماند. برای سعادت مردم ایران دعا می‌کنم و امیدوارم این آتش تا رسیدن به مقصود روشن بماند. پاینده باد ملت ایران»

صدور حکم شش سال حبس برای ماشالله کرمی پدر دادخواه محمدمهدی

ماشالله کرمی پدر محمدمهدی کرمی، جوان ۲۱ ساله که ۱۷ دی ۱۴۰۱ در جریان جنبش ملی توسط جمهوری اسلامی اعدام شد، از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب کرج به «جرم»



عبدالرحیم موسوی:

جهان به دو دوره قبل و بعد از عملیات «وعده صادق» تقسیم شد!

عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی روز ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ در دیدار با ماموستا ملافادر قادری امام جمعه اهل تسنن شهرستان پاوه مدعی شد، «همه اذعان دارند بعد از عملیات وعده صادق منطقه و بلکه جهان به دو دوره قبل از عملیات وعده صادق و بعد از این عملیات تقسیم شد!» در عملیات «وعده صادق» که ۲۵ فروردین ماه ۱۴۰۲ انجام شد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تلافی کشته شدن شماری از فرماندهانش در ساختمان مجاور سفارت جمهوری اسلامی در دمشق، بیش از ۳۵۰ موشک و پهپاد به اسرائیل پرتاب کرد که ۹۹ درصد آنها در آسمان رهگیری و منهدم شدند. علی‌خامنه‌ای در واکنش به این افتضاح نظامی گفت «مهم نیست موشک‌های ما به اسرائیل اصابت کردند یا نه، مهم ظهور قدرت اراده جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح آن در عرصه بین‌المللی است!»

آروین قهرمانی جوان ایرانی یهودی در خطر اعدام!

به گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» آروین قهرمانی جوان ۲۰ ساله ایرانی یهودی در آستانه اجرای حکم اعدام در زندان دیزل آباد کرمانشاه قرار دارد. یک منبع مطلع در خصوص وضعیت این زندانی به «سازمان حقوق بشر ایران» گفته است: «آروین قهرمانی دو سال پیش به اتهام قتل امیر شگری در یک دعوی گروهی بازداشت و به قصاص نفس محکوم شد. اکنون تا روز دوشنبه به خانواده وقت داده‌اند و اگر نتوانند رضایت بگیرند، حکم وی اجرا خواهد شد.» این زندانی که هم‌اکنون به قرنطینه زندان مرکزی کرمانشاه منتقل شده، قرار بود روز شنبه در این زندان اعدام شود، اما به خانواده وی اطلاع داده شده که این حکم تا روز دوشنبه به تأخیر افتاده است.



فعالان حقوق بشر معتقدند که احکام قصاص و تفاوت‌هایی که در قوانین شرع بین مسلمان و غیرمسلمان وجود دارد، اجرای تبعیض سیستماتیک توسط جمهوری اسلامی علیه ایرانیان غیرمسلمان است. روز ۲۶ اردیبهشت «سازمان حقوق بشر ایران» گزارش داد که در ۲۸ روز گذشته دست‌کم ۱۰۳ نفر در زندان‌های مختلف ایران اعدام شدند.

دادخواهی به شش سال حبس محکوم شده است. این حکم بر اساس اتهامات واهی مانند «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» صادر شده و روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در زندان به وی ابلاغ شد. ماشالله کرمی از ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ در زندان بسر می‌برد. در زمان بازداشت، نیروهای امنیتی تمامی وسایل الکترونیک وی را ضبط و کارت‌های بانکی خانواده‌اش را مسدود کردند.

مادر دادخواه حمیدرضا روحی جوان ۲۰ ساله که در جریان خیزش ملی شامگاه جمعه ۲۷ آبان ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم مأموران رژیم به قتل رسید، در استوری اینستاگرام خود از جمله نوشته است: «آه من و مادران سرزمین ایران، دامن ظالمان را خواهد گرفت... آنان که حکم مرگ می‌دادند به دام مرگ افتادند؛ و چه می‌کند این چرخ روزگار؛ و چه می‌کند آه مادران داغدار».

کاربران ایرانی رسانه‌های اجتماعی:

خندانور باز هم برقص!

بسیاری از کاربران در رسانه‌های اجتماعی علاوه بر ویدئوهای مختلف از انواع رقص و شادی، رقص شاد و فراموش‌نشده خندانور لجه‌ای را نیز در واکنش به خبر مرگ سیدابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» و دیگر مقامات رژیم در سقوط هلی‌کوپتر بازنشر کرده‌اند آنهم در حالی که علی‌خامنه‌ای پنج روز عزای عمومی اعلام کرده است!

خندانور لجه‌ای ایرانی بلوچ ۲۷ ساله پس از جمعه خونین زاهدان (۸ مهر ۱۴۰۱) و در جریان اعتراضات جنبش ملی توسط جمهوری اسلامی کشته شد.

رقص و پایکوبی ایرانیان خارج کشور در واکنش به مرگ ابراهیم رئیسی

گروه‌های زیادی از ایرانیان خارج کشور بعد از مرگ ابراهیم رئیسی مشهور به «قاضی مرگ» و شماری دیگر از مقامات رژیم در سقوط هلی‌کوپتر، روز دوشنبه ۲۰ ماه مه (۳۱ اردیبهشت) در شهرهای مختلف از جمله لندن، کلن، هانوفر، مونیخ، هامبورگ، کپنهاگ، تورنتو به ابراز شادی و پایکوبی پرداختند.

زری خوشکام بازیگر بی‌پروای سینمای پیش از ۵۷ درگذشت

زری خوشکام بازیگر سینمای ایران در ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۳ در سن ۷۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. وی همسر علی‌حاتمی کارگردان بنام و مادر لیلا حاتمی بازیگر سرشناس سینما و از جمله هنرمندانی است که تا پیش از ۵۷ در فیلم‌های متعددی به ایفای نقش پرداخت.

خوشکام در مجموعه‌هایی مانند «هزارداستان» و «سلطان صاحبقران» به کارگردانی همسرش نیز هنرمایی کرد. شهرت زری خوشکام اما با فیلم «کلبه‌ای آنسوی رودخانه»



زری خوشکام بازیگر بی‌پروای سینمای پیش از ۵۷ درگذشت

بذل و بخشش دختر قاسم سلیمانی:

بزرگراه پدرم را به نام رئیسی کنید!

نرجس سلیمانی دختر قاسم سلیمانی که در حال حاضر به عنوان رئیس کمیسیون نظارت حقوقی شورای اسلامی شهر تهران حقوق مفت دریافت می‌کند، در پی مرگ ابراهیم رئیسی در سقوط هلی‌کوپتر، پیشنهاد داده است که نام بزرگراهی در تهران که پس از مرگ پدرش به «شهید سلیمانی» تغییر یافته بود اکنون به نام «شهید رئیسی» تغییر داده شود! کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این گفته نرجس سلیمانی با اشاره به اینکه او از این بزرگراه با عنوان «بزرگراه پدرم» نام برده گفته‌اند شهر تهران و بزرگراه‌های آن ارضیه پدر تو نیست و نام این بزرگراه قبل از انقلاب ۵۷ بزرگراه داریوش بوده! بزرگراه داریوش پس از ۵۷ به «رسالت» تغییر نام پیدا کرد و بعد از آنهم به «شهید سلیمانی» یا «جلاد سوریه» رسید! حالا دخترش آن را به «قاضی مرگ» می‌بخشد!

کشور را به خاطر تشییع اجساد مقامات تعطیل کردند!

رئیس کمیته «تشییع شهدا» در پی کشته شدن ابراهیم رئیسی و حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه‌اش در سقوط هلی‌کوپتر اعلام کرد که چهارشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۳ تمام ادارات و سازمان‌های دولتی و مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها تعطیل خواهند بود. پیشتر علی‌خامنه‌ای به همین مناسبت ۵ روز عزای اعلام کرده بود.

۱۷ ماهه روز دفاع از حقوق دگرباشان جنسی

در روز ۱۷ ماه مه ۱۹۹۰ سازمان بهداشت جهانی «همجنسگرایی» را از فهرست بین‌المللی بیماری‌ها و اختلالات روانی حذف کرد. شماری از فعالان مدنی بعد از این روز با عنوان «روز جهانی مبارزه با همجنسگراهراسی» به روشنگری درباره آزادی و حقوق دگرباشان جنسی پرداختند. هم‌اکنون عنوان رسمی این روز «روز جهانی مبارزه با هراس از همجنسگرایی، دوجنسگرایی و تراجنسیتی» است. شعار و مضمون امسال این



روز دفاع از حقوق دگرباشان جنسی ۱۷ ماه مه

تسلیم صمیمانه‌ی اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی

چارلز میشل سیاستمدار بلژیکی از حزب «جنبش اصلاحات» این کشور و رئیس شورای اتحادیه اروپا در شبکه «ایکس» تسلیم صمیمانه اتحادیه اروپا به جمهوری اسلامی و خانواده‌های کشته‌شدگان مقامات رژیم را اعلام کرد و نوشت: «اتحادیه اروپا درگذشت رئیس جمهور رئیسی و عبداللّه‌یان وزیر امور خارجه و سایر اعضای هیئت مربوطه و همچنین خدمه را در سانحه هلی‌کوپتر صمیمانه تسلیم می‌گوید. فکر ما با خانواده‌های آنهاست.»

رافائل گروسی؛ اعلام یک دقیقه سکوت برای مرگ «غم‌انگیز» ابراهیم رئیسی!

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ در آغاز سخنرانی خود در کنفرانس بین‌المللی امنیت انرژی اتمی از حضار درخواست کرد برای مرگ «غم‌انگیز» ابراهیم رئیسی و هیات همراه او یک دقیقه سکوت کنند.

سقف «حرم امام هشتم شیعیان» در مشهد سوراخ شد!

دامنه سیل اخیر و باران‌های شدید در مشهد به محل «حرم امام هشتم شیعیان» هم رسید و علاوه بر اینکه بخشی از کف آن را زیر آب برد، سقف آن نیز سوراخ شد و شروع به چکه کرد.

عکس‌ها و ویدئوهای مربوطه در رسانه‌های اجتماعی و یا رسانه‌های داخلی ایران منتشر شده‌اند.

روح شاد اسطوره؛

استوری کاپیتان تیم «استقلال» (تاج) در سالگرد درگذشت ناصر حجازی



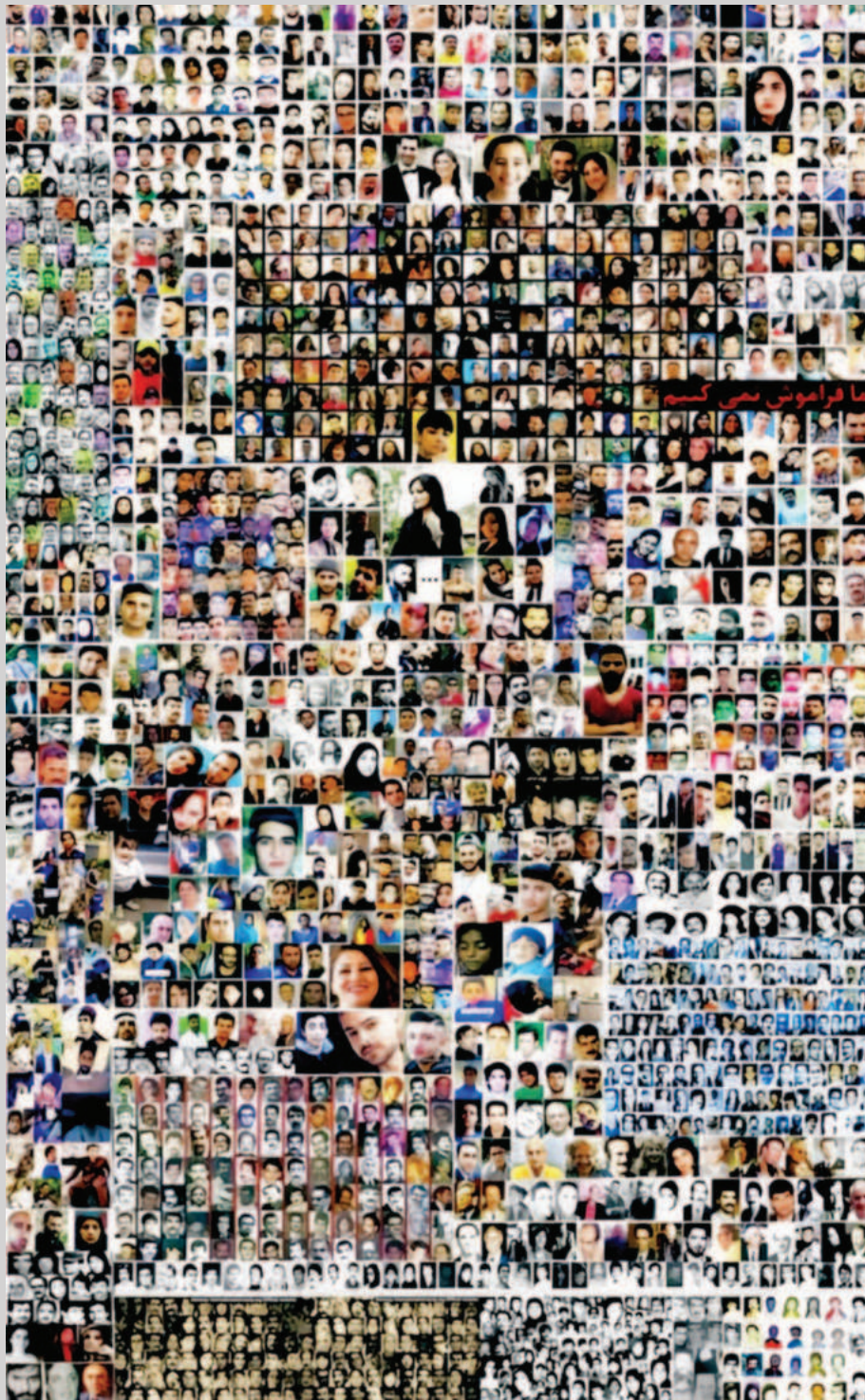
روح شاد اسطوره؛ استوری کاپیتان تیم «استقلال» (تاج) در سالگرد درگذشت ناصر حجازی

حسین حسینی کاپیتان تیم فوتبال «استقلال» (تاج) روز چهارشنبه دوم خرداد در سالگرد درگذشت ناصر حجازی دروازه‌بان و کاپیتان سابق تیم تاج با انتشار تصویری از وی با لباس قدیمی و لوگوی اصلی این تیم یاد وی را گرامی داشت.

حسین حسینی اخیراً به دلیل مواضع خود در دفاع از زنان ایران از طرف حکومت زیر فشار قرار گرفته است.

روز «هیچکس عقب نمی‌ماند: برابری، آزادی و عدالت برای همه!» است. در ایران حقوق دگرباشان جنسی نیز مانند دیگر شهروندان توسط جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته می‌شود و نه تنها فرصت نوسازی فرهنگی برای درک مسائل و حقوق دگرباشان جنسی از جمله از طریق رسانه‌ها و همچنین مواد آموزشی در مدارس به خانواده‌ها و جامعه داده نمی‌شود بلکه آنها با پیگردهای قضائی و کیفری نیز روبرو هستند.

آغاز شد که بر اساس یک داستان دنباله‌دار از منوچهر مطیعی که در «زن روز» آن دوران منتشر می‌شد و بسیار محبوب خوانندگان این مجله بود، تهیه شده بود. این بازیگر جنجالی سینمای ایران پیش از انقلاب، پس از ۵۷ مانند بسیاری از هنرمندان دیگر ممنوع‌الکار شد ولی بعد با فیلم‌هایی چون «سیمای زنی در دوردست» و «در دنیای تو ساعت چند است؟» به سینما بازگشت.



عکس هفته | هزاران دلیل برای شادی مردم

پس از اعلام خبر مرگ سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» و دیگر مقامات جمهوری اسلامی، شمار زیادی از ایرانیان، به ویژه خانواده‌های دادخواه و همه آنهایی که به نوعی از این رژیم زخم خورده‌اند، در داخل و خارج کشور شادی خود را به اشکال مختلف به نمایش گذاشتند.